
یک مسیحی قرآن می خواند

نوشته:

ل.م. عبدالله

ترجمه:

م. م. بطرس

ویرایش:

م. م. بطرس

جزوه ای که پیش رو دارید عبارت است از آرایه مطالب متنوع و منحصر به فردی از مجموعه یک موضوع که برای یک فرد معمولی دست یافتن به آن در شرایط عادی دشوار است.

در اینجا براتب تعلیمات و قلمرو موضوعات اساسی بر میخوریم که در اسلام حائز اهمیت هستند.

برای کسی که با مسلمانان ارتباط دارد این نوشته اجمالی میتواند به شناختن محتوای اعتقادی یک مسلمان کمک کرده و همچنین به تعمیق معارف شخص نسبت به اسلام موثر واقع شود.

طبیعتاً این نوشته مختصر هم میتواند مطالعه شود و هم به عنوان مرجعی مورد پژوهش قرار گیرد.*

دوست عزیز فارسی زبان ، برادر ، خواهر هموطن
با سلام:

ترجمه یک مسیحی قرآن می خواند به انتهای خود نزدیک شده است کار دشوار را به این امید آغاز کردیم که پس از انتشار برادران و خواهران مسیحی خود را اطمینان بخشیم که راه درستی را انتخاب کرده اند.

از شما هموطن محترم یا فارسی زبان گرامی انتظار دارم با دقت و وسواس در اصلاح و تعدیل این نوشته همت و پشتکار عالی خود را مبذول دارید.

لازم به توضیح است که منابع و ماخذی که در آخر کتاب آمده ، صفحات آنها عمداً ذکر نگردیده به هنگام چاپ ، شماره صفحات مبهم خورده و شماره های جدیدی جایگزین خواهند شد ، علی التوصیف بجز چند غلط املائی و پاره ای اشکالات دستوری تا حد ممکن سعی کرده ام تا از چهارچوب امانتداری ادبی که اصل اساسی در کار ترجمه است عدول نکرده و صداقت را در این چهارچوب رعایت کنم ، با امید به پرتوی رحمت

خداوندی برای تلاش شما در راستای تصحیح ، ویراستاری و انطباق با نسخه اصلی ،
فیض و برکت عیسی مسیح را آرزو می کنم.

با درود های خالصانه

شاد و بهروز باشید. آمین

م.م. بطرس

هدف از ترجمه و انتشار این اثر ایجاد فضای مودت آمیز و پر باری است که در سایه
آن بتوان با اتکاء به معلومات و دانش قرآنی و عبارتهای (کتاب مقدس) به رشد روحانی
مسیحیان فارسی زبان یاری رسانیم.

هدف از انتشار این کتاب نه به این خاطر است که برادران مسلمان خود را آزرده خاطر
سازیم ، بلکه برعکس غرض ارتقاء سطح آگاهی و توسعه معرفت قرآنی این گروه است و نه
رنجاندن آنها و به قول حافظ :

وفا کنیم و ملامت کشیم و خوش باشیم که در طریقت ما

کافری است رنجیدن !

در فضای آشفته ای که بیاران تندرو در جهان ایجاد کرده اند ، ناچاریم برای معرفی چهره واقعی
یک مسلمان به این غزل زنده یاد سهراب سپهری تأسی جوئیم که میگوید:

من مسلمانم ، قبله ام یک گل سرخ ، جانمازم چشمه ، مُهرم نور ، دشت سجاده من!

من وضو با طپش پنجره ها میگیرم ، در نمازم جریان دارد نور ، جریان دارد طیف ، سنگ از
پشت نمازم پیداست ، همه ذرات نمازم متبلور شده است ، من نمازم را وقتی می خوانم که باد
اذانش را گفته باشد سر گلدسته سرو ، من نمازم را پی تکبیره الاحرام علف می خوانم ، من
مسلمانم ، قبله ام یک گل سرخ ، جانمازم چشمه ، مُهرم نور دشت سجاده

من!

در این نوشته برای احتراز از ایجاد تشبث فکری در بین خوانندگان سعی شده که فقط از ترجمه و تفسیر قرآن کریم اثر دانشمند فقید حاج شیخ مهدی الهی قمشه ای استفاده شود.

ضمناً برای تفنن و پرهیز از فضائی آکنده از رسمیتِ مُفَرَطِ کوشش شده تا حدّ ممکن با آوردن اشعار و ضرب المثل های (خودمانی) فضای مطالعه را برای شما دل چسپ تر سازیم.

با امید به رحمت بیکران خداوند ، مطمئن هستیم که انتشار این جزوه زمینه وحدت و همدلی را در اجتماع فارسی زبانان ایجاد خواهد کرد. (آمین)!

م.م. بطرس

پیشگفتار

*ترجمه و تفسیر قرآن :

از دیدگاه من که یک مسیحی هستم

هدف پژوهش :

هدف این است که شخصیت ها و رخدادها و آموزشهاییکه در قرآن آمده درک نموده و دسترسی به آنها را ممکن گردانیم.

هدف از ارائه این آموزش برای آن گروههایی است که :

*علاقتمندبه خواندن قرآن بوده و یا مسلمانانی است که تازه

به مسیحیت ایمان آورده اند.

علاقه به آموزش و فراگیری قرآن در بسیاری از جوامع امروزه رو به افزایش است ولی عده ای از مردم ممکن است بهنگام خواندن قرآن احساس کنند ، شاید این کتاب از انسجام مطالب بر خوردار نبوده و متن آن غیر قابل درک است ، از اینرو این عده نیازمند کمک و مساعدت برای درک مطالب مندرج قرآن هستند. آنها نیازمندند تا از درک و شناختن مطالب قرآن آگاهی یافته و از این رهگذر به مشکلی بر خورد نکنند. بهمین خاطر دیدگاه مسیحیت آشنا سازیم. وظیفه ما است که شما را با شخصیت ها ، وقایع و تعالیم قرآن از رابطه مسلمانانی که له مسیحیت گرویده اند با قرآن یک پیوند روشن و کاملاً عادی نیست. این گروه تازه مسیحی شده شاید عیسی مسیح را بعنوان منجی خود پذیرفته و از تعالیم نجات بخش مسیح منتعم شده باشند ولی هنوز سر درگمند تا بامسأله قرآن و محمد چگونه برخورد کنند.

ارتباط این گروه تازه گرویده به مسیحیت با قرآن یک ارتباط سنتی است (آموزشی که بقول معروف با شیر آمده و با جان بدر شود)

این گروه هیچگاه جرأت نمی کنند تا از نقطه نظر مسیحیت با قرآن برخورد کنند ، زیرا کنار گذاردن قرآن و اسلام برای این گروه کار ساده ای نبوده و برخورد نظری با اسلام و قرآن برایشان یک تابو محسوب میشود . بعنوان یک تازه مسیحی شده ، برای نخستین بار می بایستی جرأت کنیم که قرآن را بعنوان کلام خدا مورد سؤال قرار دهیم . این پژوهش بدون شک کمک مؤثری به ایمانداران جدید خواهد کرد تا با مسأله فوق ریشه ای برخورد کنند .

من بعنوان یک مسیحی ارتباط دوستانه ای با بسیاری از مسلمانان داشته و به آنان احترام میگذاریم . از اینرو برای من بسیار ناامید کننده است که دیگران با خواندن این پژوهش مطالعاتی ، بخود مغرور شده به اسلام حمله کرده و ارتباط محبت آمیز خود را با مسلمانان قطع کنند .

ل.م. عبدالله ۱۹۹۵

پیشگفتار 5

مقدمه 15

قرآن بمثابه کلام جاودان خداوند 18

۱- نسخه اصلی قرآن در آسمان است 17

۲- خداوند مجاز است کتابهای قدیمی را تأیید کرده یا تغییر دهد 17

۳- اشخاص ناپاک (نجس) حق دست زدن به قرآن را ندارند 17

دلائل اثبات الهی بودن قرآن 18

۱- قرآن با مکاشفه های پیش از خود مطابقت می کند 18

۲- یهودیان مرتد شده و به اسلام ایمان می آورند 20

۳- قرآن به عربی نازل شده 20

۴- هیچکس قادر نیست اثری چون قرآن بیاورد 21

۵- قرآن معجزه محمد است 22

با مکاشفه های بیشتر از خود مطابقت می کند 22

۱- قرآن نوشته های بیشتر خود را تایید می کند 23

۲- اهل کتاب تجاهل می کنند که از آمدن قرآن بی خبر بوده اند 23

۳- یهودیها و مسیحیان در زمان محمد کتاب مقدس را می خواندند 23

۴- کتاب مقدس قرائت شده و توسط مسیحیان تعلیم داده می شد 24

۵- به یهودیها و مسیحیان توصیه می شود که به کتاب متوسل شوند 24

۶- به مخاطبان توصیه می شود که از اهل کتاب سؤال کنند 24

قرآن نظر مثبتی به اهل کتاب دارد 26

۱- به قوم یهود کتابی آسمانی نازل شد و وظیفه آنها نگهداری و مراقبت از آن است 26

- ۲- به یهودها توصیه می شود که کتاب متوسل شوند..... 26
- ۳- یهودیها و مسیحیان لازم نیست از داوری بترسند..... 27
- ۴- حواریون مسیح از ایمانداران خالص و مُخلص بودند..... 27
- ۵- پیروان مسیح به کافران ترجیح داده می شوند..... 28

30..... قرآن از کتاب مقدس منحرف می شود

- ۱- هابیل ، * قائن * و کلاغ..... 30
- ۲- همسران نوح ، لوط و فرعون..... 31
- ۳- پدر ابراهیم *..... 31
- ۴- ابراهیم از پرستیدن بت ها سر باز می زند..... 31
- ۵- ابراهیم و کوره سوزان..... 32
- ۶- ابراهیم و کعبه..... 32
- ۷- یوسف و *زلیخا* (همسر ابوطیفار)..... 33
- ۸- موسی به فرزند خواندگی فرعون در می آید..... 33
- ۹- همراهی موسی با شخصی ناشناس و غریبه در سفری عجیب..... 34
- ۱۰- موسی و هارون در محضر فرعون و ساحران..... 34
- ۱۱- فرعون و ماهان..... 35
- ۱۲- کوه در فضا بر می خیزد و سایه خود را بر بنی اسرائیل می افکند..... 35
- ۱۳- موسی ، هارون و گوساله السامری * ۲ (سامری) *..... 36
- ۱۴- مریم و ماری باکره..... 37
- ۱۵- تالوت « شائول » و گیدون..... 38
- ۱۶- سلیمان حکیم..... 38
- ۱۷- اسکندر کبیر « ذو القرنین »!..... 40
- ۱۸- مریم باکره و زکریا!..... 41
- ۱۹- زکریا لال شد..... 41

- ۲۰- مریم عیسی را بدنیا می آورد! 42
- ۲۱- عیسی نبوت محمد را بشارت داده 42
- ۲۲- عیسی فقط یک انسان است 43
- ۲۳- عیسی هرگز نمرده است! 44
- ۲۴- اصحاب کهف 44

45..... مسیحیان و یهودیان کتاب مقدس را جعل کرده اند

- ۱- اهل کتاب نظرات گوناگونی راجع به کتاب مقدس دارند 46
- ۲- مسیحیان آگاهانه کتاب مقدس را بر گردانده اند 46
- ۳- یهودیها کلام خدا جعل می کنند 47
- ۴- خداوند در کتابش تغییر رای می دهد 48
- ۵- خداوند سوره های قدیم را نسخ کرده و سوره های بهتری را جایگزین می کند 48

49..... جایگاه عیسی در قرآن

- ۱- عیسی از مریم باکره متولد می شود 50
- ۲- تپه ای محافظ نوزاد و مادرش مریم می شود 50
- ۳- عیسی کلام و روح خداست 50
- ۴- عیسی شبیه آدم خلق شده است! 51
- ۵- معجزات عیسی در قرآن 51
- ۶- انجیل از طرف خدا به عیسی نازل شد 51
- ۷- خداوند هرگز کسی را نزائیده است 52
- ۸- خداوند پسری ندارد 52
- ۹- عیسی تثلیث را منکر می شود 53
- ۱۰- عیسی هرگز نمرده است 53
- ۱۱- آیا علیرغم این همه عیسی مرده است؟ 55
- ۱۲- عیسی نبوت محمد را بشارت می دهد 56

57..... جایگاه محمد در قرآن

- ۱- مسلمانان باید از خدا و محمد اطاعت کنند..... 60
- ۲- محمد خاتم الانبیاست..... 60
- ۳- محمد معجزاتی ظاهر نساخت..... 61
- ۴- قرآن معجزه محمد است..... 61
- ۵- محمد دوبار جبرئیل را مشاهده کرد..... 61
- ۶- سفر شبانه محمد به اورشلیم « معراج »..... 62
- ۷- محمد متهم می شود که پیغمبری جعلی است..... 63
- ۸- محمد مانند سایر پیامبران متهم می شود..... 63
- ۹- محمد اجازه یافت تا با همسران متعدد از دواج کند..... 63
- ۱۰- ممنوع شدن از دواج برای محمد..... 64
- ۱۱- محمد اجازه میابد تا خارج از نوبت عمل کند..... 65
- ۱۲- محمد اجازه یافت تا از قول و قرارهای سخت خود عدول کند..... 65
- ۱۳- محمد با همسر مُطَلَّقه پسر خوانده خود از دواج می کند..... 66
- ۱۴- تهدید به طلاق به علت غیبت و سخن چینی..... 67
- ۱۵- با صدای آهسته و آرام حرف بزیند تا به شما برکت داده شود..... 67
- ۱۶- کسی اجازه نمی یابد مدت طولانی نزد محمد بماند..... 68
- ۱۷- اقوام یهودی که از مدینه به تبعید مجبور شدند..... 68
- ۱۸- محمد مسئول و تصمیم گیر غنائم مصادره شده از یهودیها می شود..... 69

70..... پایه و اساس ایمان در اسلام!

- ۱- مراتب تعلیمات ایمانداری..... 70
- ۲- موضوع توحید..... 71
- ۳- خداوند پسری ندارد..... 71
- ۴- ۹۹ نام نیکو برای الله..... 71

72..... پایه های پنجگانه دین اسلام « ستونهای اصلی دین »

- 73..... ۱- شهادت
- 73..... ۲- نمازهای یومیّه « روزانه »
- 74..... ۳- روزه
- 74..... ۴- زکات
- 74..... ۵- سفر حج

75..... محکومیت و بخشش (محکومیت و عذاب - رحم و شفقت)

- 76..... ۱- دو فرشته اعمال انسان را می نویسند
- 76..... ۲- تمام اعمال بشر نوشته می شود
- 76..... ۳- انسان به تقدیر محتوم خود زنجیر شده است
- 77..... ۴- ترازو بهشتی یا جهنمی بودن را تعیین می کند
- 77..... ۵- اگر قرار باشد عدل الهی حکمفرما شود همه هلاک خواهند شد
- 78..... ۶- وزن یک کار نیک برابر ده عمل ناپسند است
- 78..... ۷- خدا کسی را که بسویش بازگشت کند می بخشد (راه توبه گشوده است)
- 79..... ۸- خداوند جهنم را مالمال خواهد کرد
- 79..... ۹- در جهنم از بخشش خبری نیست

80..... بهشت و دوزخ

- 80..... 1- بهشت پیرامون عرش خداوند
- 81..... ۲- بهشت برای زوجهای عقیف
- 81..... ۳- بهشت فضائی آکنده از زیباییهای چشم نواز است
- 81..... ۴- حوران (زنان زیبای باکره) برای مردان در بهشت وجود دارند
- 82..... ۵- آشامیدن شراب در بهشت جایز است
- 82..... ۶- دوزخ جائیست که عذاب ابدی در انتظار ساکنانش است

۷- غذای دوزخ 83

۸- آتش گداخته و آب جوشان 83

۹- دوزخیان از نافرمانی نسبت به خدا و رسولش محمد پشیمان می شوند 83

84..... جن ها، فرشتگان و ابهامات

۱- جن ها از آتش خلق شده اند 85

۲- برخی از جن ها کامل و صالحند 85

۳- برخی از جن ها توبه کرده و برای دیگران موعظه می کنند 86

۴- بجز شیطان همه فرشتگان در مقابل آدم سجده می کنند 86

۵- فرشته های هاروت و ماروت به تعلیم شرارت مشغولند 87

۶- ارواح شریر توسط شهاب های آسمانی مورد پیگرد قرار می گیرند 87

۷- خداوند به سلیمان قدرتی اهریمنی عطا فرمود 88

۸- آسمان در شب « قدر » باز است 88

89..... جهاد

۱- جهاد در راه خدا 90

۲- جنگ مقدس 91

۳- بت پرستان که حاضر به پذیرفتن اسلام نبودند کشته می شدند 91

۴- با غیر مسلمانان باید جنگید 92

۵- بهشت در انتظار کسی است که در جهاد کشته می شود 92

۶- سربازان ترسو به جهنم محکوم می شوند 92

۷- غنائم جنگی 93

۸- سهم محمد از غنائم جنگی 93

94..... مخالفان اسلام

۱- مجازات وحشتناک برای مخالفان اسلام 94

- ۲- مجازات در انتظار کسانی است که از دین خارج می شوند 95
- ۳- تکفیر و تحریم خاکسپاری شخص منافق یا معاند 96
- ۴- جهنم برای شخص نا فرمان 96
- ۵- هیچ امان و پناهی برای شخص مرتد وجود ندارد 97
- ۶- مشرکان و بت پرستان یا باید اسلام را بپذیرند یا مرگ را انتخاب کنند 97

98. تساوی بین زن و مرد

- ۱- مرد قدری « درجه ای » بیشتر به زن برتری دارد 98
- ۲- شهادت دو زن برابر یک مرد است 98
- ۳- دو دختر به میزان یک پسر ارث می برند 99
- ۴- تنبه زنان 99
- ۵- زنان خدمتکار را می توان بزور تصاحب جنسی نمود 100
- ۶- مردها می توانند چهار زن داشته باشند 100
- ۷- مردها می توانند از زنان خود جدا شوند 100
- ۸- در بهشت زنان باکره برای مردان وجود دارند 101

103 منابع ادبی

- * منابع و متونی که در این کتاب به آنها استناد شده است 103
- * آیات قرآنی 105
- * آیات کتاب مقدس 118

ریشه قرآن از کلمه عربی (القرآن) بمعنای قرائت استخراج شده است، ضمناً برداشت دیگری وجود دارد که می گوید: قرآن همان رجعت به احادیث و اخباری است که در نتیجه جمع آوری تبدیل به کتابی شد که خواندن آن قابل فهم است. این احادیث و اخبار در طول تقریباً ۲۲ سال توسعه پیدا کرد و پس از فوت محمد جمع آوری و تدوین گردیده و سپس در دسترس پیروان آن قرار گرفته است. بنابراین قرآن فقط یک کتاب معمولی نبوده بلکه فراتر از آن است که با شکلی اصیل بزبان عربی نوشته شده است، بسیاری عقیده دارند که باید قرآن را بزبان عربی خواند تا حقیقت آن بهتر عیان شود.

در واقع بخش قابل توجهی از قرآن با بلاغت و فصاحت غیرقابل تردیدی، در قالب اشعاری با وزن و قافیۀ سرود شده و به هنر سُرایش شعر آمیخته است که در آن هجاها و ایستها، و ضرب آهنگهای موزون شعر عربی رعایت می شود.

امروز در مصر قاریانی وجود دارند که قرآن را به شکل درست آن قرائت می کنند. برای اشاعه و ترویج این کلام شیوا راههای دیگری غیر از قرائت زنده وجود دارد. پخش قرائت قرآن از طریق رادیو و تلویزیون شیوه ای رایج است. ضمناً نوارهایی وجود دارند که در کوچه و بازار آوای قرآن را پخش می کنند.

قرآن از زمان شروع مکاشفه (شروع نزول وحی) و بعد از بعثت محمد، بتدریج توسط جبرئیل بصورت سروده به او ابلاغ می شود و بنابر مأموریتی که محمد برعهده می گیرد سوره هائی مناسب با آن مأموریت به سمعش میرسید. (هر آیه ای دارای شأن نزولی است. م).

زمانیکه سوره های جدیدی به محمد می رسید، او آنها را بازگو می کرد و کسانی که میشنیدند کوشش میکردند تا شنیده ها را بر چرم؛ پوست درختان خرما یا بر استخوانها و سنگهای سفید باز نویس کنند. شخص محمد خود ناظر جابجائی و ترتیب قرار گرفتن سوره های ابلاغ شده بود.

علاوه بر فرمهای نقل شده، کسانی بودند که قرآن را از بر می کردند و بدین ترتیب قرآن از منابع و مأخذ مذکور گرفته شده و سپس بصورت مدونی در آمده است، پس منابع جمع آوری قرآن علاوه بر تکه پاره های نوشته شده، حافظان قرآن را نیز دربر می گیرد.

از آنجائیکه قرآن بشیوهٔ نظمی فصحیح از جبرئیل به محمد و بزبان عربی ابلاغ شده، اگر ترجمه شود نه تنها مفهوم خود را از دست نمی دهد بلکه اگر ترجمه آن بر اساس اصول اسلام صورت بگیرد، فرم اصلی خود را از دست نداده، گوهر محتوایی آن دست نخورده باقی مانده و همچنان قابل درک خواهد بود.

کار تدوین و جمع آوری اولین قرآن مکتوب بلافاصله ۲ سال بعد از مرگ محمد در زمان خلیفه اول مسلمان (ابوبکر) و توسط یکی از حافظان قرآن که زیدبن تحبیت نام داشت صورت گرفت که "اوراق" خوانده میشود.

وظیفهٔ نگهداری و مراقبت این "اوراق" بعهدہ یکی از بیوه های محمد که حفیصه نام داشت محوّل شد.

در ابتدای ترویج، قرائت قرآن با هفت گویش متفاوت عربی در شبه جزیرهٔ عربستان خوانده می شود و همین باعث شد که در جملات آن تغییرات ناچیزی صورت پذیرد. اما در عصر خلیفه سوم (عثمان) کوشش جدی بعمل آمد تا قرآن بشکلی رسمی تدوین شود. عثمان به نویسندۀ اول که همان زیدبن تحبیت بود به همراه سه نفر دیگر بنامهای عبدالله بن زبیر، سعدبن و قاص و عبدالله بن حارث بن حشام مأموریت داد تا قرآن را جمع آوری و تدوین نمایند.

زمانیکه کارتدوین قرآن رسمی خاتمه پذیرفت، عثمان دستور داد تا سایر قرآن هائیکه از معیارهای اصلی خود منحرف شده بودند جمع آوری و سوزانده شوند، اما گفته می شود که تنها قرآنیکه سوزانده نشد همان "اوراقی" بود که نزد حفیصه نگهداری می شد. این عمل خشونت آمیز باعث شد که قرآن رسمی عثمان موضوع بحث قرار گیرد و کامل بودن آن مورد تردید واقع شود.

منابعی که برای نوشتن مقدمه استفاده شده بشرح زیر است :

- مکتب اسلام و شیوهٔ زندگی Hjarp , / GEBERS 1979 Sidan 21-56

AWE

- میزان ایمان , نوشتهٔ جامعهٔ مذهبی ناحیه Pfander چاپ ۱۹۱۰ صفحات ۲۵ تا

۲۶۱

*یک مسیحی قرآن میخواند.

در این کتاب از منابع قرآنی استفاده شده که از نظر فصل بندی سوره ها با یکدیگر متفاوت هستند. دومین ترجمه اثر اولین منبع اصلی ترجمه شده، قرآن مقدس (نوشته عبدالله یوسف علی) و است. همانطوریکه گفته شد، تقسیم بندی سوره ها در این ترجمه ها متفاوت است مثلاً ۲:۲۳ تا ۲:۲۱

*قرآن بمثابه کلام جاودان خداوند

قرآن مدعی است که کلام ابدی و کامل خداوند است. سنت اسلام می آموزد. قرآن از روز ازل و پیش از آنکه خداوند جهان را بیافریند نزد او وجود داشته است و در مقطعی از تاریخ توسط فرشته خداوند (جبرئیل) به شکل سروده، کلمه به کلمه و حرف به حرف به محمد نازل شد. منبع: (مکتب اسلام و نوشته شده و صفحات ۱۵ و ۳۶ تا ۳۸ AWE /Hjärpe, GEBERGS شیوه زندگی است که توسط مورد استفاده قرار گرفته اند).

۱- نسخه اصلی قرآن در آسمان است

« که همانا قرآن کتاب بلند مرتبه ای است که نسخه اصلی اصلی آن نزد ما وجود دارد. »

(سورة الزخرف آیه ۳)

تفسیر:

طبق نظر قرآن خداوند نسخه اصلی را نزد خود در آسمان محفوظ میدارد و بدینوسیله خاطر نشان میسازد که قرآنی که ما به آن دسترسی داریم گرده برداری (کپی) از نسخه اصلی است و خود قرآن نیز مدعی است که رو نوشتی از نسخه اصلی است که از روز ازل نزد خداوند قرار داشته است.

۲- خداوند مجاز است کتابهای قدیمی را تأیید کرده یا تغییر دهد

«...در هر مقطع از زمان ایجاب می کند که خداوند بهر شکلی که می خواهد تأیید کند یا تغییر دهد و همانا او خدائی است که تمام نوشته های اصلی نزد او قرار دارد. »

(سورة الرعد آیات ۳۸-۳۹)

تفسیر:

قرآن می گوید که خداوند اختیار دارد تا کتابها و نوشته های قدیم را که منشاء وحی دارند تأیید یا تکذیب کند زیرا نسخه های اصلی کتاب و نوشته ها نزد اوست.

۳- اشخاص ناپاک (نجس) حق دست زدن به قرآن را ندارند

« قرآن نوشته های سودمند و بزرگوار است که بخوبی از آن مواظبت می شود که جز دست پاکان به این کتاب نرسد. » (سورة الواقعة آیات ۷۶-۷۸)

تفسیر:

از آنجائیکه قرآن کلام خداست پس کسی که ناپاک است نباید به آن دست بزند. اما کسانی که ظاهر و باطنشان پاک است مجازند که آنرا بدست گرفته و لمس کنند؛ از آنرو است که یک مسلمان باید باتقوی و وضو آنرا لمس کند. پس اگر کسی می خواهد قرآن را بدست بگیرد و بخواند باید تمیز و پاکدامن باشد.

نتیجه گیری:

مسلمانان عقیده دارند که اسلام یک دین بنیادی و اساسی است، محمد نیز عقیده داشت که منبع وحی او را مُلزم ساخته تا قرآن را از مخالفت باکتابهای آسمانی پیشین بر حذر دارد.

(مکتب اسلام و شیوه زندگی صفحه ۱۸ چاپ ۱۹۷۹ نوشته Hjärpe,AWE/GEBERGS)

قرآن در حقیقت رو نوشتی است از اصل که از روز ازل نزد خداوند قرار داشته و کتابی است مُدرن و تازه که ریشه در کتابهای آسمانی دیگر داشته و از اینرو است که جاودان خداوند محسوب می شود.

*دلائل اثبات الهی بودن قرآن

بیشترین کوشش محمد و هم و غم او طی زندگیش این بود که به مردم اطمینان بخشیده و آنانرا خاطر جمع کند که او فرستاده خدا است و قرآن نیز نوشته ای از جانب اوست. وقتی کسی قرآن می خواند بتدریج در میابد که این کتاب مملو و مشحون از براهین و دلائلی است که قصد دارد به مخاطبین خود بگوید که قرآن کلام جاودانی خداوند است که به زبان عربی به محمد ابلاغ شده است.

۱- قرآن با مکاشفه های پیش از خود مطابقت می کند

« آنها می گویند : چرا نشانه ای از طرف خداوند نمی آوری، آیا این نوشته و کتابهای پیشین شاهی دال بر آن نیست؟ » (سوره ۲۰ طه آیه ۱۳۳)

تفسیر:

جا به جا و وقت به وقت در قرآن دلائلی برای مومنان ارائه شده که کتابهای بشتتر از خود یعنی *(کتاب مقدس) را که از طرف خداوند آمده تأیید می کند. قرآن مکرراً داستانهائی از کتابهای ۱ و ۲ تورات (پیدایش، خدوج) تعریف می کند. ضمناً پاره هائی از نوشته های کتاب مقدس را باز می گوید، که فقط به چند نام و تکه های پراکنده ای منحصر می شوند آیا واقعاً این معجزه خداوند است؟ کار نوشتن کتاب مقدس ۵۰۰ سال قبل از قرآن خاتمه یافت، بنابراین اگر محمد تکه های از کتاب مقدس را گرفته باشد، نمی توان گفت که کتابش معجزه است. از طرف دیگر زمانی می توانیم قرآن را معجزه مطلق بدانیم

که محمد می توانست ثابت کند که امکان هیچ گونه دسترسی حکایت‌های کتاب مقدس را نداشته و علیرغم این، قرآن را به مخاطبین خود عرضه داشت است.

*کتاب مقدس عبارت است از مجموعه عهد عتیق و عهد جدید. برای مزید اطلاع خوانندگان گرامی باید اضافه کنم که تورات عبارت است از پنج کتاب اول عهد عتیق که به کتاب های موسی موسومند، این کتاب ها شامل (پیدایش، خروج، لاویان، اعداد و تثنیه می باشند - مترجم.)

منابع اسلامی بما می گویند که محمد برای اولین بار در سنین ۹ تا ۱۲ سالگی با گاروان های تجارقی سفری به سوریه داشته، در این سفر مسیحیانی ملاقات می کند،

حتی می دانیم در سفر بدیش به سوریه با مسیحیان و یهودیانی آشنا می شود و علاقه شدید خود را به معارف الهی و شناخت آنها ابراز می دارد. سپس با یک مسیحی نصرانی آشنا من شود که «بحیرا» نام داشته است و اوقاتی را با او می گذراند (قرآن مقدس صفحه ۷ تفسیر ۸).

حول و خوش محمد هم یهودیان و هم مسیحیان زندگی می کردند، در مدینه سه قوم یهودی وجود داشتند. از اقوام بدوی عرب که مسیحی بودند همزمان با محمد زندگی می کردند که اسقف های خود را داشتند. همه جمعیت شهر نجران کم و بیش مسیحی بودند. در بین بردگان و کارمزدان حبشه ای که در مکه می زیستند مسیحیانی نیز وجود داشتند (مکتب اسلام و شیوه زندگی صفحات ۳۱ و ۳۲ چاپ ۱۹۷۹ نوشته Hjärpe / AWE / GEBER)

ورقا بن نوفل مسیحی که پسر عموی خدیجه زن محمد بود طبق قول (قرآن مقدس نوشته یوسف علی صفحه دهم تفسیر سی و دوم) اولین کسی بود که به همراه دختر عموی خود رسالت محمد را از جانب خداوند پذیرفتند و به گفته های او ایمان آوردند. بنابراین محمد امکان آن را داشت تا با یهودیان و مسیحیان معاصر خود معاشرت کند و از طریق آنها حکایتها و داستانهای *کتاب مقدس* را فرا گیرد.

همچنین می دانیم که محمد شخصی مذهبی بوده که از سنین ۹ تا ۱۲ سالگی در پی شناخت معارف الهی، اوقات خود را به روزه گرفتن و تعمق می گذرانیده است، پس اولین ** (مکاشفه) که به بعثتش انجامید، قرآن شهر می دهد که او همچنان با یهودیها و مسیحیان معاشرت داشته است.

ضمناً می دانیم در همان آغاز عده ای مسیحی و یهودی از دین خود برگشته و به دین جدید ایمان می آورند. این هیئت تازه مسلمان شده شبانه به همراه محمد در جوار نور شمع یا در روشنای روز گرد هم جمع می شدند و جلسه بر گزار می کردند، بنابراین هیچ جای تعجب نیست که او از این افراد تعالیم کتاب مقدس و حکایت‌هایش را آموخته باشد. ضمناً می دانیم برخی مطالب قرآن از کتاب مقدس گرفته شده

است. این مطالب از دسته موضوعاتی هستند که بسادگی می توانسته بطور شفاهی و دهان به دهان بازگو شوند. در بخشهای ویژه ای در قرآن مطالبی از کتاب مقدس بازگو می شود که این مطالب از اصول و معیاری اصلی این کتاب دور افتاده و منحرف شده اند. بیشترین این موضوعات در اخبار و احادیث یهود و مسیحیت آمده است که بی شک به نوعی افسانه پردازیهای خیال گونه شباهت دارند، این اطاعات از اشخاص نادان یهودی و مسیحی گرفته شده، بطوریکه این اشخاص خود قادر نبودند تا حقایق کتاب مقدس را از احادیث و افسانه های توهم آمیز تشخیص دهند. حتی امروزه این مشکل در بین گروه هائی از مسیحیان وجود دارد، علیرغم پشرفت صنعت چاپ و علیرغم اینکه این گروهها می توانند کتاب مقدس را براحتی بخوانند و به کتابهای مستند مراجعه کنند با اینحال به افسانه ها و نوشته های توهم آمیز متوسل می شوند.

*مکاشفه مترادف کلام وحی است.

*کتاب مقدس (مجموعه عهد عتیق و عهد جدید است؛ عهد عتیق از ۳۹ بخش تشکیل شده و عهد جدید ۲۷ قسمت است. م.)

**در این نوشته کوشش شده بجای مجموعه عهد جدید و عهد عتیق از عبارت کتاب مقدس استفاده شود.

۲- یهودیان مرتد شده و به اسلام ایمان می آورند

« ای رسول ما؛ به مُنکران بگو چه می اندیشند! اگر از جانب خدا باشد و شما با آن کافر شوید. در صورتی که فرزندی از بنی اسرائیل بر شأن و مرتبه قرآن شهادت می دهد و ایمان می آورد؛ البته خداوند ستم پیشگان را هدایت نمی کند.» (سوره الاحقاف آیه ۱۰ .)

تفسیر:

در زمان محمد عدّه قلیلی از یهودیان از دین خود برگشته و به اسلام ایمان آوردند. این عده در اقلیت بودند و اکثر یهودیان همچنان بردین خود پا برجا ماندند و در مدینه به مخالفت با اسلام در آمدند و جان خود بر سر این کار نهادند و عهدهٔ بیشماری به ترک بلد (تبعید) مجبور شدند.

۳- قرآن به عربی نازل شده

« و این قرآن از طرف خداوند به عربی فصیح نازل شده. ضمناً کُتب انبیاء پیشین به آمدن آن بشارت می دهند. آیا مگر علمای قوم بنی اسرائیل از کُتب انبیاء پیش از آن آگاهی نداشتند؟ اگر آنرا به خارجیان غیر

عرب به زبان دیگری می برستادیم و رسول بزبان خودشان آنرا قرائت می کرد، آنان ایمان نمی آوردند؟»
(سوره ۲۶ الشراء آیات ۱۹۲ تا ۱۹۹)

تفسیر:

«قرآن به عربی بودن خود می بالد و آنرا دلیل محکمی می داند که کلام خداوند است. زمانیکه قرآن به عربی گفته می شود؛ کتاب مقدس هنوز به عربی ترجمه نشده بود. نه عهد عتیق و نه عهد جدید به عربی وجود نداشت. یهودیان و مسیحیان کتاب مقدس را نه به عربی بلکه به زبانهای خارجی می خواندند اما نوشته هائی در دست یهودیان و مسیحیان بود که شباهتهای به کتاب مقدس داشت ولی کتاب اصلی نبود و محمد به این نوشته ها استناد می کرده است. چون کتاب حقیقی به زبان عربی در دسترس نبود؛ برای یهود و مسیحیان فوق العاده مشکل بود تا ثابت کنند که منابعی را که محمد به آنها استناد می کند کتاب مقدس نبوده و از اصول معرفتی کتاب منحرف شده است و اگر کسی مطلبی را به محمد گوشزد می کرد او به مخاطبان خود می گفت ببیند: اینها حقایق را جعل و تعریف می کنند!

۴- هیچکس قادر نیست اثری چون قرآن بیاورد

«یا به او می گویند که شعر گفته و قرآن را نزد خود پرداخته است، پس اگر راست می گویند آنها نیز کلامی همچون قرآن بی آورند.» (سوره ۵۲ الطور آیات ۳۳-۳۴)

تفسیر:

محمد هر چه علنی تر متهم می شود که قرآنش من در آوردی بوده و ساختگی است و او ناچار به مخالفان خود توصیه می کرد ابر میتوانند همچون نوشته ای ارائه دهند که بتواند چنین موضوعاتی را مطرح کرده باشد، مطلبی که دیگران قادر به انجامش او نبودند، (رجوع کنید به سوره ۲ البقره آیات ۲۱ تا ۲۳ البته منظور محمد آن نبود که آنان نوشته ای بانظمی شیوا و زبانی منسجم ارائه دهند زیرا در همان زمان سراینده هائی توانا نظیر امرال قیس در مکه زندگی می کردند که در سرایش شهر همپایه و هموردی نداشتند.

(St Clair Tisdall, T & T Clark 1901,S 9)

منابع اسلامی

بنابراین حق با محمد بود؛ چون موضوعی را طلبیده بود که فقط از عهده کارشناسان الهیات مسیح بر می آمد در آن زمان با کتاب مقدس آشنا بودند نه شهرای عرب! از آنجائیکه احتمال قریب به یقین می رفت که هیچ یک از سراینندگان و شعرای عرب که در مکه می زیستند آن چنان شناخت ژرفی در باره

مطالبی که در کتابها آسمانی یهودیان و مسیحیان آمده بود نداشته باشند، بنابراین هیچ شخص مدعی در مقابل محمد نمی توانست ابراز وجود کند.

مسلمانان اغلب به این موضوع اشاره می کنند، که نظم قرآنی از انسجام و پختگی بی نظیری برخوردار بوده و واژه های پر معنی در ساخت جملات آن به کار رفته که باعث شده تا قرآن تبدیل به کتاب وزینی شود، اما برخی از کار شناسان زبان و شعر عرب با این نظر مخالفند و می گویند که نظم قرآنی آنچه که ادعا می شود بی نظیر نیست و حتی بهتر و شیواتر از آن را می توان در نوشته های منظوم کهن تر از قرآن پیدا کرد: نظیر اشعار الملاقات یا المقامات که توسط الحریری سروده شده است.

(میزان ایمان جامعه مذهبی ناحیه pfander)

۵- قرآن معجزه محمد است

« آنها از تو می پرسند که چرا خدای تو نشانه ای (معجزه ای) فرو نمی فرستد، به آنها بگو که معجزه فقط نزد خداوند است و من فقط برای ارسال پیام خداوند آمده ام، من به شما از طرف خدایی هشدار میدهم اگر آنها را کفایت نمی کند پس قرآن را می فرستم که همان معجزه است. » (سوره العنکبوت آیات ۵۰-۵۱).

تفسیر:

در بخشهایی از قرآن، مخاطبان به محمد می گویند که اگر می خواهی ما ما تو را بعنوان رسول خدا قبول داشته باشیم باید معجزه ای نشان دهی و قرآن مکرراً کلام خدا را معجزه محمد می شمارد!

نتیجه گیری:

هیچکدام از دلائل ارائه شده نمی تواند اثری قانع کننده بر مخاطب امروزین داشته باشد اما وقتی اوایل قرن هفتم میلادی این دعاوی از طرف قرآن مطرح شد (که این کتاب معجزه است) هیچ یک از ساکنان شبه جزیره عربستان قادر نبودند در مقابل این استدلال مقاومت کنند زیرا فقط عده قلیلی بودند که از حقیقت کتاب مقدس با خبر بودند!

* با مکاشفه های بیشتر از خود مطابقت می کند

این مطلب در اسلام مهم است که می آموزد که کتاب مقدس ساختگی بوده و تحریف شده است. قرآن یهودیها و مسیحیان را اهل کتاب می خواند که به نوشته های کتاب مقدس دست برده و آنرا تبدیل به ملغمه ای کرده اند که مجموعه ای از حقایق و دروغ پردازی هایست که این کتاب را از حیض انتفاع

عاری ساخته، بنابراین فی الفور سوألی در ذهن ما شکل می گیرد که این تحریف چه زمانی صورت گرفته است؟ سپس قرآن خاطر نشان می سازد که کُتب سابق را یعنی عهد جدید و عهد عتیق (کتاب مقدس) را تایید می کند، این کُتب یا مکاشفه ها همان نوشته هائی اند که نزد یهود و مسیحیان در عصر محمد وجود داشته اند.

۱- قرآن نوشته های بیشتر خود را تایید می کند

« و چون کتاب آسمانی قرآن از نزد خدا برای آنها آمد با وجودیکه کتاب (تورات) ایشان را تصدیق می کرد. » (سوره ۲ البقره آیه ۸۳ .)

تفسیر:

محمد درباره یهودیها و مسیحیان در قرآن سخن می گوید اینجا آیه ۸۳ سوره بقره به این موضوع می پردازد، اول اینکه محمد معتقد است که قرآن نوشته های قدیمی (عهد عتیق و عهد جدید) را که از طرف خداوند آمده اند تصدیق می کند و دیگر آنکه محمد خود واقف بود که این نوشته ها نزد یهودیها و مسیحیان آغاز قرن هفتم میلادی یعنی ابتدای ظهور اسلام وجود داشته اند.

۲- اهل کتاب تجاهل می کنند که از آمدن قرآن بی خبر بوده اند

« و چون پیامبری از جانب خدا به ایشان فرستاده شد که برستی کتب آسمانی گواهی میداد؛ گروهی از (اهل کتاب) کتاب خدا را پشت سر انداخته گویی از آن کتاب هیچ نمی دانند. »
(سوره ۲ البقره آیه ۱۰۱ .)

تفسیر:

محمد قرآن را سندی میداند که کتابهای آسمانی سابق را بر سمیت می شمارد بنابراین اهل کتاب (یهود و مسیحی) نیز می بایستی قرآن را کتابی بدانند که از جانب خدا فرستاده شده است، در صورتیکه محمد نظرش اینست که اهل کتاب خود را به تجاهل زده و می گویند از خبری که در کتاب مقدس راجع به قرآن آمده بی اطلاع هستند.

۳- یهودیها و مسیحیان در زمان محمد کتاب مقدس را می خوانند

« یهودیها می گویند که حق با ماست و مسیحیان از حق بهره ای ندارند و مسیحیان بر این دعوای ناحق می گویند؛ در صورتیکه هر دو گروه یک کتاب می خوانند. »
(سوره ۲ البقره آیه ۱۰۷ .)

تفسیر:

محمد پی برده بود که یهودیها و مسیحیان اختلافاتی در تفسیر کتاب مقدس دارند و در ضمن میدانست که هر دو گروه پیرو یک کتاب هستند و هر دو کتاب مقدس می خوانند؛ برای مثال ترجمه فعل * يَتْلُوْنَ بمعنای (خواندن) حاکی از آن است که **کتاب مقدس** در ابتدای قرن هفتم میلادی تلاوت میشده است. * (يَتْلُوْنَ) از واژه تلاوت گرفته شده است. م.

۴- کتاب مقدس قرائت شده و توسط مسیحیان تعلیم داده می شد

« چنانکه شما علمای اهل کتاب (یهود و مسیحی) در کتاب این حقیقت را بدیگران می آموزند. »
(سوره ۳ ال عمران آیه ۷۳).

تفسیر:

محمد از موضوعی ناخشنود و ناراحت بود زیرا برخی مسیحیان می گفتند که عیسی به آنها گفته است او را پرستند نه **الله** را و محمد خاطر نشان می کرد که این مطلب در **کتاب مقدس** نیامده (بهر جهت حق با او بود) و بهمین خاطر گوشزد میکرد: از آنجاییکه مسیحیان **کتاب مقدس** می خوانند پس جا دارد که از معلومات غنی تری بر خوردار باشند!

۵- به یهودیها و مسیحیان توصیه می شود که به کتاب متوسل شوند

« به آنها که کتب (آسمانی) دارند بگو تا آنها به انجیل و آنچه که از طرف خداوند فرستاده شده ایمان نیآورند به آنها یاری نخواهد شد. » (سوره ۵ المائده آیه ۷۲).

تفسیر:

محمد دوباره ناراحت می شود از اینکه می بیند که اهل کتاب نه قرآن را قبول دارند و نه او را بعنوان رسول خدا می پذیرند از آنجایی که او مطمئن است که قرآن **کتاب مقدس** را تصدیق کرده پس به یهودیها و مسیحیان توصیه می شود که به **کتاب مقدس** متوسل شوند بنابراین اگر کتاب موثق و قابل دسترسی وجود نداشت لذا توصیه او بی معنی شمرده می شد. (بی تردید در زمان محمد کتاب مقدس معتبر وجود داشته و دسترسی به آن ممکن بوده است. م)

۶- به مخاطبان توصیه می شود که از اهل کتاب سؤال کنند

« ای (محمد) اگر درباره آنچه که بتو نازل می شود (قرآن) تردیدی داری پس از کسانی که کتابهای پیشین (تورات و انجیل) را خوانده اند پرسش کن تا حقانیت این کتاب (قرآن) بر تو ثابت شده و تردیدت زائل شود. » (سوره ۱۰ یونس آیه ۹۴).

تفسیر:

به محمد یا مخاطبان (قرآن) توصیه می شود که از کسانی سوال کنند که قبلاً کتاب را خوانده اند یعنی (اهل کتاب) زیر پیام قرآن توسط آنان تصدیق شده است. اگر کتاب مقدس تحریف شده باشد، توصیه محمد کاملاً بی معنی است زیرا به کتاب جعلی نمی توان استناد کرد.

نتیجه گیری:

وجود همین چند آیه اندک بقدر کافی نمایانگر آن است که محمد خاطر نشان می سازد که قرآن کتابهای قدیم یعنی کتاب مقدس* (عهد عتیق و عهد جدید) را تایید می کند پس بدین خاطر است که او با اطمینانی آشکار به یهودیها و مسیحیان توصیه می کند که به **کتاب مقدس** متوسل شوند و در ضمن به مخاطبین خود سفارش می کند که اگر تردیدی راجع به قرآن دارند از اهل کتاب (یهودیها و مسیحیان) سؤال کنند! ما همچنین دیدیم که قرآن نوشته های پیشین را که در زمان محمد وجود داشته اند تصدیق می کرد، این نوشته ها توسط یهودیها و مسیحیان خوانده شده و مورد پژوهش قرار گرفته و تعلیم داده می شدند. برای محمد دشوار است که بپذیرد، با وجودی که اهل کتاب (کتاب) کتاب مقدس را می شناختند ولی از پذیرفتن او به عنوان رسول خدا و قرآنی به عنوان کتاب خدا خودداری می کنند. توضیحات زیر نامفهوم بودن پاسخ به این پرسش را آشکار می کند که چه موقعی کتاب مقدس مورد جعل قرار گرفته است:

— این دستبرد و تحریف نمی تواند قبل از آمدن قرآن صورت گرفته باشد زیرا قرآن هم به یهودیها و هم مسیحیان توصیه می کند که به **کتاب مقدس** متوسل شوند و در ضمن به مخاطبان خود سفارش می کند که اگر سؤالی راجع به قرآن دارند به اهل کتاب مراجعه کرده تا اگر تردیدی دارند بر طرف شود؛ پس باید نتیجه گرفت که در زمان محمد کتاب مقدس معتبری وجود داشته است!

— این دستبرد و تحریف نمی تواند بعد از آمدن قرآن واقع شده باشد زیرا حدود ۴۰۰۰ نسخه انجیل (عهد جدید) بصورت دستنوشته در آن زمان وجود داشته که تاریخ نوشتن آنها بزمان قبل از محمد بر می گردد رجوع کنید به :

MC.DOWEI

(شاهد قطعی حقوقی در چهارچوب جهاد مسیح نوشته)

چاپ ۱۹۷۲ صفحه ۴۶).

مجموعه نوشته های انتقادی در یک موضوع متفق القولند و آن اینست که ساختار و محتوی اولین کتاب مقدس مکتوب که اوائل قرن هفتم میلادی وجود داشته با آخرین آن که امروزه در اختیار داریم در معنی و محتوا تفاوتی با یکدیگر ندارند!

*قرآن نظر مثبتی به اهل کتاب دارد

در بیشتر سوره های پیشین متوجه شدیم که محمد موضعی مثبت نسبت به اهل کتاب یعنی مسیحیان و یهودیها اتخاذ می کند و این بسیار طبیعی است زیرا او معتقد بود که قرآن کتاب مقدس را مورد تصدیق قرار داده است، اولین بار پس از این اظهارات قرآن تغییر رای داده و موضعی متفاوت گرفته و به اهل کتاب حمله می کند موقعی است که اکثریت قریب به اتفاق یهودیها و مسیحیان از پذیرفتن محمد بعنوان رسول خدا سرباز می زنند پس بنابر وضعیتی جدید آمده قرآن موضعی مثبت یا منفی نسبت به اهل کتاب می گیرد.

۱- به قوم یهود کتابی آسمانی نازل شد و وظیفه آنها نگهداری و مراقبت از آن است

« ما تورات را که در آن هدایت روشنایی است فرستادیم تا پیغمبرانی که تسلیم امر هستند بدان کتاب بر یهودیان امر کنند زیرا خداشناسان و عالمانی که مامور نگهداری احکام کتاب خدا هستند. »
(سوره ۵ المائده آیه ۴۴ .)

تفسیر:

قرآن به تورات یعنی کتابهای موسی (پیدایش ؛ خروج ؛ لاویان ؛ اعداد ؛ تثنیه) که قوانین روشن و مُصرّح خداست استناد می کند که در بر گیرنده اصول هدایت کننده ای است که بر اساس گفته قرآن از جانب خداست، بر همین اصل است که رسولان پیشتر به * تورات * استناد کرده اند و این اصول جمع آوری شده در کتاب خدا دستورالعمل هائی برای یهودیان است، در ضمن در این کتاب به عالمان دین یهود و باسوادان اشاره می شود که بر اساس تورات حکم کرده و از آن نگهداری و مراقبت نمایند.

۲- به یهودها توصیه می شود که کتاب متوسل شوند

« ... و آنچه در کتاب است بیاموزند و بدانند که منزل ابدی آخرت بهتر است؛ آنان که به کتاب آسمانی متوسل می شدند و نماز پیداشتند که ما اجر آنان را ضایع نمی کنیم. »
(سوره ۱۷ الاعراف ۱۶۹-۱۶۸ .)

تفسیر:

قرآن به یهودیها اطمینان می دهد که اگر به کتاب خود یعنی عهد عتیق متوسل شوند و نماز بپا دارند به زندگی ابدی نائل خواهند آمد مطلبی که محمد به آن واقف بود این بود که اساس کتاب صحیح است ولی عده زیادی طبق کتاب مقدس زندگی نمی کردند.

* منظور از تورات عبارت است از ۵ بخش اول عهد عتیق که به این مجموعه کتابهای موسی نیز اطلاق می شود ۵ کتاب موسی عبارتند از (پیدایش ؛ خروج ؛ لاویان ؛ اعداد ؛ تثنیه)

۳- یهودیها و مسیحیان لازم نیست از داوری بترسند

« البته هر کس از ایمان آوردگان (به اسلام) اعم از یهودی و مسیحی و ستاره پرستان که بخدا و روز جزا ایمان آورده و نیکو کار شوند هرگز نترسند و اندوهی بر آنها نخواهد آمد. »
(سوره ۵ المائده آیه ۷۳ .)

تفسیر:

در این آیه گفته می شود یهودیها و مسیحیانی که به ایمان خود پایبند هستند به بهشت می روند و نباید از روز جزا هراسان باشند! مشکل از آنجا شروع می شود که در آیه های بعدی گفته می شود که یهودیها و مسیحیان باید علاوه بر کتاب خود به قرآن بعنوان کلام خدا و به محمد بعنوان رسول خدا ایمان آورند (سوره ۲ البقره آیات ۴۰-۳۸/۴۱، سوره ۳ ال عمران آیات ۲۹/۳۱، سوره ۴ النساء آیات ۱۵-۱۴۹/۱۵۱-۱۵۰، سوره ۷ الاعراف آیات ۱۵۶/۱۵۷، سوره ۳۳ الاحزاب آیه ۴۰، سوره ۶۱ الصّاف آیه ۶ در هر دو قرآن!)

در ضمن جای شگفتی است که ستاره پرستان همردیف مسلمانان، مسیحیان و یهودیان بحساب می آیند در حالیکه ستاره پرستان بت پرست بوده و در عصر محمد در همان نواحی به عبادت بت های خود مشغول بودند.

۴- حواریون مسیح از ایمانداران خالص و مخلص بودند

« و یادکن هنگامی که به حواریون وحی کردیم که به من رسول من ایمان آوردند؛ گفتند ایمان آوردیم، خدایا گواه باش که ما تسلیم امر توایم. » (سوره ۵ المائده آیه ۱۱۱ .)

تفسیر:

قرآن اصرار می ورزد و تأکید دارد که حواریون عیسی مسیح (رسولان) مومنان خالص و مُخلصند (برای اطلاع بیشتر می توانید به سوره ۳ ال عمران آیات ۵۲/۴۵ مراجعه کنید.)

باید گفت که این رسولان بودند که انجیل را نوشتند و ماجراهای حول وحوش عیسی مسیح را شرح دادند، آنها گواهان زنده ای ناظر بر مرگ مسیح و شاهدانی بر ظهور مجدد او پس از مرگش بودند، ضمناً آنها مسئول بشارت و گسترش ایمان مسیحی در امپراتوری رُم قدیم به حساب می آیند.

باید نیز به این نکته اشاره کرد، اسلام می گوید **کتاب مقدس** مورد دستبرد واقع شده و تحریف کرده است (مکتب اسلام و شیوه زندگی نوشته Hjärpe,AWE/GEBERS

چاپ ۱۹۷۹ صفحه ۱۷).

چطور می توان بطور نظری این موضوع را توجیه کرد، **انجیلی** که در آسمان سطح وسیع در قلمرو پهناور امپراطوری رُم پخش شده بود مورد جعل و تحریف واقع شده باشد، وقتی این اتهام از طرف اسلام علیه **کتاب مقدس** صورت می گیرد بلافاصله سؤالاتی در ذهن مطرح می شود که چه زمانی، چطور و کدامیک از بخشهای **کتاب مقدس** و بنا به چه دلایلی این جعلیات صورت گرفته است.

۵- پیروان مسیح به کافران ترجیح داده می شوند

« پس خداوند فرمود، ای عیسی! من روح تو را قبض کرده و به آسمان نزد خود بالا برم و ترا از آنان آزاد سازم و پیروانت را بر کافران برتری دهم که منکر روز رستاخیزند. »

(سوره ۳ ال عمران آیه ۴۸.)

تفسیر:

درباره مرگ مسیح بعداً مفصل شرح خواهیم داد، اما بسیار جالب است که شأن پیروان عیسی مسیح در قرآن این چنین مثبت و مناسب ارزیابی شده و وضعیت آنها بر کافران ترجیح داده می شود.

نتیجه گیری:

قرآن در پاره ای اوقات گرم و مثبت راجع به یهودیها و مسیحیان سخن میراند، طبیعاً این موضع گیری از دیدگاهی نشأت می گیرد که محمد به **کتاب مقدس** داشته است.

متأسفانه باید گفت که قرآن در تمام زمینه ها نظر مثبتی به یهودیها و مسیحیان نداشته و در بسیاری موارد نظری منفی نسبت به اهل کتاب ابراز می دارد و علیه این گروه از یهودیها و مسیحیان منطقه که

معاصر محمد هستند موضعی منفی می گیرد زیرا آنها نه محمد را بعنوان رسول خدا می پذیرفتند و نه قرآن را به عنوان کتاب خدا قبول داشتند.

قرآن از کتاب مقدس منحرف می شود

محمد مدعی است که قرآن کُتُب سابق را تصدیق کرده است اما کسی که به مطالعه کتاب مقدس عادت دارد سریع متوجه می شود که جزئیات ویژه ای در احادیث قرآن وجود دارند که بطور برجسته ای کتاب مقدس منحرف شده اند، من طبیعتاً نمی توانم به تمام این موارد و جزئیات مورد اختلاف اشاره کنم، بلکه عجالتاً تنها به چند مورد متضاد اکتفا می کنم که اثر و نشانی از آنها در کتاب مقدس به چشم نمی خورد. در قرآن آنچه راجع به تعالیم عیسی مسیح آمده است در مباحث جداگانه ای به آنها خواهیم پرداخت، من در اینجا مثالهایی می آورم که بر حسب تاریخ و نظم تقویمی در کتاب مقدس گردآوری شده اند که موضوعات مورد اختلاف هستند.

۱- هابیل، *قائن* و کلاغ

« و خداوند کلاغی را فرستاد که با چنگال خود زمین را بکند (گود کند) برای اینکه به قایل نشان دهد که چگونه جسد برادرش را به خاک بسپارد، او گفت وای بر من آیا عاجزتر از این کلاغم تا جسد برادرم را به خاک بسپارم و سخت از کرده خود پشیمان شد. »

(سوره ۵ المائده آیه ۳۴.)

تفسیر:

در داستان هابیل و قایل کتاب مقدس (پیدایش ۴: ۱۶-۱) حتی کلمه ای از <کلاغ> آورده نشده که چگونه به قایل کمک می کند تا جسد برادر خود هابیل را بخاک بسپارد! از کجا محمد به این کشف نائل آمده که کلاغ نحوه به خاکسپاری هابیل را به قایل نشان می دهد بدرستی معلوم نیست. بایستی گفت که مشروح این جزئیات را شاید خداوند در مکاشفه های بعدی آورده باشد، در اینجا جا دارد خاطر نشان سازیم که جزئیات داستان کلاغ در افسانه های یهودی وجود دارد که در قصه آدم و حوا و هابیل و قایل قرآن آمده است. این داستانها به افسانه های کاهن الیازر شهرت دارند.

(منابع اسلامی نوشته st Clair-T&T Clar چاپ ۱۹۰۱ صفحه ۱۵.)

۲- همسران نوح ، لوط و فرعون

« و باز خدا برای مومنان همسر فرعون را مثال می آورد، هنگامی که از شوهر کافرش بیزاری جست و عرض کرد، بارالها « ای خداوند » من از فرعون و عزت دنیوی او در گذشتم، تو خانه ای برایم در بهشت بنا کن و مرا از فرعون و کردارش آزاد ساز. »

(سوره ۶۶ التحريم آیات ۱۱-۱۰.)

تفسیر:

مسأله این جاست که در کتاب مقدس راجع به زن نوح بعنوان نمونه ای از یک زن بد یا از همسر فرعون بعنوان نمونه ای از یک بانوی خوب اشاره ای نرفته است.

۳- پدر ابراهیم *

« با این وجود وقتی ابراهیم به پدر خود آزر ...» (سوره ۶ الانعام آیه ۷۴.)

تفسیر:

در کتاب مقدس (عهد عتیق: پیدایش باب ۱۱ آیه ۲۶) نام پدر ابراهیم تاریح « تیرا » است و نه آزر، که از این اشتباه بزرگ آنهم با این تفاوت فاحش نمی توان صرف نظر کرد.

* اینجانب برای رعایت حسن امانت داری در کار ترجمه باید اضافه کنم که آزر نام عمومی ابراهیم بوده که در ترجمه قرآن (مرحوم مهدی الهی قمشی) به آن اشاره رفته، گویا ابراهیم عمو و مربی خود را پدر خطاب می کرد است. م.

۴- ابراهیم از پرستیدن بت ها سر باز می زند

« سپس به پدر و قومش گفت این مجسمه های بی روح و بت ها بی اثر چیست که به نام خدا می پرستید؟ » (سوره ۲۱ الانبیا آیه ۵۲.)

تفسیر:

در بخشهای زیادی از قرآن داستانهای درباره ابراهیم وجود دارد، محتوای این داستانها در *سوره ۲۱ الانبیا آیات ۵۲-۵۱/۷۵-۷۴ حاوی گفتگوهای طولانی است که بین ابراهیم و معاصرینش روی داده، که به هر جهت مطلب فوق العاده ای نیست او به نفع خدای یگانه موعظه می کند و دلائلی علیه بت پرستی ارائه می کند، بهر تقدیر محتوای این گفتگوها و جدالی که ابراهیم با معاصرین خود به عمل آورده درست بوده و مورد قبول است ولی در کتاب مقدس حتی یک کلمه از این مباحثات پچشم نمی خورد.

شایان ذکر است از آنجائیکه در این کتاب از دو قرآنی استفاده شده لذا علامت خطّ مورّب (/) که بین آیات آمده نشانگر استناد به هر دو آیات قرآن است.

۵- ابراهیم و کوره سوزان

« آنها گفتند پس کوره ای از آتش بسازید و او را در آن بیندازید. »

(سوره الصافات آیه ۹۷ .)

تفسیر:

در بخشهای متعدد قرآن داستانهائی درباره ابراهیم وجود دارد، در این داستانها می بینیم که چگونه بت پرستان به ابراهیم و دلائلش در رد بت پرستی خشمگین می شوند و بخاطر تعلیمات توحیدی اش او را مورد غضب قرار می دهند، در پاره ای از بخشها می بینیم که چطور بت پرستان کوره ای گدازان می سازند و ابراهیم را در آن می افکنند اما خداوند او را از آن آتش سوزان نجات می دهد، این روایات قرآن قدری غلو آمیز به نظر می رسند و ما را بیاد داستانی میاندازد که در عهد عتیق (فصل دانیال ۳) وجود دارد، در این داستان خداوند **شدرک، میشک، و عبدبغر** را از کوره آتش نجات می دهد.

مسأله اینجاست که در **کتاب مقدس** حتی کلامی راجع به انداختن ابراهیم در کوره سوزان وجود ندارد، ولی در کتاب یهودی < میدارش رباه > این داستان وجود دارد:

(منابع اسلامی نوشته St Clair-Tisdall, T&T Clark چاپ ۱۹۰۱ صفحه ۱۶ .)

اینجاست که آدمی متأثر می شود از اینکه محمد شناخت درستی راجع به **کتاب مقدس** و داستانهای آن نداشته و فرق حکایتهای آنرا با داستانهای ساختگی خارج از این کتاب را تشخیص نمی داده است!

۶- ابراهیم و کعبه

« و به ابراهیم وحی کردیم که خانه مرا (کعبه) برای پرستش آماده کن و برای طواف کنندگان تمیز و پاکیزه نگهدار » (سوره الحج آیه ۲۶ .)

تفسیر:

طبق روایات قرآن خداوند کعبه را که در مکه قرار دارد بعنوان مکانی مقدس برای پرستش به ابراهیم می دهد هیچگونه منبع موثقی این سخنان را تأیید نمی کند و داستانی درباره آن نه در **کتاب مقدس** هست و نه در دیگر احادیث وجود دارد که تصدیق کند که ابراهیم آن موقع در مکه بوده است.

طبق اسلام ابراهیم به همراه پسرش اسماعیل کعبه اصلی را ساخته اند، البته می دانیم که کعبه محل مُقدّس و پرستشگاه ستاره پرستان بوده است بر اساس کتاب: (مکتب اسلام و شیوه زندگی نوشته Hjärpe, AWE \ GEBERS چاپ ۱۹۷۹ صفحه ۳۰).

آن سنگ سیاه که در وسط کعبه قرار دارد (حجرالاسود) و مسلمانان به هنگام مراسم بدورش گشته و آنرا می بوسند و سایر مراسم، بیش تر وجود داشته و اسلام این مناسک و آئین ها را بعداً تأیید می کند، در اوائل ظهور اسلام جهت قبله مسلمانان بسوی اورشلیم واقع می شود اما پس از یکسال و چهار ماه که از هجرت محمد به مدینه می گذرد سمت قبله عوض شده و به سوی کعبه به طرف مکه تغییر جهت می دهد (سوره ۲ البقره آیات ۱۴۳-۱۴۲/۱۳۹-۱۳۶)، همچنین رجوع کنید: به (قرآن مقدس تفسیر ۱۴۱ نوشته علی)

۷- یوسف و زلیخا* (همسر ابوطیفار)

« و چون او* (زلیخا)* ملامت زنان مصر را شنید فرستاد و از آنان دعوت کرد، مجلس را بیاراست و با احترام هر یک را بالش و تکیه گاهی گسترد و بدست هر یک کاردی داد و تقاضا کرد تا یوسف به مجلس وارد شود، چون زنان مصری یوسف را دیدند در جمال او حیران شدند او را ستایش کردند و دستهای خود را بریدند و گفتند تبارک اله این یک انسان نیست بلکه چیزی جز یک فرشته با شکوه می باشد. » (سوره ۱۲ یوسف آیه ۳۱).

تفسیر:

درباره یوسف و زن فوطیفار (زلیخا) در کتاب مقدس حکایتی وجود دارد که زن فوطیفار یوسف را وسوسه می کرده است. (عهد عتیق: پیدایش باب ۳۹ آیات ۱-۲۰). اما حتی کلمه ای در راجع به مجلس آرائی زلیخا و دعوت زنان مصری سخنی نرفته و کوچکترین اشاره ای به این موضوع نشده که زلیخا به هر کدام از زنان کاردی می دهد و سپس یوسف را به مجلس فرا می خواند و زنان با دیدن جمال یوسف از خود بیخود شده فریاد کشیده و دست خود را می برند یا آنها برای اینکه در وسوسه همبستر شدن با یوسف نیکو جمال گرفتار آمده اند لذا دست خود را از فرط مبهوت شدن می برند.

* در متن اصلی کتابی که توسط این جانب ترجمه شده نامی از زلیخا برده نشده است و بخاطر اینکه مطلب ملکه ذهن فارسی زبانان محترم واقع شود نام زلیخا را عمداً آورده ام.م.

۸- موسی به فرزند خواندگی فرعون در می آید

« و زن فرعون گفت این کودک را می کشید که مایه نشاط و نور دیده من است، ممکن است که برای ما سودمند باشد یا اینکه او را به فرزند خواندگی بر گزینیم... » (سوره ۲۸ القصص آیه ۸).

تفسیر:

نظر قرآن به موضوعی معطوف می‌گردد که چگونه موسی در منزل فرعون مستقر شده در آنجا پرورش میابد که تا اینجا با حکایت **کتاب مقدس** تطبیق می‌کند اما نکته مورد اختلاف بین قرآن و **کتاب مقدس** آن است که در قرآن این همسر فرعون است که موسی را به فرزند خواندگی می‌پذیرد ولی در **کتاب مقدس** (عهد عتیق: خروج باب ۲ آیه ۱۰، تولد موسی) این دختر فرعون است که او را از آب گرفته و به فرزند خواندگی قبول می‌کند.

۹- همراهی موسی با شخصی ناشناس و غریبه در سفری عجیب

« و گفت دست از طلب بر ندارم تا به مجمع البحرین (حد فاصل دو دریا) برسم یا سالها عمر در طلب بگذرانم. » (سوره ۱۸ الکهف آیه ۵۹).

تفسیر:

(در سوره ۱۸ الکهف آیات ۶۰-۵۹ / ۸۱-۸۲) می‌خوانیم که موسی در سفری عجیب با شخص غریبه‌ای همراه شده، مرد ناشناس که از جانب خدا ماموریت دارد دست به کارهای محیرالعقولی (عجیب و غریب) می‌زند، یکبار کشتی غرق می‌کند، سپس جوانی را میکشد و پس از آن دیواری را تعمیر می‌کند، وقتی که موسی به اعمال او اعتراض می‌کند، شخص ناشناس به او می‌گوید که تو از صبر و ظرفیت کافی برای درک و فهم این مسائل بی‌بهره‌ای در این کارها حکمتی نهفته است، داستان سفر موسی به همراه این شخص عجیب و غریب که دست به آن اعمال می‌زند هیچگونه اثر، پایه و اساسی در **کتاب مقدس** نداشته و بیشتر شبیه افسانه پردازی‌های توهم‌زاست.

۱۰- موسی و هارون در محضر فرعون و ساحرائش

« او معلوم است استاد شماست که به شما سحر و جادو می‌آموزد باری من دست و پای شما را میبرم و به نخله خرما می‌آویزم. » (سوره ۲۰ طه آیه ۷۴).

تفسیر:

ساحران و جادوگران در بار فرعون معتقد شده بودند که قدرت خداوند برتر از قدرت ساحری آنهاست، پس فرعون تهدید می‌کند که دست و پایشان را خواهد برید و آنها را به صلیب می‌کشد که در (عهد عتیق: خروج) اثری از این عبارت نیست، شایان ذکر است: در زمان مصر قدیم سنت دست و پا بریدن و به صلیب کشیدن عملاً سابقه‌ای نداشته و شخص محمد آشکاراً از این موضوع بی‌اطلاع است. اما قصد او از طرح این قانون (دست و پا بریدن) آن بوده تا مخالفان اسلام را تهدید

کرده و سپس آنها را کیفر دهد! (برای اطلاع بیشتر به (سوره ۵ المائده آیات ۳۷-۳۳) مراجعه فرمایید!
(

۱۱- فرعون و ماهان

« ای هامان بر ایم قصری بلند مرتبه بساز تا شاید به درهای آسمان راه یابم و به خدای موسی آگاه شوم »
قافیر (سوره ۴۰ المومن آیات ۳۷-۳۶)

تفسیر:

این هامان چه کسی است که فرعون به او دستور می دهد برایش قصری آسمان خراش به سازد تا بتواند به خدای موسی دست یابد؟ نام هامان به مناسبت های مختلف مکرراً در قرآن به همراه فرعون می آید و این برداشت را برای خواننده پیش می آورد که هامان چه کسی است به نظر می رسد محمد تصور می کرده که او مشاور اعظم یا نخست وزیر فرعون بوده است، در کتاب عهد عتیق (خروج) صحبتی از قصر بلند فرعون نشده و نشانه ای از دستور او در این مورد به چشم منی خورد، برعکس در کتاب مقدس از شخصی به نام هامان سخن می رود که مشاور اعظم (نخست وزیر) خشایار شاه بوده است، (عهد عتیق: استر باب ۳)، در اینجا سوالی پیش می آید که: آیا محمد نقش افراد را در روایت های مختلف تغییر نداده است؟

*۱- در اصل کتاب یک مسیحی قرآن می خواند، عنوان 11 (فرعون و هامان) به سوره قافیر اشاره شده که چنین سوره های در قرآن «الهی قیدشی» وجود نداشت و اینجانب در سوره المومن یافتیم. «م».

۱۲- کوه در فضا بر می خیزد و سایه خود را بر بنی اسرائیل می افکند

« آنگاه کوه طور را مانند قطعه ای ابر بر فراز آنها بر انگیزیم که پنداشتند بر آنها فرو خواهد افتاد. »
(سوره ۱۷ الاعراف آیه ۱۷۰).

تفسیر:

قرآن می گوید وقتی که موسی و فرزندان بنی اسرائیل کناره کوه سینا قرار گرفتند، پس کوه از جای خود برخاست و در فضا به حرکت در آمد و چون سقف گسترده ای بنی اسرائیل را در پناه خود گرفت، بنابراین کتاب مقدس (عهد عتیق: خروج، باب ۱۹ آیات ۱۶ تا ۱۹)، از خداوند تظا هراتی سرمی زند که به صورت دود و طوفان و صدای مهیب و زلزله خود را نشان می دهد، ولی اینکه کوه بر انگیزته شده و در فضا به حرکت در آید نادرست است و در (کتاب: خروج) چنین مواردی وجود ندارد.

۱۳- موسی ، هارون و گوساله السامری * ۲ (سامری) *

« پس او گفت در غیبت تو، قومت را آزمایش کردیم و سامری آنها را گمراه کرد و بهمان طریق گوساله ای از طلا ساخت و پیروانش گفتند که خدای شما و خدای موسی همین گوساله است و خداوند او را (موسی را) فراموش کرده.» (سوره ۲۰ طه آیه ۹۰).

تفسیر:

داستان موسی و هارون و گوساله طلائی در **کتاب مقدس** با شرح و تفصیلات آن آمده است (عهد عتیق: خروج، باب ۳۲ آیات ۱-۳۵) بسیار به روشنی می بینیم که هارون بنا به درخواست قوم بنی اسرائیل با داستان خود گوساله ای از طلا می سازد و می گوید: ای بنی اسرائیل! این همان خدائی است که شما را از مصر خارج خواهد کرد اما در قرآن عمل ساختن گوساله طلائی به شخص سامری نسبت داده شده که قوم بنی اسرائیل را گمراه می کند و در رهگذر شخصیت هارون به گناه شمرده می شود سوره ۲۰ طه آیات ۹۷/۹۷ « و از اینروست که تقصیرات به گردن سامری می افتد، سپس وقتی موسی از کوه به زیر می آید به سامری دستور می دهد تا گوساله را سوزانده و خاکسترش را به دریا به ریزد.

این سامری کیست که در عهد عتیق: (خروج) خبری از او نیست؟ آیا محمد بیپوده نامی از او برده و به اصطلاح خالی بافته است؟

نام السامری که در **کتاب مقدس** (خروج) آمده بسیار دورتر از داستان موسی و هارون واقع شده و می توان گفت که ارتباط تاریخی (السامری) با داستان گوساله طلائی که در **کتاب مقدس** می آید به ۹۳۲ سال قبل از تولد مسیح باز می گردد، که از نظر زمان وقوع بسیار از یکدیگر دورند. اما واژه السامری عربی است که ترجمه آن سام راین می شود به عصر شاه سلیمان باز می گردد، زمانیکه شاه سلیمان می میرد (۹۳۲ سال قبل از میلاد مسیح) قلمرو حکومت او بدو ایالت تقسیم می شود پایتخت حکومت شمالی « سامریا » نام می گیرد و آن شهری است که ۸۵۷ سال قبل از تولد مسیح بنیان گذارده شده و می توان گفت این نام قرن‌ها بعد از ماجرای موسی و هارون وجود داشته است Libris) برای اطلاع بیشتر رجوع شود به حقایق رنگارنگ کتاب مقدس نوشته: چاپ ۱۹۸۶ صفحه ۲۷۲).

اولین حکمران قلمرو شمالی سلیمان که به پادشاهی می نشیند « یربعام » نام دارد و واقع اوست که دو پیکره گوساله طلائی را می سازد و می گوید، ببینید: این خدای اسرائیل است که قوم شما را از مصر بیرون خواهد کشید. (اول پادشاهان باب ۱۲ آیات ۳۱-۲۵).

درست همان کلماتی را هارون صدها سال پیش از قرآن به کار برده محمد نیز همین کلمات را پس از قرن‌ها به زبان سامری می‌گذارد. آیا قضیه به این صورت نیست که محمد ماجرای گوساله‌های طلائی را در هم سازی کرده؟ با وجودیکه این دو ماجرا از حیث تاریخ وقوع قرن‌ها با یکدیگر تفاوت زمانی دارند؟ مردمان اصلی سرزمینی بودند که قلمرو شمالی آنها در سال ۷۲۲ (samariena) سامارین‌ها قبل از میلاد توسط حکومت آشور در هم شکسته شده و به اسارت برده شدند، این رخداد سالها پس از ماجرای گوساله طلائی اتفاق می‌افتد اسرائیلی‌ها ئیکه در آن منطقه باقی مانده بودند با دیگر مردمان آمیزش کرده و ترکیب جمعیتی جدیدی را تشکیل دادند که به آنها «سامرینها» گفته می‌شد، پس غیر ممکن است که سامرین‌های اصلی گوساله طلائی را ساخته باشند.

*۲- آن همه شعبده و خلق که می‌کرد آنجا سامری پیش عساوید بیضا می‌کرد

«حافظ» در این بیت به سامری اشاره کرده که بی تردید از قرآن یا افسانه‌های کهن یهودی و مسیحی اقتباس کرده است. «مترجم».

۱۴- مریم و ماری باکره

«و یاد آر مریم دخت عمران را که رحم او را پاک و مطهر داشتیم و آنگاه در آن روح قدسی خویش بدمیدیم که مریم کلمات پروردگار خود و کتب آسمانی او را با کمال ایمان تصدیق کرد.» (سوره ۶۶ التحریم آیه ۱۲).

«ای مریم خواهر هارون تو را پدری ناصالح بود و نه پدری بدکار داشتی.»

(سوره ۱۹ مریم آیه ۲۸).

تفسیر:

قرآن می‌گوید که پدر مریم عمران نام دارد ولی در انجیل (عهد جدید) چنین مطلبی آورده نشده و نامی از پدر مریم که عمران باشد نیامده است، از کجا محمد این عمران را پیدا کرده معلوم نیست، جا دارد گفته شود که مریم نامی عربی است که هم به جای ماری و هم میریام خواهر موسی به کار رفته است. اما در (در عهد عتیق: اول تواریخ باب ۶ آیه ۳) معلوم می‌شود که نام خواهر موسی و هارون «میریام» است و پدر آنها عمران نامیده می‌شود که بی شباهت به «عمران» نیست و به نظر می‌رسد که محمد این دو اسم را با هم اشتباه کرده است، در بخش دیگری از قرآن یعنی (سوره ۱۹ مریم آیات ۲۸/۲۹) گفته می‌شود که چگونه مریم فرزند خود «عیسی» را دنیا می‌آورد و چگونه مردم عصمت و پاکی مریم باکره را مورد سوال قرار می‌دهند و این نوزاد است که به پاکی و باکره بودن مادر خود

شهادت می دهد، دوباره دیده می شود که محمد اسامی اشخاص را عوض کرده و به اشتباه افتاده و مریم را با « میریام » که خواهر (موسی و هارون است) و پیش از هزار سال قبل از مریم باکره میزیسته در هم آمیخته و عوض کرده است. (عهد عتیق: خروج باب ۱۵ آیه ۲۰).

۱۵-تالوت « شائول » و کیدون

« پس وقتی تالوت لشکر کشید به سپاه خود گفت همانا خدا شما را به نهر آبی آزمایش کند هر که از آن بسیار بیاشامد از من نبوده و هم آئین من بشمار نمی رود و هر آنکه هیچ نیاشامد یا کفی بیش نگیرد از من بوده و هم آئین من است. » (سوره ۲ البقره آیه ۲۵۰).

تفسیر:

هویت تالوت یا شائول پادشاه در (قرآن مقدس نوشته علی تفسیر ۲۸۴) مورد بررسی قرار گرفته است. در کتاب مقدس سخنی از اینکه تالوت و سپاهیانش مورد آزمایش قرار می گیرند وجود ندارد و بر عکس در (عهد عتیق: داوران باب ۷ آیات ۴-۶)، کیدون و سپاهیانش مورد آزمایش واقع می شوند، در اینجا هم باید بگوئیم که محمد تاریخ وقایع و اسامی اشخاص را در قرآن عوضی معرفی کرده است.

۱۶-سلیمان حکیم

« و سلیمان که وارث ملک داود شد به مردم گفت که « خداوند » ما را زبان مرغان آموخته و از هر گونه نعمت عطا کردند، این حقیقتاً فضل و بخششی است آشکار از خداوند متعال! و سپاهیان سلیمان از گروه انس و جن و مرغان تحت فرمان روسای خود در رکابش حاضر آمدند تا اینکه..... به وادی مورچگان رسید، موردی چون جلال سلیمان بدید و سپاه عظیم آنان را مشاهده کرد گفت ای موران به خانه های خود اندر شوید، مبادا سلیمان و سپاهیان شما را پایمال کنند. » و سلیمان از سخنان مورچه لبخندی از تعجب زد و گفت....

« آنگاه سلیمان رو به حصار کرد و گفت کدامیک تخت بلقیس را پیش از آنکه آنها به اجازه من اینجا بیایند تسلیم امر من شود خواهید آورد؟.... و آنکس که به علم کتاب الهی دانا بود (اصف بن برخیا یا خضر یا سلیمان) گفت من پیش از آنکه چشم بر هم زنی تخت را به اینجا آوردم (و همانا حاضر کرد) چون سلیمان تخت را جا داده شده نزد خود مشاهده کرد..... »

(سوره ۲۷ النمل آیات ۳۸-۴۰).

« و آنگاه بلقیس را گفتند که اینک در ساحت این قصر داخل شو وی چون کوشک را مشاهده کرد پنداشت که لجة آبی است و جامه از ساق پا بر گرفت این قصری است از آبگینه صاف. »
(سوره النمل آیه ۴۴).

تفسیر:

در وصف حال سلیمان حکیم و قصرش روایتی چند در **کتاب مقدس** آمده است رجوع کنید (اول پادشاهان باب ۱ آیه ۱۱)!

اما در قرآن سوره ای است بنام النمل که شرح حال سلیمان را بگونه ای شگفت و غیر قابل باوری بیان کرده و مثالهای محیرالعقول آورده است که اثری از این اوصاف در کتاب مقدس دیده نمی شود، برای شرح این حکایت‌های شگفت انگیز مثالهایی در زیر می‌آریم که در قرآن وجود داشته ولی **کتاب مقدس** به هیچ وجه اثری از آن نیست. برای روشن شدن به «سوره النمل» آیات زیرین مراجعه می‌کنیم:

— سلیمان با پرندگان می‌تواند حرف بزند (آیه ۱۶).

— سپاهیان سلیمان شامل انس و جن و پرندگان هستند (آیه ۱۷).

— مورچگان با هم حرف می‌زنند و سلیمان از فحواي سخن آنها مطلع می‌شود (آیات ۱۸-۱۹).

— پرنده ای که هدهد نام دارد از اوصاف ملکه و تخت با شکوهش و تسلط او بر سر زمین سبا به سلیمان می‌گوید. (آیات ۲۰-۲۶).

— هدهد پیامی از سلیمان برای ملکه سبا می‌برد و ملکه سرانجام تصمیم می‌گیرد تا سلیمان را ملاقات کند. (آیات ۲۷-۳۷).

— قبل از آنکه ملکه سبا به اورشلیم برسد، سلیمان از درباریان خود می‌پرسد، کدامیک از شما قادر است پیش از آمدن او از سبا (یمن) به اورشلیم، تخت او را جادو کرده و در یک چشم همزدن در اینجا حاضر کند. (آیات ۳۸-۴۰).

— سلیمان سپس فرمان می‌دهد که تخت ملکه سبا را به صورتی غیر عادی طوری صحنه آرائی کنند تا برای او را شناس بماند تا بتواند از این طریق ملکه را مورد آزمایش قرار دهد. (آیات ۴۱-۴۲).

— وقتی ملکه سبا به قصر سلیمان وارد می‌شود مشاهده میکند که کف قصر را آب گرفته همین خاطر دامن خود را بالا میکشد و ساق او بیرون می‌افتد، پس سلیمان با شتاب به جلو میدود و به او میگوید: قصر از شیشه پوشیده شده است (آیه ۴۴).

در قرآن آیاتی را دیدیم که پرندگان سخنگو، مورچه ها، تخت پرنده و قصر شیشه ای که شبیه آب است سخن رفته، در **کتاب مقدس** اینگونه مثالها و افسانه ها وجود ندارد و بر عکس اگر به * کتاب یهودی سر نوشت استر که ترجمه آرامی * عهد عتیق است و مرجع کتاب (منابع اسلامی نوشته چاپ ۱۹۰۱ ST Clair-Tisdall T&T clark صفحه ۲۴)

واقع شده مراجعه کنیم، می بینیم که قرآن افسانه ها یهودی را منبع و مأخذ کار خود قرار داده، گویا محمد متوجه نبوده که اثر و نشانه ای از این مثالها در **کتاب مقدس** نیست، کاملاً مشخص است که محمد یکبار دیگر به اشتباه افتاده و به افسانه های عجیب و غریب یهودی استناد کرده و آگاه نبوده که حضور و وجود این روایات عجیب با چنین تفصیلات و شرح جزئیات آنها در **کتاب مقدس** کاملاً بی رنگ است و چون محمد از منابع اصلی داستانها مطلع نبوده پس آنها را در قرآن برشته تحریر در آورده است.

(* II Targum of the Book of Ester) که اینجانب آنرا به عنوان سرنوشت استر به زبان

آرامی ترجمه کرده ام. م

۱۷- اسکندر کبیر « ذوالقرنین »!

« از تو ای رسول از ذوالقرنین سوال می کنند، پاسخ ده که من بزودی حکایت او را بشما تذکر خواهیم داد. » (سوره ۱۸ الکهف آیه ۸۲).

تفسیر:

این ذوالقرنین که در قرآن از او سخن برده شده کیست؟ در واقع به زبان عربی به کسی اطلاق می شود که صاحب دو شاخ باشد. * (احتمالاً کلاهی دو فاق بر سر داشته. م)

در سوره ۱۸ الکهف آیات ۸۳-۱۰۱/۸۲-۱۰۱ در وصف آن شرحی آمده است. در پی نوشت شماره ۶ قرآن مقدس نوشته علی در صفحه ۷۳۸ می خوانیم که تمامی جهان اسلام اسکندر کبیر را به عنوان ذوالقرنین می شناسند سپس همین نویسنده (علی) در صفحه ۷۴۰ خاطر نشان می سازد که: « شخصاً هیچ شکی ندارم که این ذوالقرنین همان اسکندر کبیر است »

مطلب از آنجا مسأله ساز می شود که اسکندر کبیر که خود بت پرستی بیش نبوده در قرآن به عنوان خدا پرستی نمونه معرفی می شود (سوره ۱۸ الکهف آیات ۸۶-۹۵-۹۸/۸۵-۹۳-۹۷)

برداشت ساده ای که از این آیه ها می توانیم داشته باشیم این است: محمد به این امر آگاهی نداشته که مسلک اسکندر بت پرستی بوده، همین سبب در قرآن از او به عنوان سرداری مؤحد که به خداوند یگانه ایمان داشته سخن گفته است.

۱۸- مریم باکره و زکریا!

« پس زکریا را به کفالت و نگهداری او بر گماشت و اجازه داد که در شکوه و جلال تربیت یابد.»
(سوره ۳ ال عمران آیه ۳۷).

تفسیر:

بر اساس گفته قرآن زکریا « پدر یحیی تعمید دهنده » ماموریت می یابد تا سر پرستی و پرورش مریم باکره را به عهده بگیرد، از این موضوع حتی کلمه ای در **کتاب مقدس** نیامده البته در یک کتاب ساختگی مسیحی که بعربی است، روایتی وجود دارد بنام (داستان پیر مقدس نجار ما که از آن به عنوان مرجع History of our holy Father the aged, the carpenter قابل استنادی استفاده شده است:

منابع اسلامی: (ST. Clair Tisdall T&Clark 1901 s 53 چاپ ۱۹۰۱ صفحه ۵۳)

دوباره متأسف می شویم زیرا می بینیم محمد تفاوت نوشته های حقیقی و داستانهای ساختگی مسیحی خارج از کتاب مقدس را تشخیص نمی داده است.

۱۹- زکریا لال شد

« پس او گفت خدایا نشانه ای مقرر فرما، فرمود نشانه این است که سه روز با مردم سخن نگوئی، اما با رمز پیوسته با خدا باش.» (سوره ۳ ال عمران آیه ۴۱).

تفسیر:

طبق قرآن زکریا از خداوند درخواست می کند، از اینکه صاحب پسری خواهد شد، به او نشانه ای پدیدار کند، نشانه آن می شود که به مدت سه شبانه روز قدرت تکلم خود را از دست می دهد، اما در انجیل لوقا (باب اول آیات ۱۸ تا ۲۰) آمده است که زکریا به خاطر بی ایمانش قدرت تکلم از دست داده و لال می شود. مطابق انجیل لوقا (باب اول آیات ۵۹-۶۴) او به مدت ۹ ماه تا زمانیکه یحیی متولد می شود قدرت تکلم خود را از دست می دهد! دوباره می بینیم که برای چندمین بار محمد از محتوای روایات فاصله گرفته و جزئیات دقیق آن را که در **کتاب مقدس** وجود دارد از دست داده است.

۲۰- مریم عیسی را بدنیا می آورد!

« پس مریم حامله خود را بجائی کشید، آنگاه که زائیدن او فرا رسید بر شاخ درخت خرمائی رفت و از شدت حزن و اندوه با خود گفت، ای کاش مرده بودم و از صفحهٔ عالم نام بکلی فراموش شده بود. »
(سورهٔ ۱۹ مریم آیات ۲۲-۲۳).

تفسیر:

در سورهٔ ۱۹ مریم که بشرح حال تولد عیسی مسیح در پناه شاخهٔ درخت دلالت دارد گفته می شود که به محض به دنیا آمدن عیسی، نوزاد تازه متولد شده بلافاصله لب به سخن گشوده و از عصمت و پاکی مادر خود دفاع می کند، مضمون این سوره از جزئیاتی بر خوردار است که در شرح متون انجیل بیگانه بوده و محلی از اعراب ندارد « انجیل متی باب اول و انجیل لوقا بابهای ۱ و ۲ ». از اینها که بگذریم داستانی که در سورهٔ مریم در مورد تولد عیسی آمده از نسخهٔ روایات کهن مسیحی که بی شباهت به روایات انجیل نیستند گرفته برداری شده، یکی از همین کتابها که قرآن به آن استناد می کند « داستان (The Gospel of The Infancy) نوزاد تولد یافته است » که این نوشته بنام موسوم است که مرجع استناد قرآن قرار گرفته است.

(The source of islam, st clair-Tisdall, 1901 s 58)

در این داستان یاد آوری می شود که نوزاد تازه تولد یافته لب به سخن می گشاید. دوباره می بینیم که محمد تمایز داستانهای ساختگی بی ربط را از اصل روایات **کتاب مقدس** حقیقی باز نمی شناخته است.

۲۱- عیسی نبوت محمد را بشارت داده

« و نیز شما را مژده می دهم که بعد از من رسول بزرگواری که نامش در انجیل من **احمد** است می آید و قرآنش عالی و حکمت روشن سازد. » (سورهٔ ۶۱ الصفا آیهٔ ۶).

تفسیر:

مسلمان اغلب سوال می کنند که آیا ما مسیحیان از آمدن رسولی که نامش محمد است در انجیل نبوتی دریافت نکرده و خبری نگرفته ایم؟ « **احمد** و محمد در زبان عربی یک ریشه هستند » باید گفت که عیسی مسیح در مورد رسالت محمد و آمدن او در انجیل حتی یک کلمه متذکر نشده و پیش بینی نکرده است. البته باید گفت عیسی مسیح بشارت داده و پیش بینی میکند که بعد از خود او روح القدس خواهد آمد. « انجیل یوحنا باب ۱۴ آیات ۱۵-۲۵ و همچنین باب ۱۵ آیهٔ ۲۶ و یوحنا ۱۶ آیات ۴-

۱۵. « همانطور که عیسی مسیح پیش بینی کرده بود روح القدس بر حواریون در روز * پنتیکاست * نزول اجلال فرمود. « رساله اعمال رسولان باب ۱ آیات ۴-۸ و همچنین باب ۲ آیات ۱-۴. »

* منظور از پنتیکاست هفت هفته پس از مرگ و زنده شدن مسیح است، که به عهد پنجاهم نیز موسوم است. م*

۲۲- عیسی فقط یک انسان است

« عیسی پسر مریم پیامبری بیش نبود. » (سوره ۵ المائده آیه ۷۹).

« و یاد کن آنگاه که خدا به عیسی بن مریم گفت آیا تو به مردم گفتی که من و مادرم و خدای دیگر، سوای خدای عالم اختیار کنید، عیسی گفت خدایا هرگز مرا را نرسد که چنین سخن بنا حق گویم. » (سوره ۵ المائده آیه ۱۱۶).

« ای رسول بگو: اگر خداوند را فرزندی بود اول من او را می پرستیدم. »

(سوره ۴۳ الزخرف آیه ۸۱).

« خداوند آن خدای جاودان، نه کسی فرزند اوست و او فرزند کسی و هیچکس مثل و همتای او نیست. » (سوره ۱۱۲ الا خُلاص آیات ۲-۴).

تفسیر:

قرآن چنین می گوید: عیسی مسلماً از یک باکره متولد می شود و فقط انسانی بیش نیست، همچنین قرآن به طور اساسی مُنکر این میشود که خداوند خویشتن را در مسیح متجلی نمود، همچنین قرآن مُنکر این است که عیسی پسر خداست! اما از آنجائیکه انجیل بر این شهادت می دهد که عیسی پسر خداست، پس محمد این حقیقت مسلم انجیل را مُنکر شده و پاک از اساس و بن دچار سوء برداشت می شود! کاملاً اشتباه فهمیده است.

برداشت اسلام از ماجرای عیسی یک قرائت « تحت الفظی » و جسمانی بوده و منی خواهد وجود روحانی مسیح آشکاراً بپذیرد و به این امر اقرار کند که او پسر خداست، و در این صورت مجبور می شود تا اعتراف کند که خداوند با مادر عیسی نزدیکی فیزیکی داشته و نتیجه این مقاربت فرزندی شده که عیسی نام دارد.

همچنین مسأله تثلیث* (اشکال سه گونه خداوند یکتا)* در قرآن نفی می شود، زیرا محمد اینگونه تصور می کند که مسیحیان سه خدا را می پرستند، پدر و پسر و روح القدس سه خدای جداگانه هستند که دو تای آنها انسانند. (پدر و پسر)!

ما آن را تثلیث یا سه گانگی ترجمه می کنیم، عبارت است از اینکه The Trinity واژه انگلیسی خداوند در عین یگانگی و وحدت در سه شکل خود را ظاهر می سازد، که همان پدر پسر و روح (Complex)القدس است. ما مسیحیان معتقدیم که خداوند وجودی مرکب است، که حاصل ضرب $1 \times 1 \times 1 = 1$ را در معنی مستفاد می کند و اگر تصور کنیم که هر کدام از اشکال سه گانه خداوند یک خدای مستقل و جدا محسوب می شوند در اشتباه افتاده ایم، نتیجه جمع سه خداوند $1 \times 1 \times 1 = 3$ خواهد شد که باطل است، آمین! م.

۲۳- عیسی هرگز نمرده است!

« ما به هیچ وجه عیسی رسول خدا را نکشتیم در صورتیکه نه او را کشتند و نه بدار کشیدند و لکن امر به آنها مشتبه شد و همانا که درباره او عقاید مختلف اظهار داشتند، از روی شک و تردید سختی نگفتند و عالم به آن نبودند جز آنکه از پی گمان خود می رفتند و بطور یقین شما (مومنان) بدانید که مسیح را نکشتند بلکه خدا او را بسوی خود بالا برد و پیوسته خدا بر همه ملک وجود مقتدر و کارش همه از روی حکمت است. » (سوره النساء آیه ۱۵۶).

تفسیر:

قرآن مُنکر به صلیب کشیدن عیسی است و مرگ مسیح را انکار می کند (برای اطلاع بیشتر به سر فصل* جایگاه عیسی در قرآن عنوان عیسی هرگز نمرده است مراجعه فرمائید).

۲۴- اصحاب کهف

« آنگاه آن جوانان کهف از بیم دشمن در غار کوه پنهان شدند و از درگاه خدا مسالت کردند، بارالها تو حق ما به لطف خاص خود مرحمتی عطا فرما. » (سوره الکهف آیه ۸).

آنان « اصحاب کهف » را بیدار پنداشتی و حال آنکه در خواب بودند و ما را برای رفع خستگی آنانرا به پهلوی راست و چپ می گرداندیم و سگ آنها دستهای گسترده بر در غار داشت. » (سوره الکهف آیه ۲۴).

تفسیر:

در سوره ۱۸ الکهف آیات ۹-۲۶-۸-۲۵ دربارهٔ مردانی می خوانیم که اندکی بیش از سیصد سال در یک غار بخواب فرو میروند، در این داستان می بینیم که خداوند مراقب خفتگانِ غار بوده آنان با فراغ بال در خواب فرومی روند چون سگی بر در غار نشست و مواظب است. پس از این خواب طولانی « سیصد سال » آنها بر می خیزند و تصور می کنند که تنها چند ساعت یا شبی را خوابیده اند اما در عالم واقع آنها ۳۰۹ سال در خواب بوده اند. سوال اینجا است این داستان تخیلی از کجا آمده است؟ در افسانه های افسوس که داستان قدیمی مسیحی است، و در کتاب داستان شُهداء « Gorge Of Tours » که به زبان لاتین توسط story of Martyrs به رشتهٔ تحریر در آمده، می بینیم این داستان در روایات اسلامی مورد استناد واقع شده است، برای St.Clair-Tisdall & T Clark اطلاع بیشتر می توان به: (منابع اسلامی نوشتهٔ چاپ ۱۹۰۱ صفحهٔ ۴۸ مراجعه نمود). عجیب است گویا محمد متوجه نیست که این حکایت افسانه ای بیش نیست، با این وجود به آن تاسی میجوید، مهمتر آن که او درست ۳۰۹ سال خواب درون غار را که در افسانه آمده می نویسد و حتی حاضر نشده تا قدری در این باره تخفیف دهد!

نتیجه گیری:

وقتی انسان این همه انحرافات، جعل داستانها و عوض کردن چهره و شخصیت ها را مشاهده می کند، به این نتیجه می رسد که محمد مطالب مندرج در قرآن را از منابعی استخراج کرده که خارج از نوشته های کتاب مقدس بوده و یا از یهودیها و مسیحیانی اخذ کرده که خود بین موضوعات حقیقی کتاب مقدس با مشتی داستانها را مه در اساطیر و افسانه ها آمده تفاوتی قائل نبوده اند. کاملاً روشن است که برای محمد مشکل بوده تا به موجودیت واقعی و متعلقات نوشته های مقدس پی ببرد. همانطوریکه در گذشته دیدیم او با اطمینان خاطر اظهار میداشت که قرآن با مکاشفه های پیشین مطابقت داشته و با آنها موافق است.

با تمام این تفضیلات اسلام مدعی است که قرآن کلام خدا بوده و از طرف جبرئیل بصورت سروده به محمد نازل شده و کلام بی عیب و نقص خداوند است. اگر قرآن بیان کند که مطالب خود را نقطه به نقطه و مو به مو از منابع انسانی گرفته، بی تردید اسلام مُضمحل شده و از بین خواهد رفت، پس بدین خاطر است که گفتار خود را کلام وحی می شمارد تا از فروپاشی مکتب اسلام جلوگیری کند.

* مسیحیان و یهودیان کتاب مقدس را جعل کرده اند

همانطور که دیدیم زیاد دشوار نیست تا دریابیم که قرآن در بسیاری موارد و نکات از کتاب مقدس منحرف شده است. سوالی که فی الفور در ذهن شکل می گیرد این است که آیا کتاب مقدس و قرآن

در اصل یک کتاب واحد نبوده و هر دو یک حقیقت را نمی گویند اگر چه در پاره ای موارد با هم تفاوت دارند.

برخی اوقات در مکه و مدینه بحث هائی راجع به محمد و قرآن در می گرفت که آیا او رسول الله است و آیا قرآن کلام خداست! چنانکه دیدیم محمد اصرار می ورزید که قرآن مکاشفه های گذشته را (عهد عتیق عهد جدید) را که از جانب خداوند نازل شده اند قبول داشته و تصدیق می کند. همچنین بخاطر می آوریم که اکثریت قریب به اتفاق یهودیها و مسیحیان نه محمد را به عنوان پیغمبر خدا قبول داشتند. و نه قرآن را بمثابه کلام وحی می پذیرفتند، برای حلّ این معضل محمد به چاره جوئی بر میخیزد و به مخالفان فکری خود اتهامات گوناگونی وارد می کند!

۱- اهل کتاب نظرات گوناگونی راجع به کتاب مقدس دارند

« و ما کتاب تورات را بر موسی فرستادیم و آنگاه مردم به جای مردم آنکه با آن هدایت یابند در آن اختلاف کردند... » (سوره ۱۱ هود آیه ۱۱۲).

محمد در این آیه هیچگونه انتقادی به نوشته های پیشین ندارد، بلکه انتقاد خود را متوجه اهل کتاب می کند زیرا معتقد است که آنها تفاسیر مختلفی نسبت به مکتوبها دارند، این انتقاد جالب توجه بطور بر جسته ای خود را نشان می دهد، اگر بخواهیم صدق کلام را رعایت کنیم باید گفت موضوعی که قرآن به آن اشاره دارد صحیح است یهودیها و مسیحیان حتی امروزه تفسیرات گوناگونی نسبت به نوشته ها و راجع به خود یکدیگر دارند.

۲ مسیحیان آگاهانه کتاب مقدس را بر گردانده اند

« و همانا برخی از اهل کتاب خواندن کتاب آسمانی را تغییر و تبدیل می دهند، تا آنچه از پیش خوانده اند از کتاب خدا محسوب دارند و هرگز آن تحریف شده از کتاب نخواهد بود و گوئید آن آیات از جانب خدا نازل شده در صورتیکه از جانب خدا نبوده و علیه خداست و آنکه می دانند (تحریف خود آنهاست) به خدا دروغ می بندند، خدا هیچ بشری را به رسالت بر گزیند و به او کتاب و حکمت بخشد و او را نرسد که به مردم بگوید مرا به جای خدا پرستند. » (سوره ۳ ال عمران آیات ۷۲-۷۳).

تفسیر:

در این آیات روی سخن محمد و خطابه او علیه گروه کوچکی از مسیحیان است، این گروه کوچک عقیده داشتند که عیسی به مردم گفته است که او را به جای خدا پرستند ما خود می دانیم که عیسی هرگز به مخاطبان خود در کتاب مقدس چنین توصیه ای نکرده است اگر یک گروه کوچک مسیحی مطالبی

چنین اشتباه آمیز بیان کرده باشد، کاملاً حق بجانب محمد است که بگوید **کتاب مقدس** آگاهانه توسط این گروه تحریف شده است. در اینجا دوباره می بینیم که انگشت اتهام بسوی گروه کوچکی از مسیحیان اشاره می رود نه خود **کتاب مقدس!**

۳-یهودیه‌ها کلام خدا جعل می کنند

* « بعضی قوم یهود که خواندن و نوشتن ندانند، تورات را جز آمال و آرزوی خود پندارند و تنها پایبند خیالات و پندارهای خویشند، پس وای بر کسانی که در پیش خود چیزی نوشتند و به خدای متعال نسبت دهند تا به بهای اندک بفروشند.» (سوره ۲ البقره آیه ۷۳). *

تفسیر:

محمد توجه خود را به یک گروه کوچک یهودی که در مدینه ساکن بودند معطوف می کند او می گوید: اشخاص نا مطلع و بیسوادی بین این گروه وجود دارد که نوشته های مقدس را نمی فهمند، ما از وجود یهودیه‌های بیسوادی که در مدینه می زیستند اطلاعی نداریم، اما واقعاً امکان آن وجود دارد که در میان این گروه که در مدینه بوده اند تعدادی بیسواد وجود داشته که از کلام خدا مطلع نبوده و هیچگاه آنرا مطالعه نمیکرده اند، سپس محمد این گروه از یهودیه‌ها را به این مسأله متهم می کند که کلام خدا را نادیده گرفته و به دست نوشته های ساختگی خود توسل می جویند، باعث شگفتی است که همین عده که به جعل کلام خدا متهم می شوند خود را به گونه ای مشابه مورد اتهام قرار داده و او را شخصی مجهول به شمار می آورند.

سپس محمد می گوید: این دست نوشته ها کالاهای ارزانی برای عرضه و فروش هستند « او عقیده داشت، یهودیه‌ها دکان دین فروشی باز کرده اند. م « و محمد نیز بهمین صورت توسط مخالفانش متهم می شود!

بسیار جالب می بود که اگر ما می توانستیم به بخش هائی از آن کتاب دست یابیم که محمد به آنها حمله کرده و مدعی است که این نوشته ها جعلی اند، البته بسیار امکان دارد که این نوشته ها ترجمه متون تورات باشد که توسط شخصی به زبان عربی نوشته شده و حتی ممکن است همان نوشته هائی باشد که قرآن آنها را مورد استناد قرار داده و با توسل به آنها از اصول **کتاب مقدس** منحرف می شود. متأسفانه در اینجا به این موضوع اکتفا کنیم که چنانچه برخی از مردم یهود که در مدینه زندگی می کرده اند، مرتکب این خطا شده و سر خود بنوشتن بخشی از عهد عتیق دست زده باشند عمل آنها به هیچ وجه صحیح نبوده و قابل دفاع نیست.

۴- خداوند در کتابش تغییر رای می دهد

« خدا هر چه را خواهد محو و هر چه را بخواهد اثبات می کند و نزد او کتاب اصلی (مادر) قرار دارد. » (سوره الرعد آیه ۳۹).

تفسیر:

نکنه ای برجسته و عجیب است که خداوند هر جای کلام را بخواهد تغییر داده و یا نائید و تصدیق می کند و این خود دلیل مدعای ماست! اگر کتاب مقدس را با قرآن مقایسه کنیم محمد خواهد گفت که خداوند هر کجای کلام را که بخواهد از بین برده و کلام دیگری بجایش می گذارد پس علت انحراف خود از کتاب مقدس را می تواند با این آیه توجیه کند، بر عکس در انجیل می بینیم که عیسی مسیح بر صدق کلام خدا و تغییر ناپذیر بودن آن اصرار میورزد.

* در انجیل لوقا باب ۱۶ آیه ۱۷ چنین آمده است: اما این بدان معنی نیست که تورات حتی در یک جزء اعتبار خود را از دست داده باشد، بلکه همچون زمین و آسمان ثابت و پایدار است، همچنین در لوقای باب ۲۱ آیه ۳۳ می خوانیم: آسمان و زمین از بین خواهند رفت، اما سخنان من همیشه باقی خواهد ماند. *

* شرح آیات انجیل لوقا از کتاب مقدس ترجمه تفسیری استخراج شده است.

۵- خداوند سوره های قدیم را نسخ کرده و سوره های بهتری را جایگزین می کند

« هر چه آیات قرآن را نسخ کنیم یا حکم آنرا متروک سازیم و بهتر یا مانند آنرا بیاوریم. » (سوره البقره آیه ۱۰۰).

« و ما هر گاه آیتی را از راه مصلحت نسخ کرده بجای آن آیتی دیگر آوریم در صورتیکه خدا بهتر می داند، می گویند تو شعر می بافی نه، بلکه اکثر آنها نمی فهمند. » (سوره النحل آیه ۱۰۳).

تفسیر:

در این بخش از قرآن راجع به آیه هائی گفته می شود که منسوخ شده و در بوته فراموشی افتاده اند، چنین بنظر می رسد که سوره های قرآن بتدریج عوض شده اند، مخالفان محمد به این موضوع پی می برند و می گویند که او در مکاشفات خود شعر می بافد، محمد فضا را نامطمئن می بیند در پی دلجوئی و

تسلی مسلمانان بر آمده و می گوید: این تغییرات و تبدیلات از طرف خدا بوده و از جانب او برنامه ریزی شده است و برای تغییراتی که در سوره ها پدید می آورد واژه « ناسخ » را بکار می برد!

بر اساس آرای دانشمندان علوم اسلامی که به علماء موسومند مجموعاً ۲۲۵ آیه وجود دارند که جایگزین آیه های دیگر شده اند.

(*Balance Of Truth, Pfander, The Religious Tract Society, 1901, s 57 *)

در صفحات قبل اینجانب مضمون درون پرانتز را بعنوان میزان ایمان، نوشتهٔ جامعهٔ مذهبی ناحیهٔ Pfander ترجمه کرده ام.

نتیجه گیری:

در هیچ کجای قرآن دیده نمی شود که محمد به خود **کتاب مقدس** حمله کرده باشد بر عکس او بسیار عاقل مدارانه با موضوع بر خورد می کند قرآن می گوید: که مکتوب های پیش تر اهل کتاب وجود دارد. او مدعی است که قرآن *مکاشفات* اسبق را (کلام وحی) تصدیق کرده است اما یهودیها و مسیحیان محلی را متهم می کند که **کتاب مقدس** را برگردانده، تفسیر به رای خود کرده و نزد خود ساخته و پرداخته اند، طرح این موضوع که آیا یهودیها و مسیحیان **کتاب مقدس** را تحریف کرده اند زمانی جا افتاده و قوام می گیرد که بلافاصله بعد از زمان کوتاهی پس از فوت محمد نسخه های قرآن در دنیای مسیحیت منتشر می شوند و مسیحیان امکان می یابند تا قرآن را با **کتاب مقدس** مطابقت کنند، نتیجه این مقایسه آن می شود که، دنیای مسیحیت به این نتیجه رسیده که قرآن در بسیاری از موارد و موضوعات از اصول **کتاب مقدس** منحرف شده است، در حقیقت باید گفت که نه تنها **کتاب مقدس** توسط مسیحیان دستکاری نشده بود بلکه بر عکس این قرآن بود که **کتاب مقدس** را تحریف کرده بود!

در اثنای نزول قرآن محمد می گفت: که **کتاب مقدس** را تأیید و تصدیق می کند و بر این اساس قرآن کتابی معتبر بوده و حقیقی است. اما پس از خاتمهٔ نزول قرآن مسلمانان اظهار می دارند چون « **کتاب مقدس** » قرآن را تأیید نمی کند پس خود نمی تواند کتابی راستین باشد.

جایگاه عیسی در قرآن

مسلمانان اغلب می گویند که آنها به عیسی مسیح ایمان دارند و از ما مسیحیان با حیرت سوال می کنند که چرا ما به محمد ایمان نداریم، از این رو بسیار جالب خواهد بود تا پژوهشی بعمل آورده تا موضوع بما تفهیم شود که عیسی مسیح در قرآن از چه سیادت و جایگاهی برخوردار است.

اختلاف تعین کننده و مُسَلَم بین باور و اعتقاد مسیحیان و مسلمانان به « عیسی مسیح » به خود شخصیت مسیح بر می گردد، او کیست چرا از باکره ای متولد می شود؟ و منظور از تولّد او بطور کلی چه بوده است؟

۱- عیسی از مریم باکره متولد می شود

« و یاد کن مریم را که رحمش را پاکیزه داشتیم و از روح خود دمیدیم و او را با فرزندش معجز و آیت بزرگ برای اهل عالم قرار دادیم. » (سوره ۲۱ الانبیاء آیه ۹۱).

تفسیر:

قرآن نحوه زائیدن مریم باکره را تصدیق می کند و می گوید: مریم باکره از طریق روح خدا حامله می شود و این نشان معجزه است برای تمام جهان.

۲- تپه ای محافظ نوزاد و مادرش مریم می شود

« و ما پسر مریم را با مادرش بر خلق آیت و معجزه بزرگ گردانیدیم و هر دو را به سرزمین بلندی که آنجا مکانی همراز و چشمه سار بود منزل دادیم. » (سوره ۲۳ المومنون آیه ۵۲).

تفسیر:

پس از وضع حمل و بدنیا آوردن عیسی، مریم می بایستی دوباره رجعت می کرد، خداوند مکان مستقلی با تپه و چشمه آب روان برای او در نظر می گیرد اما در این صحنه از سرنوشت یوسف (پدر ظاهری عیسی) در قرآن اثری نیست.

۳- عیسی کلام و روح خداست

« در حق مسیح، عیسی بن مریم جزء این نشاید گفت که او رسول خداست و کلمه الهی و روحی از عالم الوهیت است که مریم فرستاد، پس به خدا و فرستادگانش امان آرید و به تثلیث قائل نشوید، بهتر است، که جزء خدای یکتا خدائی نیست، خدا منزّه تر از آنکه او فرزندی باشد هر چه در آسمان و زمین است همه ملک اوست و خدا تنهائی به نگهبانی همه موجودات عالم کافی است. » (سوره ۴ النساء آیه ۱۷۱).

تفسیر:

در این آیه قرآن می بینیم که عیسی حامل خدا و روح خدا را در زهدان خود دارد که نشان معجزه پروردگار است، اما برای اینکه کسی تعلیقات قرآن درباره عیسی را مورد سوء تعبیر قرار ندهد، تأکید

میورزد که عیسی تنها رسولی است چون محمد و دیگر رسولان که از جانب خداوند فرستاده شده بودند، در همین اثناء و در این آیه به تثلیث مسیحیت حمله می برد و می گوید که خداوند صاحب پسری نیست.

۴ عیسی شبیه آدم خلق شده است!

« همانا مثل خلقت عیسی به امر خداوند مانند خلقت آدم ابوالبشر است که خداوند او را از خاک بساخت، سپس به آن خاک گفت بشری به حدّ کمال باش هماندم چنان گردید. »
(سورهٔ ۳ ال عمران آیهٔ ۵۲).

تفسیر:

قرآن می آموزد که عیسی فقط یک انسان است. اسلام از این که مریم از طریق روح خدا حامله می شود هیچ نتیجه ای نمی گیرد و فقط به این نکته بسنده می کند که عیسی شبیه آدم ابوالبشر آفریده شده است.

۵-معجزات عیسی در قرآن

«... من بسوی شما می آیم و از طرف خدا معجزی آورده ام و آن معجزه این است که از گِل مجسمهٔ مرغی ساخته و بر آن نفس قدسی بدم تا به خدا مرغی گردد و کور مادرزاد و مبتلایان به جزام به امر خدا شفا دهم و مردگان را به امر خدا زنده کنم...» (سورهٔ ۳ عمران آیهٔ ۴۳).

تفسیر:

قرآن خاطر نشان می سازد که از عیسی معجزاتی روی داده، منتها با کمک و اجازهٔ خداوند! در کتاب مقدس مطلبی دربارهٔ مرغ گلی و احیای آن توسط عیسی نیامده اما در کتاب افسانه های مسیحیت و تعالیم او که مرجعی برای منابع اسلامی شناخته شده است این داستان وجود دارد که عیسی مرغ گلی را زنده می کند! (منابع اسلامی The Source Of Islam, St Clair, T&T Clark, 1901,s57)

۶- انجیل از طرف خدا به عیسی نازل شد

« و سپس عیسی بن مریم را فرستادیم و به او کتاب آسمانی انجیل را عطا کردیم. » (سورهٔ الحديد ۵۷ آیهٔ ۲۷).

تفسیر:

قرآن به « ال انجیل » اشاره می کند که از طرف خداوند به عیسی اعطاء شده است، قرآن واژه انجیل را بصورت مفرد می آورد و مسلمانان چنین برداشت می کنند که انجیل کتابی است که بصورت سوره هائی به عیسی نازل شده همچنانکه قرآن بصورت شعر به محمد ابلاغ شده است. اگر ما به مسلمانان بگوئیم که انجیل به چهار صورت گوناگون و در قالب تمثیلات و حکایات و بشکلی روان و ساده توسط رسولان عیسی مسیح نوشته شده است، آنها در تعجب فرو میروند، و غالباً وجود این چهار انجیل دلیل بر آن می شود که آنها باور کنند که انجیل اصلی « ال انجیل » از بین رفته یا توسط مسیحیان جعل و تحریف گردیده است.

۷- خداوند هرگز کسی را نزائیده است

« بگو خدا یکی است و آن همان خداوند ابدی و جاودان است که کسی را نزائیده و از کسی زائیده نشده و کسی شبیه او نیست. » (سوره ۱۱۲ الاخلاص آیات ۱-۴).

تفسیر:

این سوره بیانگر یکی از آموزشهای مهم قرآن است که می گوید: خداوند یکی است این یکتا بودن خداوند از اصول دین اسلام بوده که * « توحید » نامیده می شود که در آن هر نوع تفکر تثلیث (ترکیب سه گانه خدا: پدر، پسر و روح القدس) که تجلی یگانه بودن خداوند در سه شکل است، به شدت رد شده و با توحید در تعارض قرار می گیرد، قرآن بطور قطع و یقین بیان می کند که خداوند هیچگاه فرزندی نزائیده است. (نه یک کلمه بیشتر و نه یک کلمه کمتر) نقطه تمام.

اصل توحید در اسلام بدین معنی است: که خداوند یکی است و شریک و مانندی ندارد.

۸- خداوند پسری ندارد

« بگو اگر خداوند را پسری بود اولین کسی که را می پرستید من بودم. »

(سوره ۴۳ الزخرف آیه ۸۱).

تفسیر:

محمد این شیوه تفکر را که خداوند صاحب پسری است را رد می کند و از این رو می گوید که اگر خداوند را پسری بود اولین کسی که او را می پرستید من بودم پس می بینیم قرآن موجودیت پسر خدا را انکار می کند.

۹- عیسی تثلیث را منکر می شود

« و یاد کن آنگاه خدا به عیسی بن مریم گفت آیا تو به مردم گفتی که من و مادرم و خدای دیگر سوای خدای عالم اختیار کنی و عیسی گفت تو منزهی هرگز نرسد مرا که چنین سخنی بناحق گفته باشم. » (سوره ۵ المائده آیه ۱۱۶).

تفسیر:

آدمی شگفت زده می شود که در این آیه نهفته است از کجا آمده، این اعتقاد برای کتاب مقدس و اعتقاد مسیحیت بیگانه است که عیسی بجای پرستش خداوند به مردم توصیه کند که تا خود و مادرش را پرستند، ضمناً در این آیه می بینیم که محمد شخصیت مریم عیسی را به جای روح خدا معرفی کرده است. در اینجا معلوم است نیست محمد چگونه می اندیشیده؟

احتمالاً او مسیحیانی را در زمان خود مشاهده می کرده که چگونه روبروی مجسمه و تابلوهای مریم و نوزادش زانو می زدند و آنها را ستایش کرده و طلب آموزش می کردند، محمد در این خصوص به اشتباه می افتد و چنین تصور می کند که مسیحیان به خداوند واحد معتقد نبوده بلکه مریم و نوزادش را می پرستند! بر عکس این پندار به خداوند واحد معتقد نبوده بلکه مریم و نوزادش را می پرستند! بر عکس این پندار کتاب مقدس می آموزد:

— پس بروید و تمام قوما را شاگرد من سازید و ایشان را به اسم پدر و پسر و روح القدس غسل تعمید دهید « انجیل متی باب ۲۸ آیات ۱۹-۲۰ ».

— عیسی مسیح خدای حقیقی و انسان حقیقی است در شخصیتی واحد.

« انجیل یوحنا باب ۱ آیات ۱ و ۱۴ ».

— مفهوم پسر خدا موضوعی است روحانی نه فیزیکی.

« انجیل یوحنا باب ۱ آیه ۱۸ و باب ۱۴ آیات ۶-۱۱ ».

۱۰- عیسی هرگز نمرده است

« و هم از اینرو که گفتند ما عیسی بن مریم رسول خدا را کشتیم در صورتیکه نه او را کشتند و نه او را بدار کشیدند و لکن امر به آنها مشتبه شد و همانا که درباره او عقاید مختلف اظهار داشتند از روی شک و تردید سخنی بگفتند و عالم به آن نبودند جز اینکه او را بسوی خود بالا برد و پیوسته خدا مقتدر و کارش همه از روی حکمت است. »

(سورة ۴ النساء آیات ۱۵۷-۱۸۵).

تفسیر:

در اینجا واقفان قرآن در تضادی آشکار رو در روی **کتاب مقدس** قرار می‌گیرد، ما حتی در « عهد عتیق » می‌بینیم که انبیاء به آمدن مسیح و رنج و مرارت او گواهی داده و می‌گویند که او بخاطر گناهان انسان خواهد مُرد. « عهد عتیق: اشعیاء باب ۵۳ »

در بخشهای عمده ای انجیل « عهد جدید » به توصیف این موضوع می‌پردازد و چگونگی رنج مسیح و سپس به صلیب کشیدن او را مورد بررسی قرار می‌دهد.

در انجیل « عهد جدید » می‌بینیم که چگونه در **کتاب مقدس**، شاهدان به صلیب کشیده شدن عیسی گواهی موثق داده سپس به **قیام دوباره** او شهادت می‌دهند، تقریباً تمامی رسولان مسیح بخاطر این شهادتها جان خود را از دست می‌دهند!

در آیاتی از قرآن نیز اشاره‌ها و امارات گوناگونی وجود دارند که آنها تفاسیر مختلفی می‌توان اتخاذ کرد، اما اکثریت قریب به اتفاق مترجمین و مفسرین قرآن در انکار بصلیب کشیده شدن مسیح نظر مشترکی دارند، این آیات می‌گویند « مردم تصور کردند که او به صلیب کشیده شد »، در حالیکه قبل از مصلوب شدن، خداوند او را به نزد خود بالا می‌کشد و شخص دیگری بجای او مصلوب می‌شود یعنی شخصی بدلی دستگیر شده و همان اوست باعث می‌شود که حواریون و حتی مریم مادر عیسی به اشتباه افتاده و باور کنند که عیسی مصلوب شده است. « آنها به رای العین تصور کردند ».

از کجا محمد این برداشت را آورده معلوم نیست اما این برداشت که عیسی در تصورات و خیالات مصلوب میشود حاکی از دریافتی است که محمد از *گنوستیک‌ها گرفته* (گنوستیک‌ها به کشمکش نور و ظلمت و سیادت و حکومت این دو معتقد بودند).

این شیوه نگرش همان برداشت اعتقادی مسیحیان آن دوره با التقات و آمیزه ایدئولوژی هلنیسم یونانی است که محمد را به این تصور کشانده است! *گنوستیک‌ها* به حکومت نور و ظلمت معتقد بودند و بعنوان مثال می‌گفتند روح و روان انسان منبعث از منبع نور است در حالیکه ماده یا مثلاً بدن انسان از منبع تاریکی « ظلمت » نشأت می‌گیرد، آنها همچنین عقیده داشتند که جهان روشنائی توسط خدای نیکی ساخته شده، در حالیکه جهان ظلمت و ماده از خدای پلشتی و پلیدی می‌آید، آنها سپس به این انحراف کشیده شدند که عیسی مسیح صاحب بدنی فیزیکی چون انسان نبوده بلکه وجود او منشاء روشنائی است بنابراین مرگ او بی‌معنی خواهد بود، مثل اینست که بگوئیم روشنائی مرده است عده ای

از همین *گنوستیکها* در سالهای ۱۲۰ تا ۱۴۰ میلادی در شهر اسکندریه زندگی می کردند که مصلوب شدن عیسی مسیح را بی پایه و اساس می دانستند این گروه بنام باسیلیدس ها "Basilides" معروف بودند و چنین می گفتند: ...چون آن خدای ازلی و بی نام و نشان گمراهی مردم را دید، پسر « که همان مسیح است برای راهنمایی آنان فرستاد تا آنانی را که به او باور Nous ارشد خود نئوس دارند از جهل و قُدرت‌های دنیائی نجات دهد،

آنگاه عیسی مسیح بر مردم آرکون "Arkontenas"

ظاهر میشود و معجزات خود را آشکار می سازد، سپس سیمون کرانه "Simon Fro m Cyrene"

مجبور می شود تا صلیب عیسی را بدوش بکشد او « سیمون » در اثر بی تدبیری و اشتباه مصلوب می شود تا مردم تصور کنند که او همان عیسی است سپس عیسی در شکل و شمایل سیمون ظاهر می شود، گوشه ای ایستاده و به این صحنه می خندد، او چهره ای نورانی و روحانی بود که از نئوس « خدای ازلی » قدرت خود را دریافت کرده بود و از اینور به بلاهت خلاق پوزخند می زد، چون مردم آرکونت او را نمی دیدند و او توانسته بود خود را از انظار مردم مخفی کند، از این روی جماعت در او هام افتادند، ظاهراً مسیح را می دیدند که به صلیب کشیده شده در حالیکه او همان سیمون بود

(Jesus Till Mother Teresa, Tergel, Verbum, 1973, S 29)

در اینجا معلوم می شود که محمد داستان بصلیب کشیده شدن مسیح را از *گنوستیک های « آرکوتی » گرفته است و بصورتی مُتقن و آشکار آیتی در این خصوص می آورد که اساساً در تناقض آشکار و رودررو با انجیل « عهد جدید » قرار می گیرد.

*گنوستیک ها به اصالت روح و ماندگاری روان معتقد بوده نور و روح را از یک جنس می دانند. م.

۱۱- آیا علیرغم این همه عیسی مرده است؟

« مردانی از بین شما بمیرند و زنانشان زنده بماند. » (سوره ۲ البقره آیه ۲۴۰).

«...من خود بر آن مردم گواه و ناظر اعمال بودم مادامی که در میان آنها بودم، چون روح مرا تصرف کردی خود نگهبان و ناظر آنها بودی. » (سوره ۵ المائده آیه ۱۱۷).

« ای عیسی من روح تو را قبض کرده و به آسمان نزد خود بالا بردم. »

(سوره ۳ عمران آیه ۵۵).

« و سلام حق بر من باد روزی بدنیا آمدم، روزیکه از جحان روم و روزیکه برای زندگی آخرت بر انگیخته شوم. » (سوره ۱۹ مریم آیه ۳۴).

تفسیر:

واژه عربی *يُتَوَفَّنَ* به معنای مردگان است .. « از میان مردگان » طبق (سوره ۲ البقره آیات ۲۴۰/۲۴۱) این واژه مصداق مردن است ضمناً همین آیات از زنانی سخن می گوید که شوهرانشان در گذشته اند. در ضمن بنیان واژه فوق برای مرگ مسیح در قرآن ظاهر می شود که ریشه در همان وفات و فوت دارد، در سوره ال عمران آیات ۵۵/۴۸ نیز واژه « *مُتَوَفِّك* » آمده است که طبق لغتنامه مدرن نوشته هانس ور "Hans Wehr" کلمه متوفاً مترادف مرحوم یا فوت شده ترجمه شده و حتی در سوره ۵ المائده آیه ۱۱۷/۱۱۷ مرا در دستهایت....

کلمه ای استفاده شده است که از همان ریشه "متوفی" و "توفینی" که به معنای مردن است استخراج می شود، در قرآن همین لفظ مردن برای مسیح بکار می رود با وجودیکه عیسی در "سوره ۵ المائده آیه ۱۱۷ می گوید: مرا احماء کردی مرا میراندی "

« روح مرا تصرف کردی تفسیر الهی قبیشی » و اگر چه در سوره ۱۹ مریم آیات ۳۳/۳۴ عیسی نوزاد از سه روز مهم خود بر روی این کره خاکی سخن می گوید (زندگی، مرگ و برانگیخته شدن مثل سایر دیگر مردم) و همچنین بر اساس عقاید مفسرین و مترجمین معتبر و مُتَنَفِّذ قرآن که به سوره ۴ النساء آیات ۱۵۶/۱۵۷ به روشنی استناد کرده اند عیسی نه میبرد و نه مصلوب می شود بلکه در پندار و صورت ظاهر اینگونه متصور شد، طبق قرآن رسمی پذیرفته شده « علی » او از زبان عیسی نوزاد راجع به کلمه مرگ آتی و رستاخیز او ترجمه ای سنتی بدست میدهد که بدین ترتیب است: دوباره روزی عیسی مسیح بحیات باز می گردد، پس او شبیه سایر مردمان می میرد و سپس چون دیگران برانگیخته خواهد شد. * اما بر طبق انجیل، سرگذشت عیسی مسیح موردی منحصر بفرد است، او متولد می شود، مصلوب می گردد و سپس قیام می کند. * در ترجمه اندکی جملات پس و پیش شده است. م

۱۲- عیسی نبوت محمد را بشارت می دهد

« و نیز شما را مژده می دهم که بعد از من رسول بزرگواری که نامش احمد است بیاید و "قرآنش" عالمی را بنور حکمت روشن سازد و چون آن رسول با آیات و معجزات بسوی خلق آمد گفتند این معجزات (قرآن وی) سحری آشکار است. » (سوره ۶۱ الصّاف آیه ۶).

تفسیر:

در این آیه، قرآن به دو برهان مهم تکیه کرده و آمدن عیسی مسیح را با این دو استدلال توجیه می کند، اول آنکه عیسی مسیح آمده است که تا چون محمد مکاشفه های سابق یعنی کتایهای موسی را مورد تصدیق قرار دهد، دوم آنکه رسالت محمد را بشارت دهد اصولاً نام های محمد و احمد عربی بوده که از یک ریشه مشتق می شوند، اغلب مسلمانان از ما مسیحیان سوال می کنند که آیا مگر در انجیل بشارتی برای نبوت نیامده؟ متأسفانه باید گفت حتی کوچکترین نشانه و نقلی در این خصوص در انجیل وجود ندارد، بلکه عیسی مسیح پیش بینی می کند که بعد از روح القدس در روز پنطیکاست نزد حواریون ظاهر خواهد شد. (انجیل یوحنا باب ۱۴ آیات ۱۵-۲۵ و باب ۱۵ آیه ۲۶ و باب ۱۶ آیات ۴-۱۵ و رساله اعمال رسولان باب ۱ آیات ۴-۸). و روح القدس همچنانکه عیسی مسیح قول داده بود در روز پنطیکاست به حواریون ظاهر شد (رساله اعمال رسولان باب ۲ آیات ۱-۴).

نتیجه گیری:

اگر چه تقریباً تمامی مواردی که قرآن عنوان می کند در انجیل « عهد جدید » وجود ندارد با این وجود برخی از مطالب آن با انجیل مطابقت می کند. زائیدن مریم، بروز معجزات عیسی، کتاب او که انجیل نامیده می شود و آنکه او مسیح و فرستاده خداست از جمله مثالهایی هستند که انجیل « عهد جدید » منطبق است!

اما مواردی در قرآن وجود دارد که از اصول انجیل « عهد جدید » منحرف شده اند. از جمله جدی ترین انحراف قرآن برای نمونه، انکار خدائی بودن عیسی مسیح، انکار مصلوب شدن او و انکار علت وجودی ظهور عیسی مسیح است. اسلام بهر صورت حکمت ظهور عیسی مسیح و به صلیب کشیده شدن او به منظور آموزش گناهان انسانها را رد می کند و او را یک نجات بخش و مبشر رستگاری و شفاعت کننده بین انسان و خدا به حساب نمی آورد بلکه او همچون موسی و محمد و سایر انبیاء فقط به عنوان رسول خدا پنداشته می شود، موضوع از آنجا مسأله ساز می شود که مسیحیت بدون اعتقاد به ربانیت عیسی مسیح و حکمت مصلوب شدن او که برای آموزش گناهان از طرف تجلی خداوند در او مقرر شده است از محتوی خالی شده، از سودمندی خود تهی گشته و انجیل هم بی اعتبار خواهد شد. اما برداشت و پیام قرآن راجع به عیسی مسیح همان است که گفته شد.

* جایگاه محمد در قرآن

ایمان اسلامی به موارد زیر منحصر می شود:

— هیچ خدائی جزء الله وجود ندارد و محمد رسول او است (لاله الاالله و محمد رسول الله)
— محمد تنها رسول خدا نبوده بلکه او ختم نبوت و خاتم انبیاء است. پس از او رسولی نخواهد آمد و مکاشفه ای ظاهر نخواهد شد.

در عناوین زیر برخی از رخدادهای زندگی محمد به همراه **گناه شمار** این رویدادها آمده است.
۵۷۰ میلادی، محمد متولد می شود، قبل از تولد پدرش عبدالله بدرود حیات می گوید.

۵۷۶ میلادی، محمد مادر خود آمنه را در سن شش سالگی از دست می دهد و عبدالمطلب پدر بزرگش امر سرپرستی او را به عهده می گیرد، سپس ابوطالب عمویش عهده دار سرپرستی او می شود.

۵۷۹ میلادی، محمد برای اولین بار همراه کاروانی به سوریه سفر می کند، بنظر می رسد که او بین سنین ۹ تا ۱۲ سالگی است و در این سفر برای نخستین بار با اهل کتاب آشنا می شود.

۵۹۳ میلادی، محمد به عنوان کارواندار خدیجه یکی از زنان ثروتمند مکه به خدمت او در می آید و سپس بمعشرت با اهل کتاب سوریه تمایل نشان داده و با یک راهبه مسیحی بنام « بحیره » آشنا می شود در این موقع محمد ۲۳ سال سن دارد.

۵۹۵ میلادی، محمد در سن ۲۵ سالگی، او تبدیل به یک طلبه مذهبی شده و سپس با خدیجه ازدواج می کند، خدیجه در آن زمان ۴۰ سال سن داشته، پس از این ازدواج محمد از موقعیت احترام آمیزی در مراجعه مکه برخوردار می شود. در خلال این سالها محمد به زهد و روزه داری پرداخته و به تنهایی در تفکرات عمیق فرو می رود، او به یکتا پرستی اندیشیده، سوالاتی برایش مطرح می شود، که مثلاً چرا پدرش را که *عبدالله* نامیده می شده از دست داده و چرا او را هرگز ملاقات نکرده است و این الله کیست؟ *عبدالله خدمتگزار الله معنی می دهد*

۶۱۰ میلادی، در حالیکه او خارج مکه در غار حراء در حال زهد و پارسائی بوده و روزه دار است، حس می کند که جبرئیل او را در آغوش گرفته و از او سه بار می خواهد که بگوید: اقرأ « بخوان »، این اولین مکاشفه او محسوب می شود که ما آنرا کلام وحی می گوئیم، این وحی برای او بسیار مهیب بوده و او را می ترساند، به خانه می رود و برای همسرش خدیجه شرح حال را بازگو می کند، می لرزد، احساس سرما می کند در تاریکی فرو رفته، دچار تردید می شود که آیا این وحی از جانب خدا بوده است یا نه! اما خدیجه همسرش او را دلداری می دهد و به همراه پسر عموی خود « ورقابن نوفل » که مسیحی است محمد مُرَدَد را مجاب می کنند که او از طرف خداوند به پیامبری انتخاب و مبعوث شده است، پس از این ماجرا محمد به تبلیغ و نشر رسالت خود می پردازد ولی تعلیمات او مورد استقبال قرار

نگرفته بلکه با مقاومت شدید جامعه مکه مواجه می شود، سه سال طول می کشد تا پس از اولین مکاشفه ای که بر او ظاهر شده، بتدریج و به گونه ای ساده تر دیگر مکاشفات خود را به او آشکار سازند.

۶۱۶ میلادی، اولین گروه کوچک مسلمانان مکه مورد تعقیب و پیگرد قرار می گیرند، عده ای مجبور به فرار شده و به حبشه (اتیوپی کنونی) میگریزند.

۶۲۲ میلادی، این سال در « گاه شمار » مسلمانان نقطه عطف محسوب شده یا به عبارتی مبداء تقویم سال هجری محسوب می شود. در این سال است که بعثت پیگرد و فشار مسلمانان که در مکه آغاز شده، ۱۵۰ نفر از آنان به مدینه امروزی یا « یثرب » قدیم مهاجرت می کنند، و بدین ترتیب است که این سال مبداء تقویم مسلمانان قرار می گیرد، بسیاری از مردم مدینه از رسالت محمد استقبال کرده و او را به عنوان « رسول الله » می پذیرند، پس از آنکه محمد و مسلمانان همراه او در مدینه جای پای مستحکمی می یابند به * جنگ های * غارتگرانه* روی می آورند، آنها کاروانهای تجاری مسلح را مورد تعدی قرار داده طوایف بدوی را مورد هجوم قرار می دهند.

* (در کتاب اسلام شناسی شادروان دکتر علی شریعتی از این هجوم های غارتگرانه صدر اسلام به عنوان « سریه » نام برده می شود که بزعم دکتر شریعتی همان شیوه جنگ های چریکی است . م).

و از همه بیشتر طایفه قریش که رهبری مکه را به عهده داشته و خود شخص محمد نیز منسوب به همین طایفه است مورد دستبرد و چپاول واقع می شود و لاجرم همچنان دعوا و منازعه بین محمد و قبیله اش لاینحل باقی مانده و بدین ترتیب اسلام گسترش می یابد.

اکثریت قریب به اتفاق یهودیان مدینه رسالت محمد را به عنوان پیغمبر خدا نمی پذیرند، محمد پس از اینکه فقط دو سال از اقامتش در مدینه می گذرد به ناگهان تغییر روش می دهد، از این پس به او آیاتی نازل می شود که جهت قبیله مسلمین را از اورشلیم به سمت مکه تغییر دهد سپس در اسلام سوم هجری مطابق با ۶۲۴ میلادی، اولین قوم یهود را که بنی قینقاع نام دارند از مدینه به سوریه اخراج می کند، در سال چهارم هجری مصادف با « ۶۲۵ میلادی » دیگر طایفه قوم یهود که « بنی النضیر » است مورد غضب واقع شده و به ترک بلد « کوچ اجباری » مجبور گردیده و اموالشان مصادره می شود و بدین گونه جان سالم بدر می برند. آخرین قوم یهودی که « بنی قریظه » خوانده می شوند مورد نارواترین تعدیات قرار گرفته ۶۰۰ نفر از مردان این قوم کشته شده (گردن زده می شوند) و زنان و فرزندان آنها بردگی برده می شوند.

۶۳۰ میلادی، محمد با ده هزار مرد به مکه حمله می کند بدون مقاومت جدی تسلیم می شود همه بت های خانه کعبه شکسته شده و منهدم می گردند اما بسیاری از مراسم مذهبی قدیمی که در سفر به کعبه پیش از این رعایت می شد مورد امضاء و تصدیق محمد قرار گرفته و موقعیت او ب عنوان حاکم بلامنازع جزیره العرب تثبیت می شود.

۶۳۲ میلادی، محمد فوت می کند و در مدینه به خاک سپرده می شود.

اگر ما برای شناختن عمیق تر چهره و شخصیت شگفت محمد به قرآن مراجعه کنیم، مطالب فراوانی در این کتاب نی بینیم، پس برای اینکه بتوانیم سیای این مرد را با جزئیات آن کاملاً مورد شناسی قرار دهیم آنگاه مجبوریم به احادیث (سنت ها) مراجعه کنیم که دلالت بر گفتار و کردار محمد می کنند.

۱- مسلمانان باید از خدا و محمد اطاعت کنند

« در آن روز صورتهایشان بر آتش همی بگردد، گویند ای کاش ما خدا و رسول را اطاعت می کردیم. »
(سوره الاحزاب آیه ۶۶).

«..... و هر که خدا و رسول خدا را اطاعت کند، البته به سعادت خیر و روزی بزرگ نائل آمده است.» (سوره الاحزاب آیه ۷۱).

تفسیر:

در اسلام اطاعت مسلمانان فقط به خدا منحصر نمی شود بلکه باید رسول او یعنی محمد را هم اطاعت کرد، در موارد بسیاری قرآن به این نکته اشاره کرده و به مسلمانان توصیه می کند که خداوند و از رسول او اطاعت کنید برای اطلاع بیشتر به (سوره التور آیات ۵۱_۵۴/۵۰_۵۳) مراجعه کنید، بسیاری از مردم غرب از اینکه احادیث اسلامی به محمد شخصیتی مقتدر و خدا گونه می دهد شگفت زده می شوند، این احادیث از سخنان و اعمال محمد در عرصه ها و موقعیت های مختلف زندگی او گواهی می دهند. مسلمانان اقوال و کردار محمد را « سنت » می گویند، ارتباط احادیث با قرآن از آنجا روشن می شود که قرآن در موارد مختلف و به دفعات مکرر به مسلمانان گوشزد می کند که از محمد اطاعت کنند، اینجاست که جایگاه احادیث و اهمیت مراجعه به آنها بر جسته شده و اقتدار محمد کاملاً موجه و قابل فهم می گردد.

۲- محمد خاتم الانبیاست

« محمد پدر هیچ یک از مردان شما نیست او رسول خدا و خاتم الانبیاست. »

(سوره الاحزاب آیه ۴۰)

تفسیر:

اصطلاح « مُصَدِّق پیامبران یا برافراشته انبیاء » در اینجا به معنای اینست که محمد آخرین رسول خدا بوده و با آمدن او نبوت پیامبران خاتمه می یابد و از همین رو است که بر اساس اسلام قرآن آخرین کتاب (مکاشفه) خداوند محسوب می شود.

۳- محمد معجزاتی ظاهر ساخت

« و به خدا به سخت ترین سوگند قسم یاد کردند که البته اگر آیتی بیاید به آن ایمان آوردند، بگو ای پیامبر آیات از طرف خداست و شما نمیدانید و شما مومنان به گفته این کافران مطمئن می شوید که آنها همان مردم معاندند که اگر آیتی آید هرگز ایمان نمی آورند. »
(سوره الانعام آیه ۱۰۹).

تفسیر:

حقیقت آن است که از محمد معجزاتی صادر نمیشود و در قرآن در این مورد سخن بسیار می رود و محمد این حقیقت را هیچگاه پنهان نمی کند ولی به دفعات فراوان به « قرآن » اشاره می کند که معجزه خداوند است.

۴- قرآن معجزه محمد است

« هنوز می گویند چرا به او آیات و معجزاتی از جانب خدا ظاهر نشد، بگو آیات نزد خداست، من رسول هشدار دهنده هستم، جزء ترساندن خلق از خدا وظیفه ای ندارم، آیا اینان را معجزه کفایت نکرد که چنین کتاب بزرگ را ما بر تو فرستادیم و تو بر آنها تلاوت کردی. » (سوره العنکبوت ۴۹-۵۰).

تفسیر:

قرآن بر این نکته اصرار می ورزد که محمد معجزاتی بروز نداده ولی قرآن خود معجزه خداست.

۵- محمد دوبار جبرئیل را مشاهده کرد

« همان فرشته مقتدری که به صورت کامل جلوه کرد و آن رسول در افق اعلائی کمال بود آنگاه نزدیک آمد و با او بقدر دو کمان یا نزدیکتر از آن شد. »
(سوره النجم آیات ۶-۹).

تفسیر:

این آیات قرآن راجع به فرشته « مُقَرَّب » جبرئیل است. بر اساس « قرآن مقدس نوشته علی تفسیر شماره ۵۰۹۲ محمد فرشته خداوند « جبرئیل » را در دو موقعیت مختلف مشاهده می کند، یکبار به موقع برانگیخته شدن به نبوت و شروع رسالتش و مرتبه دوم سفر محمد از مکه به معبد اورشلیم است که با فاصله گرفتن از او همراه است. (معراج از مسجدالحرام به مسجدالاقصی! م.) به عنوان بعدی از همین سفر فصل نیز توجه شود!

۶- سفر شبانه محمد به اورشلیم « معراج »

« پاک و منزّه است خدائی که شبی بنده خود را از مسجدالحرام به مسجدالاقصی که پیرامونش را مبارک و پر نعمت ساخت و سیر داد و نام آیات خود را به او نماید که خداوند بیناست. »
(سوره ۱۷ الاسرا آیه اول).

تفسیر:

قرآن در این آیه به ما می گوید که محمد شبی از کعبه که در مکه قرار گرفته به معبد اورشلیم پرواز می کند بر اساس نوشته های یکی از مُحدّثان اسلامی « ابن اسحاق » از یکی از زنان محمد بنام عایشه چنین نقل میکند: در شب معراج جسم محمد در مکه به جای ماند « فقط معراج روحانی صورت پذیرفت. م » اما در قرآن شرح جزئیاتی راجع به اینکه محمد در این سیر و سفر ملکوتی به معبد اورشلیم چه مشاهده کرده و اینکه معبد چگونه دیده می شده است مطلبی وجود ندارد و به طور کلی مشخص نیست آیا محمد مطلع بوده که در آن روزگار از معبد اورشلیم جزء خرابه های آن برای مثال تنها دیوار « ندبه » به جای مانده یا نه؟

در احادیث مسلمانان بخش های مختلفی به معراج محمد اختصاص یافته است، یکی از داستانها می گوید: در این سفر محمد به همراه فرشته مقرب جبرئیل بر گرده حیوانی بنام بُراق سوار می شود!

در یکی از احادیث ابن اسحاق از کتاب « سیرت ابن هشام » به این موضوع اشاره ای رفته که محمد در این سفر به ابراهیم و موسی و عیسی برخورد در معبد اورشلیم آنها را ملاقات کرده و به پرستش الله دعوت می نماید، در این حدیث ذکری از مخروبه بودن معبد اورشلیم « مسجدالاقصی » بمیان نمی آید، باید گفت که در واقع اثری از آثار این معبد در سال ۶۰۰ میلادی وجود نداشته است!

در یکی از احادیث که بنام حدیث « قتاده » معروف است در کتاب مشکات المصابیح به آن استناد شده محمد به همراه جبرئیل و بُراق در هفت آسمان سیر و سیاحت کرده و پیامبران مختلف را زیارت می کند، بطوریکه در آسمان دوم یحیی تعمید دهنده و عیسی مسیح را ملاقات می کند و برای مثال جایگاه

ابراهیم در آسمان هفتم « عرش اعلاء » قرار داد، در ادامه سفر محمد و جبرئیل به باغی فرود می آیند که همان بهشت برین است و در این باغ آنها بگردش می پردازند (منابع اسلامی:

The Sources Of Islam, St Clair-Tisdall, T&T Clark, 1901, s76-78

و همچنین، مکتب اسلام و شیوه زندگی:

(Islam lära och livsmönster, Hjärpe, AWE\GEBERS, 1979, s44

۷- محمد متهم می شود که پیغمبری جعلی است

« ولیک این مردم نادان گفتند که سخن قرآن خواب و خیالی بی اساس است، بلی محمد شاعر بزرگی است که این کلمات را خود فرا یافته و گرنه مانند پیامبران گذشته آیت و معجزه ای برای ما بیاورد. »
(سوره ۲۱ الانبیاء آیه ۵).

تفسیر:

این آیه مشتی از نمونه خرواری است که در آن مردم محمد را متهم می کنند که قرآن ساخته و پرداخته خود اوست، همچنین مردم از او انتظار دارند چون انبیای گذشته معجزه ای بیاورد، از این نمونه ها در قرآن به وفور دیده می شود.

۸- محمد مانند سایر پیامبران متهم می شود

« هم هیچ رسولی بر ملت های پیشین نیامد جزء آنکه « او را تکذیب » گفتند او ساحر یا دیوانه است. »
(سوره ۵۱ الذیارات آیه ۵۲).

تفسیر:

محمد در این آیه به حقیقی اشاره می کند که چطور پیامبران گذشته از طرف معاصرین خود متهم می شدند، اینجا محمد خود را برنگ پیامبران پیشین در آورده و در مقابل مخالفان، خود را مظلوم نشان می دهد اما وقتی به قدرت می رسد، کسی یارای مخالفت با او را ندارد، او به مخالفین خود هشدار می دهد که اگر مقاومت کنند، به مجازات خواهند رسید.

۹- محمد اجازه یافت تا با همسران متعدد ازدواج کند

« ای پیامبر ما زنانی را که مهرشان را ادا کردی بر تو حلال کردیم و کنیزانی را که خداوند به غنیمت نصیب تو کرد و ملک تو شد و نیز دختران عمو و دختران عمه و دختر دای و دختر خاله که با تو از وطن هجرت کردند و نیز زنان مومنه ای که خود را به رسول بی شرط و مهر بخشند و رسول هم به نکاحش

مایل باشد که این حکم مخصوص است دون مومنان که با حکم زنان عقدی و کنیزان ملکی مومنان را « بیشتر » به علم خود بیان کردیم این زنان همه را که بر تو حلال کردیم و بدین سبب بود که بر وجود تو در امر نگاه هیچ خرج و زحمتی نباشد و خدا را بر بندگان رحمت و مغفرت بسیار است. »
(سورهٔ ۳۳ الاحزاب آیهٔ ۵۰).

تفسیر:

مسلمانان عادی اجازه یافته و مُحِق شدند که در آن واحد چهار همسر اختیار کنند اما از آنجائیکه محمد رسول خدا به شمار می رفت مختارگریده و اجازه یافت تا همسران متعدد ازدواج کرده و در این خصوص حدّ و مرزی را به سمیت نشناسد. زنانی که به عنوان غنائم جنگی به اسارت برده می شدند، بمثابه اسرای حرّبی به شمار می آمدند و صاحبان آنها بدون رعایت تشریفات ازدواج مالک آنها می شدند طبق آیهٔ مزبور (سورهٔ ۳۳ الاحزاب ۵۰/۱۵۰) این زنها کنیزان ملکی به شمار می آمدند (ما خود میدانیم که چه چیزی را برای آنها و همسران و کنیزانشان مقرر داشته ایم) و براساس تفسیر قرآن در دسترس غریبا آنها همان زنان برده محسوب می شوند.

و اما اصلاح قرآنی ماملکت یمینک « به معنای آنچه دست راست آنها مالک است » دال بر تصاحب و مالکیت زنان و کنیزان توسط مسلمانان است، این اصطلاح تصاحب و مال خود کردن در آیه های دیگر قرآن بطور مشخص و با شرح جزئیات وجود دارند و دلالت بر مالکیت غنائم جنگی می کنند که مسلمانان بلافاصله مالک بلامنازع آنها می شوند، این زنان که در جنگ بدست می آمدند در حقیقت تبدیل به کنیزان مردان مسلمان می شدند. در واقع سرنوشت تلخ و رسوا آمیزی در انتظار مخالفان محمد بود چون اگر توسط سپاه مسلمانان شکست می خوردند، رانانشان به اسارت رفته و به کنیزی در می آمدند.

شرح مُفَصَّل این واقهیت در مجموعهٔ احادیث که توسط مُحَدِّث البیضاوی نوشته شده مشروحاً مکتوب است. میزان ایمان: Blance Of Truth, The religious Tract. Society, 1901, S328

۱۰- ممنوع شدن ازدواج برای محمد

« ای رسول بعد از این « زنان » دیگر نه عقد هیچ زن بر تو حلال نیست و نه مُبدل کردن این زنان به زن دیگر هر چند از زیبایی او به شکفت آئی و بسیار در نظر زیبا آید مگر کنیزی که مالک شوی و خداوند بر هر چیز مراقب و نگهبان است. »
(سورهٔ ۳۳ الاحزاب آیهٔ ۵۲).

تفسیر:

این ممنوع شدن ازدواج سال ۶۲۹ میلادی مصادف با سال هفتم هجری اسلامی و درست زمانیکه محمد ۵۹ سال از عمرش می گذشته به او ابلاغ می شود، آن موقع محمد صاحب ۹ زن بوده (البته او مجموعاً ۱۱ زن در طول عمر خود اختیار می کند به علاوه ۲ زن دیگر در صیغه « مُتعه » او بوده اند) از افشای این حقیقت نمی توان طفره رفت که محمد با فراغ بال و آسودگی آزاد بوده تا زنهای متعددی از میان کنیزان خود اختیار کند، در واقع محمد از موقعیت خود سوء استفاده می کرده، نمونه آن کنیز مسیحی او « ماری » است که بعداً به صیغه او در می آید، رجوع شود به : (قرآن مقدس نوشته علی تفسیر ۳۷۵۴)

(The Holi Quran, Ali not 3754)

۱۱- محمد اجازه میابد تا خارج از نوبت عمل کند

« تو ای رسول هر یک از زنان را نوبتش موخر داری و هر که را خواهی بخود بپذیر و هم آنها از خود راندی اگر ش به مهر خواندی باز بر تو باکی نیست (این مختار مطلق بودن بر زنان) بهتر شادمانی دل و روشنی دیده آنهاست و هرگز هیچیک نباید محزون باشد بلکه به آنچه ایشان را عطا کردی همیشه خشنود باشد (سوره الاحزاب آیه ۵۱).

تفسیر:

از شیوه بیان این آیه چنین استنباط می شود که در میان زنان محمد گلایه و شکایت و ناراضی وجود داشته است، زیرا محمد نوبت رجوع به آنان را رعایت نمی کرده، این خارج از نوبت عمل کردن باعث گله و شکایت زنها شده بود و برای حل این مُعَصَل و خلاص شدن محمد، الله چاره کار را بصورت ساده ای و از طریق وحی به او اعلام می کند و خارج از نوبت عمل کردن محمد به این صورت مورد تأیید قرار می گیرد.

(او نزد هر کدام که تمایل دارد می خوابد م.)

۱۲- محمد اجازه یافت تا از قول و قرارهای سخت خود عدول کند

« ای پیغمبر گرامی برای چه آنها که خدا بر تو حلال فرمود، حرام کردی تا زنان را خشنود سازی، در صورتیکه خداوند آمرزنده و مهربان است، خدا حکم کرد برای شما که سوگندهای خود را به کفاره

نگشائید او مولای شما بندگان و حکمش نافذ است و هم او بر همه چیز عالم دانا به حکمت و امور خلق آگاه است. « (سوره ۶۶ التحريم آیات ۱-۲) .

تفسیر:

کاملاً آشکار است که محمد به ربان خود قولهای داده و اجرای این قول و قرارها برایش محنت زا و سنگین می شود، پس بوسیله آیه ای مشکل خود را حل می کند به بیان دیگر با توسل به آیه ای از قول و قرارهای مشکل آفرین عدول کرده و آنها را میشکند.

۱۳- محمد با همسر مُطلَقهٔ پسر خواندهٔ خود ازدواج می کند

« و چون تو به آن کس که خدایش نعمت اسلام بخشیده و تواس نعمت آزادی (زیدین حارث) به نصیحت گفתי برو زنی را نگهدار که همسر توست و از خدا بترس و طلاقش مده و آنچه در دل پنهان میداشتی خدا آشکار ساخت و تو از مخالفت و سرزنش خلق ترسیدی و خدا سزاوارتر بود بترسی پس ما هم « بدین غرض « چون زید از آن زن کام دل گرفت و طلاقش داد او را بنکاح تو در آوردیم. « (سوره ۳۳ الاحزاب آیه ۳۷) .

تفسیر:

براساس نوشته های دو شخصیت مشهور که یکی مترجم قرآن و دیگری مُحدَث است یعنی البیضاوی (جلد دوم صفحه ۱۲۹) . و الجلالان (تفسیر سوره ۳۳ الاحزاب آیه ۳۷) وقتی زینب برای پسر خواندهٔ محمد، یعنی زیدین حارث عقد می شود محمد مهر او را بدل میگیرد، این موضوع بر همه آشکار می شود که محمد دل به زینب بسته است. وقتی موضوع جدی می شود و مشکل پیش می آورد، محمد به زید پسر خواندهٔ خود توصیه کرده و نصیحت می کند که از خداوند بترسد همسرش را پیش خود نگه دارد، اما زید ترجیح می دهد که زن را طلاق دهد، در این اثنا خداوند محمد را مورد خطاب قرار می دهد تا با زن مُطلَقهٔ پسر خواندهٔ خود ازدواج کند، رجوع کنید: (میزان ایمان صفحه ۳۳۱)

(Balance Of Truth, Pfander, The Religious Tract Society, 1910, s331)

این اولین بار نبود که محمد در فضائی جنجالی و تناقض آمیز زنی را به همسری خود بر میگزیند، از این که بگذریم نمونهٔ دیگری وجود دارد، او با دختر ۷ سالهای بنام * عایشه * « ملقب به ام المومنین دختر ابوبکر، خلیفهٔ اول مسلمین پس از رحلت محمد است م. « ازدواج می کند و وقتی به سن ۹-۱۰ سالگی میرسد با او همبستر می شود، اینرا ما نمی گوئیم بلکه کسانی چون ابن هشام در جلد سوم کتاب خود « سیرت النبی - زندگی محمد « صفحه ۹۴ و ابن اطهر در جلد دوم کتاب خود صفحات

۱۱۷ و ۱۱۸ و مشکلات المصاحح در صفحات ۲۶۲، ۲۷۲ بتفصیل شرح داده اند ضمناً رجوع شود به: (میزان ایمان صفحه ۳۲۹)

(Of Truth, Pfander, Balance Religious Tract Society, 1910, s 329)

۱۴- تهدید به طلاق به علت غیبت و سخن چینی

« وقتی پیغمبر با بعضی از زنان خود سخنی براز گفت و آن زن آن سخن را افشا کرد، خداوند محمد را از این سخن چینی آگاه ساخت. » (سوره ۶۶ التحريم آیه ۳).

« امید است که اگر پیغمبر شما را طلاق داد، خدا زنان بهتر از شما بجایان با او همبستر کند. » (سوره ۶۶ التحريم آیه ۵).

تفسیر:

آشکار است که یکی از زنان محمد از تازه ترین رازی پرده بر میدارد و حکایتی را برای مردم تعریف می کند و بنظر می رسد که عده کثیری علاقمند بودند تا به این حکایت و سخن چینی که راجع به محمد است گوش بسپارند، اما خداوند با محمد به سخن در می آید و می گوید: به زنان خود بگو و آنها را برای این عمل (سخن چینی) به طلاق تهدید کن ضمناً الله تهدید دیگری علیه همسران بکار می برد و به آنها اخطار می دهد که اگر مواظب رفتار و گفتار خود نباشند به محمد زنان بهتری پیشنهاد خواهد کرد.

۱۵- با صدای آهسته و آرام حرف بزنیید تا به شما برکت داده شود

« ای اهل ایمان با پیامبران با صدای بلند سخن نگوئید و همیشه با پیغمبر با ادب سخن بگوئید و آنان که نزد رسول خدا با صدای آهسته و آرام سخن می گویند، آنها هستند که در حقیقت دلپایان را خدا برای مقام رفیع تقوا آزموده، بر آنان آمرزش و اجرا عظیم نصیحت فرموده است. » (سوره ۴۹ الحجرات آیات ۲-۳).

تفسیر:

به نظر میرسد برخی افراد با محمد با صدای بلند و غیر متعارف حرف میزدند و موجبات آزردهگی او را فراهم می آورده اند، در اینجا الله به کمک او می آید و آیاتی نازل کرده و بکسانیکه با محمد صحبت می کنند سفارش می کند تا بانگ خود را پائین آورده و آرامتر از صدای رسول با او اختلاط کنند در غیر اینصورت، توبه اشان مورد قبول واقع نشده و به آنها پاداشی داده نخواهد شد.

۱۶- کسی اجازه نمی یابد مدت طولانی نزد محمد بماند

« ای کسانی که به خدا ایمان آوردید بر خانه های پیغمبر داخل نشوید مگر آنکه اذن دهد و بر سفره طعامش دعوت کند در آن عالم هم نباید زودتر از وقت آمده بلکه موقعی که دعوت شده اید بیائید که این کار پیامبر را آزار می دهد و او به شما از شرم اظهار نمی دارد ولی خدا را بر شما از اظهار حق خجالتی نیست. » (سوره الاحزاب آیه ۵۳).

تفسیر:

کاملاً واضح و آشکار است که محمد از آمد و شد افراد به منزلش آزرد می شده، به خصوص کسانی که می آمدند و مدتی درنگ می کردند (تا غذا حاضر شود تا محمد آنها را دعوت کند. م) و چون محمد بغلت شرم حضور نمی توانست دست رد بسینه آیتی مراجعین خانه محمد را منع می کند که داخل نشوند مگر به اذن و اجازه صاحبخانه!

۱۷- اقوام یهودی که از مدینه به تبعید مجبور شدند

« کافران اهل کتاب را برای اولین بار همگی را از دیارشان بیرون کرده و هرگز شما مسلمانان گمان نمی کردید که آنها به امر رسول بیرون روند..... » (سوره الحشر آیه ۲).

« و اگر خدا بر آنها حکم جلای وطن نمیکرد، سخت تر از آن آنها را تنبیه می نمود، بهر حال عذاب آتش دوزخ در آخرت بر آنها خواهد بود، این آوارگی آنها از وطن برای این بود که آنان با خدا و رسول سخت مخالفت می کردند. » (سوره الحشر آیات ۳-۴)

تفسیر:

در این تبعید و آوارگی قوم بسیار ثروتمند یهودی که « بنی النضیر » خوانده می شد در سال چهارم هجری مصادف با 626 میلادی از مدینه اخراج می شود، باید گفت این قوم یهودی از اینکه جال سالم بدر برده و مورد تنبیه واقع نشده بود میبایستی خود را سهادتمند احساس کرده باشد، زیرا آنچه بر سر آخرین قوم یهود یعنی « بنی قریظه » آمد بسیار متفاوت بود، بر اساس منابع اسلامی در سال پنجم هجری 600 تا 700 نفر از مردان این قوم گردن زده شده، زنان و کودکان آنها همگی به اسارت در آمدند، رجوع کنید به: (سیرت الرسول بخش دوم صفحات 75 و 148 و همچنین کتاب المقاضی واقدی صفحات 125 و 126 میزان ایمان:

(Balance Of Truth, pfander, The Religious Tract Society, 1910, s332-333)

و همچنین اسلام و شیوه زندگی:

(Islams lära och livsmönster, Hjärpe , AWE\GEBERS, 1979, s53)

۱۸- محمد مسئول و تصمیم گیر غنائم مصادره شده از یهودها می شود

« از آنچه رسول خدا به شما می دهد بگیریید و از آنچه شما را منع می کند دوری جوئید و از خدا بترسید که خداوند در تنبیه شما سختگیر است. » (سورهٔ الحشر آیهٔ ۷).

تفسیر:

قوم ثروتمند یهودی بنی النضیر مالک مزارعی مُشجر و آباد با خانه هائی مجاور و با درختان میوه در خارج از مدینه بودند که فدک نام داشت محمد پس از اخراج این قوم مزرعه آنها را بِنفع خود و خانواده مصادره می کند، در عوض این قبیله از مدینه اخراج شده و جان سالم بدر می برد. محمد صاحب این ثروت می شود، پس از فوت او مزرعه فدک به دخترش فاطمه می رسد، اما خلیفهٔ اول ابوبکر بر طبق حدیثی که فقط خود شنیده بود فاطمه را از تملک مزرعه فدک منع کرده و می گوید: طبق حدیث به فرزند پیغمبر ارثی نمی رسد، از اینرو **فاطمه** از ارث محروم شده و ابوبکر مزرعه فدک را صاحب شده و به تملک خود در می آورد ولی این مزرعه که از قومی متمول غارت شده بود تا سالها موضوع منازعه و دعوای طایفه ای و عشیره ای مسلمانان واقع می شود.

رجوع کنید به: (تهج البلاغه رضا _ تاریخ ترسیل قرآن چاپ ۱۹۷۸ صفحات ۵۱۷ _ ۵۲۹).

(Nahjul Balagah, Reza, Tarike Tarsile Qur an Inc, 1978 s 517—529)

محمد چنین فرض کرده بود که قسمت عمدهٔ غنائم از طایفهٔ « بنی النضیر » را بِنفع خود مصادره خواهد کرد و بهمین خاطر بود که الله دستورالعملی فرستاد که بر طبق آن باید سایر مسلمانان از حصه و سهمی که از غنائم دریافت داشته بودند راضی و خشنود باشند، ناله و شکایت ثمری نداشت چون خداوند در تنبیه ناراضیان سختگیر است. (آنچه البته بجائی نرسد فریاد است. م).

نتیجه گیری:

پس از اینهمه شرح و تفصیلات نمی توان از وجود مطلبی چشم پوشی کرد و آن اینست که چگونه محمد از موقعیت بر جستهٔ خود سوء استفاده می کند! وقتی آیات قرآن را مورد بررسی قرار می دهیم به این نتیجه می رسیم که بخش های عمده ای از مکاشفات و آیات آن برای حلّ مسائل شخصی محمد و درست در زمانی نازل شده اند که او نیازمند چیزی است یا قصدش گرفتن و دریافت امتیازی بوده است.

از آنجائیکه این آیات دلالت بر حلّ مشکلات شخصی محمد می کنند، بنابراین به سختی می توان باور کرد که این آیات جاودانی بوده و یا از روز ازل پیش از آنکه خداوند جهان را خلق کند وجود داشته اند!

مناسبات عجیب و ظالمانه ای که محمد با زنان خود داشته، چنان جبارانه تنظیم شده بود که لاجرم تصویر خارق العاده ای از مردی بدست می دهد که خود را رسول خدا می نامید!

*پایه و اساس ایمان در اسلام!

در قرآن تعالیم عمده ای وجود دارد که اهمیت و برجستگی خود را از دیگر تعالیم متمایز می سازند، طبیعتاً این تعالیم، اخیراً به صورت طبقه بندی شده ای در آمده و مکتبی را عرضه کرده اند که همان اسلام است، به منظور اجتناب از چند باره کاری اجالتاً بخشی از این آموزشها را رها کرده و به تعالیمی میپردازیم که یک مسلمان مومن باید به آنها مجهز باشد، همچنین به ذکر تعالیم مهمی میپردازیم که در قرآن برجسته اند به عنوان مثال هیچ خدائی جزء الله وجود ندارد (لا اله الا الله)!

۱- مراتب تعلیمات ایمانداری.

«....لکن نیکوکار کسی است که به خدای عالم و روز قیامت و فرشتگان آسمانی و پیامبران ایمان آورند.»
(سوره ۲ البقره آیه ۱۷۲).

تفسیر:

در این آیه ۵ نمونه اصلی از ۶ عنوان مراتب ایمانداری در قرآن وجود دارد.

۱- الله «تتها خدای یگانه»

۲- فرشتگان - فرشتگان مقرب (میکائیل و جبرئیل) و فرشتگان اسفل «دون مرتبه» و جن ها.

۳- کتابهای آسمانی، تورات (پیدایش، خروج، لاویان، اعداد و تثنیه که به نام ۵ کتاب موسی معروفند) - زبور یا (مزامیر، که همان سرودهای داود است) - انجیل و قرآن، البته قرآن براین باور است که تورات، زبور و انجیل جعل شده اند و ملغمه ای مشحون از شبه حقایق و دروغ پردازی ها هستند و این فقط قرآن است که کتابی حقیقی است.

۴- پیامبران- اعتقاد به تمامی پیامبرانی که در کتاب مقدس وجود دارد به علاوه تعدادی دیگر و سرانجام محمد به عنوان خاتم الانبیا.

۵- تقدیر مکتوب - آنچه از طرف خداوند از پیش مقرر و نوشته شده است که ما آن را در اینجا تقدیر یا قسمت و سرنوشت ترجمه می کنیم (بقول حافظ:

چو قسمت ازلی بی

حضور ما کردند
گر اندکی نه بوفق رضاست خرده مگیر. م.)

۶- معاد (روز قیامت) بر اساس اعمال خوب یا نکوهیدای که بندگان انجام داده اند به حسابشان رسیدگی شده و بهشتی یا جهنمی بودنشان تعیین خواهد شد.

۲- موضوع توحید

« ای رسول بگو خدای یکتاست و جاودانی است نه فرزندی دارد و نه فرزند کسی است و نه هیچکس همتای اوست. » (سوره ۱۱۲ الأَخْلَاص آیات ۱ _ ۴).

تفسیر:

هیچ تعلیمی مهمتر و برجسته تر از عنوان **توحید** در قرآن وجود ندارد، اینکه خداوند یکی است و شریک و مانندی ندارد، یکی از ارکان دین اسلام است « لا اله الا الله » از بزرگترین گناهان در اسلام این است که برای خداوند یکتا شریکی قائل شویم، کسانی که این گونه می اندیشند و برای خدا شریک می تراشند مُشْرک نامیده می شوند. م (در اسلام ارتکاب به این گناه « شِرک » گفته می شود مکتب اسلام و شیوه زندگی:

(Islam lära och livsmönster , Hjärpe, AWE/GEBERS, 1979, s 11)

، باید به این نکته اشاره کنیم که از نظر اسلام تعالیم مسیح شرک گونه است و کسانی که به تثلیث « ترکیب سه گانه خدا: پدر ، پسر و روح القدس » معتقدند **مُشْرک** محسوب می شوند، زیرا با تعالیم اسلام که خدا را فقط یکی می داند در تضاد قرار می گیرد!

۳- خداوند پسری ندارد

« بگو ستایش خدایی را که نه فرزندی و نه شریکی در اقتدار خود دارد. »
(سوره ۱۷ آلأسری آیه ۱۱۱).

تفسیر:

قرآن مُنکر این است که خداوند پسری دارد، در قرآن **تثلیث** مسیحیت به صورت پدر- مریم « مادر » و عیسی « پسر » آمده است، این شیوه نگرش نسبت به چگونگی پیدایش پسر در قرآن برداشتی فیزیکی است نه یک برداشت روحانی!

۴- ۹۹ نام نیکو برای الله

« اوست خدای یکتا که غیر از او خدائی نیست که دانای نهان و آشکار عالم است و بخشنده و مهربان است، اوست خدای یکتائی که غیر از او خدائی نیست، سلطان مقتدر عالم، پاک از هر نقص و آلیش،

منزه از هر عیب و ناشایست، ایمنی بخش، غالب و قاهر بر همه آفریدگار عالم، پدید آورنده جهان و جهانیان، نگارنده صورت خلقها، او را نامهای نیکو است، اوست آفریدگار یکتا، خدای مقتدر و حکیم! « (سوره ۵۹ الحشر آیات ۲۲-۲۴).

تفسیر:

ما بمثابه یک مسیحی متوجه می شویم که تمامی این اسامی و عناوینی که در قرآن وجود دارد بواقع شایسته نامهای خداست که اساساً در کتاب مقدس نیز هست در حقیقت اینها القاب نیکویی هستند که در کتاب مقدس از آنها نام برده شده است تنها اسمی که قرآن از آن نامی نبرده همان «عشق» است، این نامها که در قرآن آمده اند القاب توصیفی هستند که در کتاب مقدس این مجموعه اسامی در عبارت «عشق» توصیف شده است به عبارتی دیگر عشق نامی فراگیر برای خداوند است.

اصطلاح او «شایسته» اعلی ترین نامهاست (لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى) او شایسته نامهای نیکوست بر اساس جدول ضرب $3 \times 11 \times 3$ در قرآن آمده که حاصل $3 \times 11 = 33$ را در بر دارد و $33 \times 3 = 99$ که شامل ۹۹ نام نیکوی مختص خداوند است. برای دسترسی به نامهای نیک خدا به کتاب مکتب اسلام و شیوه زندگی:

(Islam Lära och livsmönster, Härpe, AWE/GEBERS, 1979, S 14)

مراجعه فرمائید.

نتیجه گیری:

همانطور که قبلاً گفته شد این ۶ عنوان (الله، فرشتگان، کتاب آسمانی، پیامبران، تقدیر و معاد) پایه و اساس تعالیم ایمانداری را در مکتب اسلام تشکیل میدهند که به آن «دین» گفته می شود که در فصل بعدی شرح خواهم داد.

*پایه های پنجگانه دین اسلام «ستونهای اصلی دین»

این ستونهای پنجگانه نشان می دهند که چگونه خدا می خواهد که مسلمانان اعتقاد و ایمان خود را عملی سازند، در واقع اسلام و احکام آن رابطه بین شخص مسلمان و خداوند است، البته این ارتباط یک رابطه مشروط است که در آن شخص مومن باید احکام و اقوالی که خداوند تعیین کرده است بجا آورد تا خداوند در عوض حاجات او را بر آورده سازد.

ستونهای پنجگانه اسلام به ترتیب است:

۱- شهادت

« وجه جمع شهادتین معنا را بهتر مستفاد می کند و شایسته بود، نویسنده محترم از این شکل کلمه استفاده می کرد. »

« و خدای شما خدای یکتاست » (سوره ۲ البقره آیه ۱۵۸).

تفسیر:

یک مسلمان باید به ترتیب به این موارد شهادت دهد:

۱- تنها یک خدا وجود دارد و او الله است و محمد رسول خداست. (أشهدُ الأَلةَ الأَلةَ و أشهدُ أنْ مُحَمَّدٌ رَسولُ اللهِ) موضوعی که عجیب است آن است که این « شهادتین » در متن قرآن بطور دقیق و منظم نیامده است، در صورتیکه از مساجد و بهنگام اقامه نمازهای پنج گانه « یومیّه » در ضمن ادای اذان و اقامه عبارات فوق ذکر می شوند!

۲- نمازهای یومیّه « روزانه »

« و نماز را در دو طرف (صبح و ظهر) بپا دارید و نیز در ساعات تاریکی شب. »

(سوره ۱۱ هود آیه ۱۱۴).

« ای اهل ایمان هرگز با حال مستی به نماز نیائید، بدانید چه می گوئید و چه می کنید، نه در حال مسافرت و یا جنابت (نزدیکی زن و شوهر) ». (سوره ۶۲ الجمعة آیه ۹)

تفسیر:

بهرحال در هیچ کجای قرآن آیه ای وجود ندارد که دلالت بر این کند که یک مسلمان باید ۵ بار نماز روزانه بپا دارد، باید اشاره کرد که این قضیه حتی در سوره هود آیات ۱۱۴/۱۱۶ وجود ندارد رجوع کنید: (قرآن مقدس نوشته علی تفسیرهای ۱۶۱۶ و ۱۶۱۷)

(The Holy Qran Ali, not 1616,1617). ضمناً باید اضافه کرد، قبل از نماز میبایستی وضو

گرفت و اذان و اقامه بپا داست و از نوشیدن مشروبات الکلی قبل از پیداشتن نماز احتراز نمود، همچنین باید تذکر داد که مهمترین نماز همان نماز ظهر جمعه بوده که روز مقدس و تعطیل مسلمان که همان آدینه است برگزار می شود.

۳- روزه.

«...روزهائی بشمار معین روزه دارید و هر کس از شما مریض یا مسافر باشد بشاره آن روزها غیر از ماه رمضان روزه دارد و کسانی که روزه را به زحمت و مشقت بپا میدارند در عوض صدقه دهند آنقدر که فقیر گرسنه سیر شود.» (سوره البقره آیه ۱۸۳).

تفسیر:

ماه **رمضان** ماه روزه داری مسلمین است، روزه از ابتدای طلوع خورشید شروع شده و هنگام غروب آفتاب پایان میابد، شخص روزه دار باید از خوردن و آشامیدن بطور کلی پرهیز کند، اصولاً اسلام دینی است که اساس آنرا اعمال نیک تشکیل میدهد یک مسلمان روزه را بمثابة عملی عبادی میدانند که در آن تلاش می شود که شخص مسلمان در ازای آن به پاداش بهشت نائل آید.

۴- ذکات.

« نماز بپا دارید و ذکات بدهید و با خدا پرستان حق را پرستش کنید، چگونه شما که مردم را به نیکوکاری فرمان می دهید.» (سوره البقره آیه ۴۰).

« مصرف ذکات برای اینگونه امور است فقیران، عاجزان، برای تالیف قلوب (ترویج و تبلیغ گرویدن بیگانگان به اسلام)، آزادی بندگان، قرضداران، در راه خدا (فی سبیل الله)، در راه ماندگان و در آخر مُتصدیان صدقات.» (سوره ۹ التوبه آیه ۶۰).

تفسیر:

در بسیاری از آیات قرآن مسلمانان به دادن صدقه به افراد مستمند تشویق می شوند زیرا در دینای اسلام (دارالسلام) هیچ فقری نباید وجود داشته باشد، همین تشویق به صدقه دادن باعث شده که در بسیاری از کشورهای مسلمان مستمندان و گدایان نسبتاً به حدّ وفور وجود داشته باشند. از همه شگفت انگیز تر این است که دادن *صدقه یا ذکات به آنهایی تعلق می گیرد که در خطر ارتداد قرار داشته یا تازه به اسلام گرویده اند، (ارتداد= عوض کردن دین). ذکات همچنین در « راه خدا صرف شده »، یا در اختیار کسانی قرار می گیرد که به عمر ترویج و تبلیغ دین مشغول بوده و یا بگونه ای در خدمت مصالح اسلام قرار گرفته اند!

* (تا صدقه رفع بلا می کند ملت ایران تولید گدا می کند) فرخی یزدی . م .

۵- سفر حج

« همه اعمال حج را برای خدا به پایان رسانید.» (سوره البقره آیه ۱۹۲).

تفسیر:

بر هر فرد مسلمان واجب است چنانچه برایش امکانات میسر است، برای یکبار هم که شده در طول عمر خود به مکه سفر کرده و مراسم حج را به جا آورد. باید متذکر شویم، مراسمی که امروزه مسلمانان به عنوان اعمال فریضیه حج انجام می دهند. در واقع تقلید همان آئینی است که ستاره پرستان (sabaeiska religion) در دوران پیش از اسلام انجام می دادند اجرای مراسم را محمد پس از فتح مکه امضاء کرده و تصدیق می کند، رجوع کنید به: میزان ایمان،

Balance of Truth, Pfander, The Religious Tract Society, 1910, s 296

سفر حج بدین منظور صورت می گیرد که در این سفر او پاک داد! حج عمره همان حج کوتاه مدت است و با حج واجب تفاوت دارد وجه تمایز آنها اینست که شخصی که به نیت حج عمره به مکه عزیمت می کند لازم نیست تمام آداب و مراسم حج واجب را انجام دهد.

نتیجه گیری:

اسلام دینی است که بر اساس ایمان و اعمال نیک استوار است، مسلمان اعمال پنجگانه را به عنوان اساس دین با شرائط و قول و قراردادهائی که با خدا بسته است عمل کند باید به امیدوار باشد که خداوند در حق او در روز داوری با رحم و شفقت داوری کرده و لطف بیدریغ خود را به او ارزانی داشته و بهشت را نصیب او خواهد کرد، اما اگر شخص مسلمان نتواند از عهده تمامی آئینها و احکامی که اسلام تعیین کرده است برآید، به دوزخ سقوط کرده و جهنمی خواهد شد، اما تمام این امور در دستان پر قدرت و پر مهر و خدای یگانه قرار داشته و اوست که مشخص می کند چه کسی بهشتی بوده و چه کسی جهنمی است، البته روز محشر محمد ناظر است و به صورت شفیع عمل کرده و شفاعت مسلمین را خواهد کرد! بنابراین حتی اگر مسلمانی که به تمام احکام و واجبات عمل نکرده باشد، با این وجود می تواند همچنان امیدوار باشد که لطف پروردگار شامل حالش شده و وارد بهشت خواهد شد!

*محکومیت و بخشش (محکومیت و عذاب – رحم و شفقت)

یکی از برجسته ترین موضوعات قرآن داوری است از آنجائیکه بر اساس قرآن عیسی مسیح هرگز نمرده است پس چنین استنباط می شود که او گناهان ما را بخشیده و راه رستگاری را هموار ساخته است، پس مفهوم حساب و کتاب و داوری و بخششی که اسلام هست مترادف آن در مسیحیت وجود ندارد، در اینجا قرآن و انجیل « عهد جدید » را خود را از یکدیگر جدا می کنند.

۱- دو فرشته اعمال انسان را می نویسند

« چون و ملک » فرشته « مامور نگارش خیر و شر از سمت راست و چپ به مراقب نشسته اند. »
(سوره ۵۰ قاف آیه ۱۶).

برابر نظر اسلام، همراه دو فرشته مراقب، اعمال انسانها را نظارت می کنند یکی از آنها بر شانه راست نشسته و ناظر اعمال نیک و دیگری که بر شانه چپ قرار گرفته مراقب کردار نکوهیده آدمی است و در روز جزاء (یوم الحساب) وقتی انسان نامه اعمال خود را ارائه می دهد آن دو فرشته حاضر و ناظر بوده و از اعمال بد و خوب گواهی می دهند، اعمال خوب و بد در کفه ترازو سنجیده شده، اگر کفه راست سنگین باشد شخص به بهشت می رود و در صورتیکه کفه چپ که گناهان انسان در آن قرار دارد سنگین تر باشد، شخص به جهنم خواهد رفت البته در این صحنه اراده « الله » و رحمت و فیض او شامل حال مسلمین شده و با مسلمانان با بخشش و شفقت دآوری خواهد کرد، ضمناً محمد در روز جزاء به عنوان شفاعت کننده به نفع مسلمانان حضور پیدا کرده و کوشش می کند تا مسلمانان بیشتری داخل بهشت شوند.

۲- تمام اعمال بشر نوشته می شود

« و هر عملی که کردند در کتب ثبت شد و هر امر کوچک و بزرگ نگاشته است. »
(سوره القمر آیات ۵۲-۵۳).

تفسیر:

این آیات نشان می دهند که تمامی اعمال نیک و بد نوشته شده و فرشته هائی که بر شانه آدمی نشسته اند تمامی اعمال نیک و بد او را می نگارند!

۳- انسان به تقدیر محتوم خود زنجیر شده است

« ما مقدرات و نتیجه اعمال نیک و بد هر انسانی را طوق گردن ساختیم (که ملازم و قرین همیشگی او باشد و روز قیامت کتابی که (نامه اعمال اوست) بر او بیرون آریم و در حالیکه آن نامه چنان باز باشد که همه اوراق آنرا یک مرتبه ملاحظه کند. » (سوره ۱۷ الأسری آیه ۱۴).

تفسیر:

هیچکس از تقدیر خود خلاصی ندارد، آنچه انجام داده طوقی است به گردن او و روز قیامت (داوری) این لوح که به گردنش زنجیر است لوحی تعیین کننده خواهد بود.

۴- ترازو بهشتی یا جهنمی بودن را تعیین می کند

« پس آنرو عمل هر کس را در میزان حق وزنی باشد در بهشت آسایش و زندگی خویش خواهد بود و عمل هر کس سبک وزن باشد جایگاهش در قعر جهنم است و چگونه سختی ها را تصور خواهی کرد و بهمان آتش سوزنده و گدازنده است. » (سوره ۱۰۱ القارعه آیات ۶-۱۱).

تفسیر:

روز قیامت (داوری) اعمال انسانها در دو کفه ترازو قرار می گیرد و نسبت به سنگینی و سبکی اعمال خیر و شر، انسانها یا در بهشت جای خواهند گرفت و یا به دوزخ سقوط خواهند کرد.

۵- اگر قرار باشد عدل الهی حکمفرما شود همه هلاک خواهند شد

« و اگر خدا از ظلم و ستمگری خلق انتقام نکشد جنبنده ای در زمین نخواهد گذاشت و از راه لطف بتأخیر می افکند تا زمان معینی ولی آنگاه که اجل به آنها رسید دیگر یک لحظه مُقدم و موخر نخواهد شد. » (سوره ۱۶ النحل آیه ۶۳).

تفسیر:

فقط بعلت رحم و شفقت خداست که مردم هنوز بر روی ارض مسکون « کره خاکی » زندگی می کنند در غیر این صورت جنبنده ای وجود نخواهد داشت، اگر قرار باشد خداوند هر انسانی را بخاطر گناهانش مجازات کند، نسل انسان پیش از این برفکنده می شد، این آیه قرآن مشابه تعبیر **کتاب مقدس** است که چگونه انسان ذات ارتکاب به گناه را بطور طبیعی از آدم پدر اولیّه به ارث می برد و از این روست که انسان مرتکب گناه می شود!

اما قرآن در مقایسه به **کتاب مقدس** تعبیری بسیار متفاوت راجع به گناه بدست می دهد، بر اساس آموزش قرآن خداوند انسان را ضعیف آفریده و بدین علت است که گناه می کند، در صورتیکه تعالیم **کتاب مقدس** بخوبی به ما نشان می دهد که ما خصیصه گناه را از والدین اولیّه خویش یعنی آدم و حوا به ارث برده ایم اگر به سوره ۴ النساء آیات ۲۸/۳۲ مراجعه کنیم، چنین می بینیم: « خدا می خواهد بر شما بازگشت برحمت و آمرزش فرماید و مردم هوسباز و پیرو شهوت می خواهند که شما از راه حق و رحمت خدا بسیار دور و منحرف گردید. خدا می خواهد کار را بر شما آسان کند چه انسان ضعیف خلق شده است. »).

۶- وزن یک کار نیک برابر ده عمل ناپسند است

« هر کس کار نیکو کند او بر ده برابر از آن پاداش خواهد بود، هر کس کار زشت کند جز بقدر آن کار زشت مجازات نشود. » (سوره ۶ الأنعام آیه ۱۶۱).

تفسیر:

انسان خطا کار و زیانکار است و گرایش به گناه دارد تا ثواب، این مُعَصَل انسانی چنین حل می شود که برابر یک کار خوب ده کار زشت خط می خورد، به بیانی دیگر اگر آدم یک کار نیک انجام دهد و در عوض ده کار زشت مرتکب شود ترازنامه اعمالش صفر است، ضمناً اسلام یاد آوری می کند که بعضی از کارهای پسندیده نظیر سفر حج و روزه داری ثوابشان از کارهای نیک معمولی به مراتب بیشتر است. از اینجا راه قرآن و کتاب مقدس از یکدیگر سوا می شود چه کلام انجیل می گوید، « کسی که از آن مسیح می گردد تبدیل به شخص جدیدی می شود او دیگر انسان قبلی نیست او زندگی کاملاً تازه ای را آغاز کرده است، زیرا خداوند بار گناهان ما را بر دوش مسیح بی گناه گذاشت تا ما به عنوان پیروان او آنطور که مورد پسند خداست نیکو و عادل شویم. » (رساله دوم قرنطیان باب ۵ آیات ۱۷-۲۱).

۷- خدا کسی را که بسویش بازگشت کند می بخشد (راه توبه گشوده است).

«.....گناهان آنان که توبه کرده و راه رضای تو را پیودند با علم و رحمت ببخش، پروردگارا آنها را ببخش و از عذاب دوزخ محفوظ دار، پروردگارا تو آنها را در بهشت عدنی که وعده فرمودی واصل گردان.....» (سوره ۴۰ المومن آیات ۷-۸).

تفسیر:

اینها نمونه هائی از استغاثه ها و اذکاری هستند که مسلمین با ذکر آنها انتظار دارند تا محمد روز داوری برای آنها شفاعت کرده و از خداوند طلب گذشت و مغفرت کند، قرآن از بخشش و رحمت برای کسانی که بجانب خدا باز می گردند سخن می گوید اما قول موثق و مطمئن نمیدهد!

به نظر می رسد شبیه این آیات در کتاب مقدس هم میبایستی وجود داشته باشد، عیسی مسیح از پسر گمشده ای سخن میراند که به خداوند ایمان آورده، از کردار پیشین خود دست برداشته و از خداوند طلب بخشایش می کند (انجیل لوقا باب ۱۵ آیات ۱۱-۲۳).

بر اساس برداشت کتاب مقدس ایمان آوردن و رویگردان شدن از پیشینه خود همان مسئولیت پذیری در مقابل خداوند است. اما تفاوت گفته های انجیل و قرآن دو تاست، اول آنکه انسان به چه ایمان بیاورد و مطلب دوم آن است در مقابل این ایمان، خداوند چگونه عمل می کند، طبق کتاب مقدس

خداوند از طریق مصلوب شدن مسیح بار گناهان و معصیت تمام دنیا را به جان می خرد، خداوند با این کار همه گناهان انسانها را می بخشاید و مسیر نجات و توبه را برای ایمانداران هموار می کند، این رحمت و فیض خداوندی که بخشش گناهان را از طریق مرگ مسیح به انسان اعطاء می کند راه توبه و نجات را باز گشوده که اساس ایمان مسیحیت را تشکیل میدهد، در اسلام ابداً وجود ندارد!

۸- خداوند جهنم را ملامت خواهد کرد

«.....و اگر با مشیت ازلی می خواستیم هر نفسی را به کمال هدایتش میرسانیم ولیکن وعده حق و حمیتی من است که دوزخ را از جن و انس پر سازم.» (سوره ۳۲ السجده آیه ۱۳).

تفسیر:

طبق قرآن جهنم پر از جن و انس (انسان) خواهد شد، برای تعبیر و تفسیر «همه را از جن و انس پر می سازم» باید قدری درنگ و تأمل کرد.

۹- در جهنم از بخشش خبری نیست

«اینک اگر صبر و تحمل کنند جای در آتش دارند و اگر فریاد بیتابی کنند فریادرس و دادخواهی نخواهند یافت.» (سوره 41 فصلت آیه 23).

تفسیر:

بر اساس قرآن هیچ گونه رحم و بخشش برای کسی که به دوزخ افتاده وجود ندارد، رجوع کنید به سوره 72 الجن آیات 23/24 اگر کسی خدا و رسول او را اطاعت نکند عذاب آتش در انتظار اوست که عذابی دائمی است، البته حتی در کتاب مقدس وعده عذاب و عقوبت دائمی وجود دارد!

نتیجه گیری:

برابر روایات قرآن انسان بدان خاطر مرتکب گناه می شود که ضعیف است نه بدان خاطر که حضرت آدم مرتکب گناه شده و او لاجرم این خصلت را از پدر خویش به ارث برده است، بر طبق تعالیم قرآن، انسان ذاتاً گناهکار زاده نشده و به این موضوع ابداً اعتنائی ندارد که خداوند با گناهان تمام نسل های انسان را بدوش گرفته است بلکه می گوید انسان قابلیت آنرا دارد تا از خدا و رسولش همچنانکه خداوند انتظار دارد اطاعت کرده و از این طریق سعادت مند شده و راه بهشت را برای خود هموار سازد!

در قرآن سخنان فراوانی راجع به روزی «داوری» وجود دارد، اساس این داوری را به ترتیب اعمال نیک و ناپسند انسان تعیین می کند، اگر انسان به خداوند روی آورده و طلب بخشش کند خداوند

گناهان او را طوری که خود می خواهد خواهد بخشید، اما این رستگاری و بخشش قولی حتمی نبوده و انسان نمی تواند از آن مطمئن باشد!

اما بر اساس **کتاب مقدس** خداوند به انسان قول قابل اعتمادی می دهد، به انسان گناهکار وعده می دهد که مرگ او حتمی است و عقوبت گناه مرگ است (هم جسمی و هم روحی)

رجوع کنید به: (رساله رومیان باب 6 آیه 23)

از آنجائیکه خداوند به قول و کلام خود در **کتاب مقدس** پا برجاست و در عین حال به انسان عشق می ورزد، پس عیسی مسیح به لطف خود و برایگان بار گناهان و مجازات ما را با فداکاری به جان خریده و رستگاری را برای انسان به ارمغان آورده است! خداوند عیسی مسیح را فرستاد تا مجازات ما را متحمل شده و در عوض قهر و غضب خدا را از ما برگرداند، بنابراین ایمانداران باید به بخشش و عنایت خداوند مطمئن باشند، زیرا مسیح تمام گناهان ما را از میان برداشته و به جان خریده است، اما در اسلام این قضیه وجود نداشته و کاملاً منسوخ است.

***بهشت و دوزخ**

در **کتاب مقدس** به این مکان پر شکوه «ملکوت» اطلاق می شود، و هویت این جای پر جلال در قرآن با واژه «بهشت» خود را می نمایاند، در هر دو کتاب از مکان پر شکوه و جلالی سخن می رود که ایمان داران پس از مرگ به آن خواهند رسید!

1-بهشت پیرامون عرش خداوند

«فرشتگانی که عرش با عظمت خدا را بدوش گرفته و آنان که پیروان عرشند به تسبیح و ستایش حق مشغولند هم خود به خدا ایمان دارند و توبه می کنند و پاداش می گیرند.»

** (سوره 40 المومن آیه 7).

** (در تفسیر قرآن نوشته الهی قمشی سورهای بنام «قافیر» که در متن اصلی آمده وجود نداشت و اینجانب در سوره المومنون آنرا یافتم با سپاس. م).

تفسیر:

درست به مانند سخن **کتاب مقدس** در قرآن هم سخنی مشابه می آید که ایمانداران اطراف خداوند را فرا گرفته و او را تسبیح و ستایش می کنند و آنها کسانی هستند که عرش با عظمت خداوند را به دوش گرفته اند، اما آیا سرنوشت آنها در این خُلد برین چه خواهد شد جای سوال است.

۲- بهشت برای زوجهای عقیف

« در بهشت جاوید با سعادت و شادی همراه همسرانتان وارد شوید. »

(سوره ۴۳ الزخرف آیه ۷۰).

تفسیر:

مردها دست زنان خود را گرفته به بهشت داخل می شوند، اما به درستی معلوم نیست که این زنان چه حالی خواهند داشت! هنگامیکه در این موقعیت بهشتی مردان خود را عملاً از دست می دهند، زیرا زنان زیبا روئی به همسران آنها وعده داده شده است.

۳- بهشت فضائی آکنده از زیباییهای چشم نواز است

« و هر آن مومنان کاسه های زرین و کوزه های بلورین مملو از انواع طعام و شراب طهور دور زنند و در آنجا هر چه نفوس را بر آن میل شهوت است و چشمها را ذوق و لذت مهیا باشد. »

(سوره ۴۳ الزخرف آیه ۷۱).

تفسیر:

قرآن بهشت را باغی زیبا و دلکش به تصویر می کشد جائیکه چشمها را از شدت ذوق و لذت نوازش می دهد. بهشت در قرآن مکان تمتع، لذت و کاججویی است اما مشکلی در این خصوص وجود دارد و آن این است که محمد اینجا قدری گرفتار غلوشده به صفحه سازی کشیده شده تا نهایت لذت و اوج کاججویی را از بهشت قرآنی ارائه دهد، لذتهائی که عرصه کره خاکی ما کاملاً ممنوعند، برای اطلاع بیشتر به *سوره ۳۷ الصافات آیات ۴۲-۴۹/۴۱-۴۷ و سوره ۵۶ الواقعة آیات ۱۱-۳۸/۱۱-۳۹ مراجعه فرمائید. * (علامت خطوط مورب / نشانگر آن است که در متن اصلی به دو منبع قرآنی استناد شده است. م)

۴- حوران (زنان زیبای باکره) برای مردان در بهشت وجود دارند

« در آن بهشت ها زنان زیبای با حیائی است که دست هیچکس الی انس و جن به آنها نمیرسد کدامین نعمتهای خدایتان را دروغ می دانید. » (سوره ۵۵ الرحمن آیات ۵۶-۵۷).

« در آن بهشت ها نیکو زنان با حسن و جمال بسیارند الی جن و انس کدامین نعمتهای خدایتان را دروغ می پندارید در آن بهشت ها زنان زیباروی سیاه چشم وجود دارند الا جن و انس کدامین نعمتهای خدایتان را دروغ می پندارید در آنجا بر فرشهای مفرح می نشینید و بر رفته های راحت استراحت می کنید. » (سوره ۵۵ الرحمن آیات ۷۰-۷۷).

تفسیر:

طبق گفته قرآن زنان زیبا روی سیاه چشم به کثرت در بهشت موجودند « حوران » و طبق گفته محمد وظائف این زنان باکره ارضای نیازهای جنسی مردان مؤمن بهشتی است.

عجب آن است که بر پائی داشتن این ضیافت لگام گسیخته جنسی بروی کره زمین کاملاً ممنوع بوده و فقط در پهنه بهشت قرآنی مجاز است.

در اینجا باید از خود سوال کرد که جایگاه زن در این بهشت کجا قرار دارد، وقتی به قوانین ازدواج اسلامی دقت کنیم، می بینیم که برای مردان ۴ همسر دائمی و به تعداد دلخواه زنان صیغه ای « مُتعه » فراهم است، خود شخص محمد اجازه یافت تا با هر تعداد زن که می خواست بتواند ازدواج کند. بنابراین هیچ جای شکفتی نیست که محمد این تصویر فریبنده را از بهشت مجسم کرده باشد، باید توجه کرد که توجیه اینگونه لذات جنسی اندک جایگاهی در **کتاب مقدس** نداشته و بر عکس عیسی مسیح به ما می آموزد که: در رستاخیز نه مردی زنی را به همسری بر می گزیند و نه زنی همسری اختیار می کند، بلکه همه چون **فرشتگان** در آسمان خواهند بود (انجیل متی باب ۲۲ آیه ۳۰).

۵- آشامیدن شراب در بهشت جایز است

« و شراب ناب سرب مهر بنوشانند که به مُشک مُهر کرده اند و عاقلان بر این نعمت شادمانی ابدی باید با شوق و رغبت بکوشند. » (سورة المطففین آیات ۲۵-۲۶).

تفسیر:

در بخش های زیادی از آیات قرآن به مومنان در بهشت وعده آشامیدن شراب داده شده و چگونگی و کیفیت اثر بخشی آن نیز آمده است و آن این است که **نوشندگان مست نخواهند شد** (بنا بر روایات آن شراب طهوری است و نه انگوری. م) اما در اسلام نوشیدن شراب مطلقاً ممنوع است ولی به وضوح می بینیم که در بهشت قرآنی نوشیدن آن تحریم نشده و عادی است.

۶- دوزخ جایست که عذاب ابدی در انتظار ساکنانش است

« همانا دوزخ در انتظار بدکاران است که در آن قرنها عذاب کشند و هرگز در آنجا قطره ای آب سرد و شراب نیاشامند مگر آبی پلید و سوزان که حجیم و غسّاق حشم است. » (سورة النبأ آیات ۲۱-۲۵).

تفسیر:

بر طبق قرآن جایگاه بدکارانی که توبه نکرده اند جهنم سوزان است که در آن شکنجه های غیر قابل تصور در انتظار آنهاست و فاسقان وقتی در آن وارد می شوند پشیمان شده و از اینکه به گفته الله و رسول او محمد عمل نکرده اند نادم خواهند شد، برای اطلاع بیشتر بهتر است به ۷۲ الجن آیات ۲۳/۲۴ مراجعه کنیم: کسانی که امر خدا و رسول او را اطاعت نکرده اند، آتش در انتظار آنهاست، شکنجه ای که تا ابد ادامه خواهد داشت!

۷- غذای دوزخ

« همانا درخت زقوم جهنم قوت و غذای بدکاران است، آن غذا در شکمهایشان چون مس گداخته در آتش می جوشد آنسانکه آب بروی آتش جوشان است. »
(سوره الدخان آیات ۴۳-۴۶).

تفسیر:

حتی غذای جهنم چون شکنجه ای وحشتناک در قرآن به تصویر کشیده می شود هیچ تصویری وحشتناکتر از مس گدازانی نیست که در شکم بجوشد در اینجا قرآن صحنه های غیر قابل تشریحی به دست مخاطب خود می دهد.

۸- آتش گداخته و آب جوشان

« خطاب قهر رسید! بگریید بدکاران را میان دوزخ افکنید، پس از آن آب جوشان بر سرشان فروریزید. » (سوره الدخان آیات ۴۷-۴۸).

تفسیر:

قرآن دوزخ را با شدت و جدت و باموحش ترین و جبارانه ترین اصطلاحات ممکن تشریح می کند، ابتدا شخص بدکار به دوزخ افکنده شده و سپس آب جوشان بر سرش میریزند.

۹- دوزخیان از نافرمانی نسبت به خدا و رسول محمد پشیمان می شوند

« در آن روز صورتهایشان بر آتش همی گردد و گویند ای کاش که محمد و رسول را اطاعت می کردیم. »
(سوره الاحزاب آیه ۶۶).

تفسیر:

قرآن می گوید، کسانی که محمد را به عنوان رسول خدا قبول نمی کنند وقتی که صورتشان به سوی آتش جهنم می گردد از کردار و گفتار خود پشیمان خواهند شد.

نتیجه گیری:

قرآن به صورتی واضح و آشکار و با تفصیلات به شرح بهشت و جهنم می پردازد، محمد برای مسلمانان در باغ سبز نشان میدهد و از لذت های بهشتی سخن می گوید در حالیکه برای کسانی که به او و خدایش ایمان نیاورند ظالمانه ترین تصاویر را از جهنم و عذاب آن نشان می دهد!

در **کتاب مقدس** و قرآن برخی تشابهات در تشریح دوزخ و بهشت وجود دارد! نقطه قوت و اتکای قرآن در شرح بهشت لئانند آن است در حالیکه مرکز ثقل **کتاب مقدس** راجع به « ملکوت » حضور نزدیک خدا است که شکوه و جلال و قداست آن مکان را همراه دارد، بر اساس **کتاب مقدس** انسان در کنار خداوند فصل مشترکی از شکوه و قداست می سازند که بن مایه و جوهر تعریف ملکوت آسمانی را تشکیل می دهد، بنابراین تفاوت این دو تصویر که یکی را قرآن و دیگری را **کتاب مقدس** به نمایش می گذارند از نحوه و چگونگی ایمان اسلامی و مسیحیت نشأت می گیرد که منطقی بنظر میرسد.

در مسیحیت نزدیکی خداوند با شخص مومن و سنکی گزیدن در او و اشتراک او با انسان حکایت می کند که همچون رابطه محبت آمیز پدر و فرزند است، بر عکس این رابطه در سنت اسلام بسیار هراس آور بوده و می بایستی احترام به خداوند را با فاصله گرفتن از او حفظ کرد.

قلب و مرکز ایمان مسیحیت آن است که خداوند از طریق عیسی مسیح به ما نزدیک می شود و بخشش و رحمت خود را از طریق قربانی کردن پسر خود عیسی مسیح بما ارزانی می دارد همانطور که پولس رسول می گوید: « اما اکنون از آن عیسی مسیح هستی گرچه زمانی از خدا دور بودید اما در اثر کاری که مسیح با خون خود برای شما کرد اکنون به خدا نزدیک شده اید. » (رساله افسسیان باب ۲ آیه ۱۳). ضمناً خداوند به روح خود اجازه می دهد که در ما سکنی گزیند به شرط آنکه به عیسی مسیح ایمان داشته باشیم! کاملاً روشن است وقتی ما به عیسی مسیح ایمان بیاوریم به خداوند نزدیک خواهیم شد و در این تقارب و نزدیکی موجودیت **بهشتی** که: که در آن انسان و خداوند با هم اشتراک مساعی داشته باشند کاملاً منطقی است.

*جن ها، فرشتگان و ابهامات

قرآن تصویری از موجوداتی ماورالطبیعه نشان می دهد، این نوع صورت پردازی راجع به این موجودات در **کتاب مقدس** وجود ندارد. در **کتاب مقدس** فرشتگان به مأموریت می روند اما در قرآن موجوداتی بنام اجنه « جن ها » ابراز موجودیت می کنند که در **کتاب مقدس** وجود داشته و اثری از آثار آنها نیست بر عکس در این کتاب شریر « Demons » فعال بوده و حضوری بر جسته دارند.

عجیب ترین مطلب در قرآن آن است که جن ها را دسته بندی می کند بطوریکه آنها به جن های خوب و بد تقسیم می شوند، از این روست که در متون اعتقادی اسلام مردمی یا اسلام عامیانه این جن ها در سطح وسیعی به صورت عناصری نامرئی اظهار وجود می کنند، برای مطالعه و پژوهش بیشتر به شما توصیه می کنم که به کتاب (چهره نامرئی اسلام چاپ ۱۹۸۹ نوشته ماسک انشاراتی مونراش مراجعه فرمائید:

The Unseen Face Of islam, Musk, Monrach Publication 1989.

۱- جن ها از آتش خلق شده اند

« و طایفه جن ها را از آتش گدازنده خلق کردیم. » (سوره ۱۵ الحجر آیه ۲۷).

تفسیر:

قرآن در این مورد می گوید که این موجودات معنوی (روحی) از گدازه یا آتش گدازان خلق شده اند، ضمناً عبدالله یوسف علی بدین صورت شرح می دهد:

این موجودات نامرئی بوده و از زمره قدرتهای غیبی هستند، برابر احادیث و قرآن، جن ها گونه های زنده ای هستند که صورتی شبیه انسان داشته ولی آتشی اند! عده ای از آنها مومن بوده و رستگاران در حالیکه دسته ای بی اعتقاد بوده و گمراهند! تا آنجائیکه اسلام با اطمینان و وثوق کامل می گوید که آنها « جن ها » فقط از زمره قدرتهای غیبی و روحی نبوده بلکه حضور داشته و توده هائی از اراده های آزادند، از اینرو می خواهند نامشان برده شده و به حساب آیند. برای اطلاع بیشتر به مرجع زیر مراجعه شود:

(قرآن مقدس نوشته علی تفسیر ۹۲۹ The Holy Qran, not 929).

۲- برخی از جن ها کامل و صالحند

« همانا برخی را صالح و نیکو کار داشتیم و برخی بر خلاف عقیده و اعمال با هم بسیار متفرق و مختلف هستند. » (سوره ۷۲ الجن آیه ۱۱).

تفسیر:

این آیه جن ها را به صورت جمع (ما) می آورد و از آن سخن می گوید که برخی از آنها (جن ها) کامل و صالح بوده و برخی دیگر از زمره شریرند این توصیف برای کسانی است که می خواهند راجع به این موجودات بیشتر بدانند!

۳- برخی از جن ها توبه کرده و برای دیگران موعظه می کنند

« ای رسول ما یاد آور وقتی را که تنی چند از جنیان را متوجه گردانیدیم تا استماع آیات قرآن کنند، چون نزد رسول رسیدند گفتند گوش فرا دهید، چون قرائت تمام شد ایمان آوردند و به سوی قومشان برای تبلیغ و هدایت باز گردیدند، گفتند ای طایفه، ما آیات کتابی را شنیدیم که پس از موسی نازل شده است در حالیکه کتب آسمانی تورات انجیل را که در مقابل او بود برآستی تصدیق می کرد و خلق را بسوی حق و طریق راست هدایت می فرمود ای طایفه، شما هم دعوت خدا را اجابت کنید و به او ایمان آورید تا از گناهان شما درگذرد. » (سوره الاحقاف آیات ۲۸-۳۰).

تفسیر:

این آیه درباره جن ها می گوید، که اکثریت قریب به اتفاق آنها شیرینند، تعالیم قرآن به ما می آموزد که جهنم از جن ها و انسان مالا مال خواهد شد! « این فرمان من به اجرا در می آید و آن این است که جهنم را بطور قطع از جن و آدمیان پر خواهیم کرد (سوره سجده آیه ۱۳ در هر دو منبع قرآنی!)، بنابراین از پیکر جن ها ماده اضافی برای سوخت جهنم فراهم می شود.

۶- بجز شیطان همه فرشتگان در مقابل آدم سجده می کنند

« هنگامیکه فرشتگان را گفتیم به آدم سجده کنید همه سجده کردند جز شیطان که امتناع ورزید. » (سوره ۲۰ طه آیه ۱۱۶).

تفسیر:

در قسمت های عمده ای از قرآن این آیه تکرار می شود که خداوند بتمام فرشتگان خود گفت در مقابل آدم سجده کنند و همه فرمان بودند به جز ابلیس که از این کار امتناع ورزیده، اطاعت نکرد. آیه عجیبی است زیرا واژه سجده بار بسیار وزین تری نسبت از زانو زدن داشته و پیشتر به معنای ستایش کردن به کار می رود.

طبق لغتنامه جدید انگلیسی - عربی

Hans Wehr Dictionary Of Modern Written Arabic

واژه سجده به معنای ستایش و پرستیدن و یا آستان بوسی، پیشانی بزمین سائیدن و یا ولو شدن بر روی شکم و در همان حال ستایش کردن است، طبق روایت قرآن پس از خلقت آدم خداوند به تمام ملائک دستور می دهد تا به سجده افتاده و او را ستایش کنند، (الله) در ستایش موجود تازه آفریده شده خود می گوید: (...و تبارک الله احسن الخالقین ... م).

بسیار شگفت انگیز است که ابلیس که خود جزء ملائک بوده از اینکار سر باز می زند، پس گناه ابلیس (شیطان) از همان موقع شروع می شود که علت آن همانا نافرمانی از امر الله است.

(من ملک بودم و فردوس برین جایم بود آدم آورد در این دیر خراب آبادم شاید مقصود حافظ از این بیت اشاره به نا فرمانی شیطان است که در مقابل این سرپیچی از فردوس برین اخراج می شود. م) در قرآن جمله ملائک عناصر صالح و فرمانبرداری هستند که وظیفه به انجام رساندن عدالت و توزیع فیض و رحمت الهی را به عهده دارد، ضمناً فرشتگانی که به فرشتگان مقرب موسومند، جبرئیل و میکائیل از آن زمره اند، که در سوره ۲ البقره آیات ۹۸/۹۲ از آنها نام برده شده است.

۷- فرشته های هاروت و ماروت به تعلیم شرارت مشغولند

« و پیروی کردند سخنانی را که دیو و شیطان در ملک سلیمان (به افسون و جادوگری می خواندند) و هرگز سلیمان به خدا کافر نگشت ولیکن دیوان همه کافر شدند و به مردم جادوگری یاد دادند و آنچه دو فرشته هاروت و ماروت در بابل ظاهر شده است، و به کسی چیزی نمی آموختند مگر آنکه به او می گفتند که کار ما فتنه است مبادا کافر شوی و به مردم چیزی که میان زن و شوهر جدائی افکند یاد می دادند. » (سوره ۲ البقره آیه ۹۶).

تفسیر:

در اینجا بطور کامل معلوم نیست که آیا این دو موجود (هاروت و ماروت) از زمره شیاطینند یا از فرشتگان هستند، شیاطین به جادوگری و ساحری مشغول بوده که بنوبه خود از فرشتگان هاروت و ماروت آموخته اند، این فرشتگان قبل از آن که به اغوا و فریب و تعلیم شرارت مشغول شوند از قبل به مردم هشدار داده که وظیفه شان فتنه و اخلال است مبادا وسوسه شده و کافر گردند!

۸- ارواح شریر توسط شهاب های آسمانی مورد پیگرد قرار می گیرند

« ما نزدیک ترین آسمان را بزینت ستاره ها آراستیم و از تسلط شیطان مرگش را محفوظ داشتیم تا شیاطین هیچ از وحی و سخنان عالم بالا نشنوند و از هر طرف به قهر رانده شوند هم به قهر براندشان و هم به عذاب دائم قیامت گرفتار شوند جزء آنکه کسی (از شیاطین چون خواهد از خبر عالم بالا) برآید هم او را تیر شهاب فروزان تعقیب کند. » (سوره ۳۷ الصافات آیات ۶-۱۰)

تفسیر:

عجیب آن است که شیاطین و ارواح شریر در پی آنند که از عالم بالا و نختگاه کبریائی خبری بگیرند ولی توسط سنگ فروزه ها متوقف می شوند و از همه مهمتر آن است که برخی از این ارواح شریر گاهی

کلمه ای دریافت میکنند ولی توسط همین **شهابهای** آسمانی مورد تعقیب قرار می گیرند، اینجا انسان در شگفتی فرو می رود که محمد چه دریافت پر اعوجابی از کیهان شناسی و تبیین جمان داشته است. **جل الخالق!**

۹- خداوند به سلیمان قدرتی اهریمنی عطا فرمود

« و باد را مُسَخَّر فرمان او کردیم تا به امرش هر کجا بخواهد روان شود و دیو و شیاطین هم. »
(سوره صاد آیات ۳۵-۳۶).

تفسیر:

در این بخش مشاهده می کنیم که پدیده ها و موجوداتی در تسلط سلیمان در می آیند، سلیمان بر باد و ارواح شریر مسلط است (شیاطین) و طبق سوره التمل آیه ۱۱ و سوره السباء آیات ۱۲-۱۳/۱۱-۱۲، سلیمان لشکری از جن ها و شیاطین و مرغان و انسان را تحت فرماندهی خود دارد، آنها برای او شمشیر و زره می سازند و عده ای دیگر قصر و تصاویر و خوشخانه بنا می کنند، در سوره التمل آیه 39 می خوانیم یکی از جن ها یا عفريت که از زمرة دیوهاست به یاری سلیمان می آید و وقتی او آرزو می کند که تحت ملکه سبا به قلمروائی حکومتش آورده شود، عفريت ادعا می کند که این کار را می تواند، قبل از اینکه سلیمان چشم بر هم زند انجام دهد، و اضافه می کند که او قوی بوده و قابل اعتماد است.

در قرآن مقدس نوشته علی تفسیر 3274 (The holy Quran,not 3274).

می خوانیم: عفريت جنی مقتدر است که حيله گر بوده و به دانش صنعتکاری مشهور است! بلاخره طبق روایات قرآن، سلیمان هم می توانسته از جن های بد کاره و شرور استفاده کند و هم جن های درستکار و صالح در تسلط او بوده اند.

۱۰- آسمان در شب « قدر » باز است

« در این شب فرشتگان و ارواح به اذن خداوند از هر فرمان و دستور الهی و سر نوشت خلق نازل گرداند. » (سوره القدر آیه ۳-۴).

تفسیر:

مسلمانان بطور عادی به شب قدر (لیلته القدر _ شب احیاء) معتقد بوده و عقیده دارند که در این شب بود که جبرئیل خود را به محمد ظاهر ساخته و آیات قرآن را به او نازل نمود، این شب 23، 25 یا 27 ماه رمضان است، در این شب است که خداوند آسمان را برای لحظه ای کوتاه می گشاید، در این

هنگام است که تمام دعاها مورد پذیرش خداوند قرار خواهد گرفت به قول حافظ: (چه مبارک سحری بود و چه فرخنده شبی آن شب قدر که این تازه براتم دادند. م).

باید تذکر داد هنوز شب مشخصی برای این شب نورانی مورد توافق همگان واقع نشده بدین خاطر مسلمانان ترجیح می دهند که تا شبهای متعددی در ماه رمضان به دعا و استغاثه مشغول شوند، شاید شبی از این شبها با لیلۃ القدر مصادف شده و دعاهای آنها مستجاب گردد.

نتیجه گیری:

همانطور که دیدیم بخش های عمده ای از قرآن مشحون و لبریز از شرح و تفصیلات پر رمز و رازی راجع به موجوداتی به نام جن ها و شیاطین است. این نوع اعتقاد به جن ها از زمره اعتقادات خرافی است، در عوض در کتاب مقدس عناصری تحت عنوان ویژه ای به نام شریر وجود دارند! در سوره های الفلق و الناس آیاتی وجود دارند که مسلمانان را از پدیده های جادوگری و شعبده بازی بر حذر داشته و هشدار می دهند که مسلمانان باید از شر وجود آنها به خدا پناه برند، توضیح این پدیده ها در جهان اسلام موضوعی عادی است.

دکتر Musk عقیده دارد که طرح این آیات در قرآن باب توهم را برای قبول خرافات و جادوگری به خصوص در اسلام عامیانه گشوده است، برای اطلاع بیشتر به چهره نامرئی اسلام نوشته Musk انتشاراتی مونارش مراجعه فرمائید:

(The Unseen Face Of Islam, Musk, Monarch Publication, 1989, s 224)

* جهاد

بسیاری از مردم غرب جهاد را مترادف با جنگ مقدس تلقی می کنند، اگر چه ممکن است که ظاهراً این معنا از جهاد مستفاد شود اما در حقیقت کلمه جهاد که از ریشه فعل مجاهدت مشتق می شود معنای گسترده تری را بر داشته و می توان این معانی را از آن اتخاذ کرد، همت کردن، تلاش نمودن، جد و جهد کردن، کار مشقت بار و اضافه کاری انجام دادن، برابر واژه نامه انگلیسی عربی نوشته هانس ویر

(The Hans Wer, Dictionnaire of Modern Written Arabic)

از کلمه جهاد می توان این معنی را دریافت نمود یعنی در یک کلام: « تلاش و تقلای فوق العاده » بهترین باز یافت را بدست می دهد.

اما دیگر گروه‌های بنیادگرا برای آنکه صدایشان را به گوش همانیان برسانند، جهاد را تفسیر به رأی خود کرده و آنرا از پایه‌های اساسی اسلام می‌دانند که باید به اصول پنجگانه اضافه و آنرا به شش اصل ارتقاء داد. این گروه‌ها از جهاد یک تقلی تحت الفظی داشته و آنرا بگونه‌ای یک فریضه جنگی می‌دانند که مسلمان واقعی باید از آن پیروی کند، اما دکتر ماکس جهاد را نوعی « جنگ خالص روحانی » می‌داند، متأسفانه بنیادگران مذهبی و کسانی که این تفسیر را برای جهاد قبول نداشته و بر نی تابند می‌گویند: جهاد مقدس نه همان مجاهدت روحانی است که بر طبق سنت و قرآن باید علیه این جهاد مادی، نفسانیات و قدرتهای اهریمنی به آن دست یابند. بلکه همان جنگ مسلحانه‌ای است که باید آنرا پذیرفته و لحاظ داشت، برای تفسیر و تاویل دقیقتر می‌توان به این من منبع مراجعه کرد: اعتقاد خشم آلود نوشته دکتر ماسک انتشارات مونراش چاپ ۱۹۹۲ صفحه ۱۸۵

(Passionate Believing, Musk, Monarch Publication, 1992, s 185)

(آنها « جهاد اکبر » را که تلاشی **روحانی برای رسیدن** به مفاهیم قرآن است رد می‌کنند و نوعی برداشت لیبرال مآبانه و اصلاح‌گرایانه می‌شمارند که با روحیه اسلام انقلابی منافات دارد. م).

جالب است که اگر ما برداشت‌های قرآن را در مورد جهاد به صورتیکه در زیر می‌آید ملحوظ نظر قرار دهیم.

۱- جهاد در راه خدا

« آنان که ایمان آوردند و از وطن هجرت گزیدند و در راه خدا به مال و جان جهاد کردند، آنها نزد خدا مقام و بلندی است و آنان رستگارند. » (سوره التوبه ۹ آیه ۲۰).

تفسیر:

این آیه قرآن معنای گسترده جهاد را که فداکاری و از خود گذشتگی در راه خداست به روشنی نمایان می‌سازد، که همان جهاد در راه خداوند بوده که به معنی از جان و مال گذشتن و در راه خدا فداکاری کردن است (و جهاده فی سبیل الله) که انجام این عمل رستگاری و سعادت و خیر برکت را برای فرد مسلمان به همراه دارد.

۲- جنگ مقدس

« در راه خدا با آنان که با شما به جنگ بر خیزند جهاد کنید ولیکن ستمکار نباشید که خدا ستمکاران را دوست ندارد، هر جا مشرکان را یافتید بکشید و از شهر و دیارشان برانید چنانکه آنان شما را آواره کردند، در این صورت رواست آنها را به قتل برسانید، این است کیفر کافران... »
(سورهٔ ۲ البقره آیات ۱۹۰-۱۹۱).

تفسیر:

اصطلاح جنگ برای خدا در قرآن حضور خود را بطوری عادی نمایش می دهد زیرا آن زمان که مسلمانان به تبعید به مدینه مجبور شده بودند تدریجاً نیرو گرفته و به قصد گسترش اسلام مجاهدت نمودند! این جنگ بنوبهٔ خود جنگی مقدس است که مقصود از آن گسترش اسلام خواهد بود رجوع کنید به کتاب مکتب اسلام و شیوهٔ زندگی :

(Islam Lära och Livsmönster,). (Hjärpe, AWE/GEBERS, 1979, s 50)

در آیهٔ ۱۹۰ سورهٔ البقره دیدیم که قرآن به مسلمانان تذکر میدهد که در جنگ، پیش دستی نکرده و شروع کنندهٔ حمله نباشند. اما در واقعیت امر کسانی که در مقابل اسلام قرار گرفته بودند، دشمنان اسلام و رسول الله محسوب می شدند و مسلمانان التزام عملی داشتند که آنها را بکشند... زیرا پادافره و کیفر عمل آنها از مرگ بدتر می باشد، از آن جهت که آنان در پی گمراهی مردم هستند، آنان آن چنان در پی منحرف کردن مردمانند که مجازات آنها از مرگ هم شدید تر است، کشتن این افراد عملی صالح بوده و احیاء آنها راه رستگاری را برای مسلمانان هموار خواهد ساخت.

۳- بت پرستان که حاضر به پذیرفتن اسلام نبودند کشته می شدند

« پس از آن که ماهای حرام (ذیقعد، ذیحجه، محرم و رجب) در گذرند آنگاه مشرکین را هر جا دیدید به قتل رسانید و آنها را دستگیر کرده و محاصره کنید و از هر سو در کمین آنها باشید چنانچه از شرک توبه کرده و نماز اسلام به پا داشتند و ذکات دادند پس از آنها دست بردارید که خداوند آمرزنده و مهربان است. » (سورهٔ ۹ التوبه آیهٔ ۵).

تفسیر:

وقتی مسلمانان از نظر عده و جمعیت در نواحی خود به اکثریت رسیدند پس محمد موقعیت را مغتنم شمرده و بت پرستان و مشرکان را به قتل تهدید و محکوم کرد، فقط کسانی نجات میافتند که به اسلام میگریزند.

۴- با غیر مسلمانان باید جنگید

« ای اهل ایمان با هر که از اهل کتاب که ایمان به خدا و روز قیامت نیاورده است و آنچه را از خدا و رسولش حرام کرده حرام نمدانند و به دین حق « آئین اسلام » نی گراید کارزار کنید یا آنگاه که با ذلت و تواضع به اسلام جزیه دهند (سوره ۹ التوبه آیه ۲۹).

تفسیر:

پیش تر از این محمد در همین سوره به صراحت بیان داشت مشرکان بین توبه و پذیرفتن اسلام یا مجازات مرگ یکی را می توانند انتخاب کنند. وقتی که به سرنوشت اهل کتاب می نگریم، می بینیم آنها یعنی یهودی ها و مسیحیان باید بر اساس شرایط خاصی در جامعه اسلامی به حیات خود ادامه دهند (جامعه اسلامی همان دارالسلام است) در غیر این صورت باید با آنها جنگید تا به اسلام ایمان آورند، یا اینکه آنها مجبور به دادن مالیات ویژه شخصی « جزیه » خواهند بود.

۵- بهشت در انتظار کسی است که در جهاد کشته می شود

« اگر در راه خدا بمیرید یا کشته شوید غم ندارید که به رحمت ایزدی پیوسته و به سوی خدا محشور خواهید شد، پس اگر بمیرید یا کشته شوید در نزد خدا گرد خواهید آمد. »
(سوره آل ۳ عمران آیات ۱۵۱-۱۵۲).

تفسیر:

در قرآن قولهای بسیار واضحی که خدا به مسلمانان می دهد به چشم می خورد، به این صورت: کسانی که در راه خدا کشته شوند نزد خدا محشور خواهند شد، اسلام می گوید آنهایی که در جهاد بمیرند خداوند تمام گناهان آنها را بخشیده و جایگاه آنان در بهشت تضمین شده خواهد بود!

۶- سربازان ترسو به جهنم محکوم می شوند

« و هر که در آن روز قیامت (در جنگ) پشت به آنها کرده و بگریخت به طرف خشم خدا روی آورده و جایگاهش دوزخ که بدترین منزل خواهد بود. » (سوره ۸ الانفال آیه ۱۶).

تفسیر:

کسانی که از جنگ امتناع کرده و یا کسانی که به خاطر ترس از جنگ فرار می کنند می بایستی مطمئن باشند که در جهنم سکنی خواهند گزید، ضمناً این فرجام در انتظار کسانی خواهد بود که هراسیده و از شرکت در جنگ با کافران خودداری میورزند.

۷- غنایم جنگی

« پس اکنون از هرچه غنیمت بیابید بخورید، گوارای شما باد. » (سوره ۸ الانفال)

تفسیر:

برای سپاهیان اسلام عملیات جنگی علیه دشمنانی که شکست می خوردند موضوعی جذاب و فریبنده به شمار میرفته است، موضوع غنائم جنگی فقط به اسباب و وسائل خاتمه نمی یافت بلکه زنان و کودکان را نیز در بر میگرفت به طوری که آنها به بردگی در می آمدند، زنان در صیغهء (مُتعه) مردان جنگی در آمده و به کنیزی برده می شدند، و اینها مضاعف بر تعداد چهار زنی است که مردان مسلمان به آن حق داشته اند. نگاه کنید به: (سوره ۳۳ الاحزاب آیات ۵۰/۵۰)

۸- سهم محمد از غنائم جنگی

« و ای مومنان بدانید که هر چه به شما از غنیمت فایده رسید خمس آن (یک پنجم) از آن خاص خدا و رسول و خویشان و یتیمان و در راه ماندگان است. » (سوره ۸ الانفال آیه ۴۲).

تفسیر:

محمد حق داشته که یک پنجم غنائم را تصاحب کرده تا به مصرف نزدیکان و نیازهای مختلف خود برساند.

نتیجه گیری:

وقتی که انسان به « جهاد » پرداخته، در قرآن پژوهشی می کند، از یک سو در می یابد که این واژه به طور عام چه معنی گسترده ای داشته و از سوی دیگر معنی خاص آن همان ارتکاب به عملیات نظامی است که به نام جنگ مقدس علیه مخالفان به کار برده می شود. در این موضوع شکی نیست که محمد هر چه بیشتر وضعیت سیاسی و موقعیت خود را استحکام می بخشد بهمان اندازه علیه مخالفان خود شدت عمل بیشتری نشان می دهد! این به معنای آن است که در « این جهاد » همه مخالفان می بایستی طعم شکست را بچشند!

مشرکان و بت پرستان یا باید به طور کلی ریشه کن شوند یا اینکه توبه کرده و به اسلام روی آورند، تنها گروه هائی که مورد تحمّل واقع می شدند در واقع همان یهودیها و مسیحیانی بودند که در ازای مالیات ویژه ای که می پرداختند مصونیت یافته و می توانستند به نوعی در جامعه اسلامی به زندگی ادامه دهند. بر هر مرد مسلمان فریضه ای واجب بود که در جنگ مقدس علیه مخالفان اسلام شرکت کند و کسانی که در این راه کشته می شدند وعده جایگاهی تضمین شده در بهشت داده می شد و کسی که از شرکت در این جهاد مقدس امتناع می ورزید دوزخی قطعی به شمار می آید!

* مخالفان اسلام

اصولاً اسلام برای غریبا دینی است که در آن نماد تحمّل و بردباری نسبت به دیگران بر جستگی خود را نشان می دهد. غریبا به خود واژه اسلام استناد می کنند که معنای آن تسلیم شدن (طبق اراده و مشیت الهی) است. واژه اسلام که با « سلام » هم ریشه بوده و به معنای صلح و صفاست، انگیزه ای به غریبا می دهد تا دین اسلام را دینی پر از تسامح و تساهل شمرده و بردبار و مداراگرا بدانند، در ضمن آنها به وضعیت اولیه اسلام انگشت می گذارند که در ابتدا دینی صلح جو و مداراگر بوده است، آنها پا را از این هم فراتر گذاشته و به آیه ای از قرآن تمسک می جویند که می گوید: (لا اکراه فی الدین - سورة ۲ البقره آیات ۲۵۶/۲۵۷) یعنی گرویدن به دین اجباری نیست. به همین خاطر بسیار جالب است تا وضعیت مخالفان اسلام را در قرآن پیگیری و مطالعه کنیم!

۱- مجازات وحشتناک برای مخالفان اسلام

« همانا کفر آنان که با خدا و رسول به جنگ بر خیزند و در روی زمین به فساد کوشند جزء این نباشد که آنها را کشته و بدار کشند و دست و پایشان را به خلاف ببرند (دست راست و پای چپ یا پای راست و دست چپ) یا تبعید نموده از سرزمین صالحان دور کنند، این ذلت و خواری عذاب دنیوی آنها است و اما در آخرت باز به عذابی عظیم مُعذب خواهند بود. » (سورة ۵ المائده آیه ۳۳)

تفسیر:

از آنجائیکه قدرت سیاسی محمد در مدینه گسترش میافت، در نتیجه مخالفان او در آنجا موقعیت بسیار خطرناکی پیدا کردند! در سال پنجم هجری مصادف با ۶۲۷ میلادی، قریب ۶۰۰ نفر در مدینه گردن زده می شوند این عده از مردان قبیله بنی قریظه بودند، دسته ای دیگر از یهودیان که قوم بنی النضیر نامه می شدند در سال چهارم هجری برابر سال ۶۲۶ میلادی به نفی بلد (تبعید اجباری) از مدینه محکوم شدند. برای اطلاع بیشتر می توانید به سورة ۵۹ الحشر آیات ۲-۴/۲-۴ مراجعه فرمائید. ضمناً در کتاب زندگی محمد « سیره » رسول ابن هشام بخش دوم صفحات ۷۵ و ۱۴۸ و همچنین کتاب المقاضی واقدی صفحات ۱۲۵ و ۱۲۶ نوشته ای راجع به خشونت مسلمانان نسبت به قبائل یهودی ساکن مدینه وجود دارد، شایان ذکر است در کتاب: (میزان ایمان صفحه ۳۳۲-۳۳۳)

(Balance of The Truth, Pfander, The Religious Tract Society, 1910, s 332-333)

مطالبی در این خصوص وجود دارد.

در سوره ۵ المائده آیه ۳۳ که در بالا آمد به صراحت نشان داده می شود که هیچ رحم و بخششی برای مخالفان اسلام در نظر گرفته نشده است بلکه باید آنها فقط به گونه ای ظالمانه و خشن به سزای اعمالشان برسند، چون آنها مصداق مفسد فی الأرض بوده و باید کشته شوند! جالب توجه و بسیار ارزشمند است که بدانیم که این نوع مجازات ها هنوز در دنیای اسلام معمول بوده و اعمال می شود، در ایران پس از انقلاب افراد بسیاری از زمره مخالفان سیاسی حکومت اسلامی به این طریق خشونت بار اعدام شده اند، اعضای فرقه بهائیت نمونه بارز گروههای مخالف است که در ایران اسلامی به مرگ محکوم شده اند!

سوره المائده نشانگر داوری بسیار سختی است که در انتظار مخالفان سیاسی اسلام است، وقتی کسی مفسد نامیده می شود به معنای آن است که مفسد فی الأرض بوده و ناقل گسترش فساد بر روی کره خاکی است، به همین جهت محارب خدا و رسول خوانده می شود که مجازات این اتهام مرگ عنقریب است که در ایران امروزی معمول و مرسوم است.

۲- مجازات در انتظار کسانی است که از دین خارج می شوند

« پس هر که از دین خود بر گردد و در حال کفر باشد تا بمیرد و اعمال چنین اشخاصی در دنیا و آخرت ضایع و باطل گردد، آنان اهل جهنمند و در آن همیشه معذب خواهند بود. »
(سوره ۲ البقره آیه ۲۱۴)

تفسیر:

قرآن به گونه ای واضح شرح می دهد که دوزخ در انتظار کسی است که از دین خارج شده یا ارتداد جوید کسی که از اسلام خارج می شود « مرتد » خوانده شده که طبق قوانین اسلامی خروج و ارتداد از دین ممنوع بوده و کسانی که مرتکب این عمل شوند مجازات مرگ در انتظار آنهاست برای اطلاع جامعه تر رجوع کنید به: (جزوه دین اسلام نوشته دکتر احمد قالواش صفحه ۱۱۲ کنگره اسلامی منعقد در سال ۱۹۵۷)

(The Religion Of Islam, Dr, Ahmad Galwash, Islamic Congress, 1975, s112)

در اینجا سوالی پیش می آید، با وجود این که در قرآن مجازاتی برای کسی که از دین بر می گردد منظور و لحاظ نشده پس چرا شخص مرتد طبق شریعت به مرگ محکوم می شود؟

علت حدیثی است که مستقیماً از محمد نقل قول شده است که طبق این مکتوب شرعی مجازات مرگ در انتظار شخص مرتد است، در شریعت که از سنت عملی محمد و از قرآن منتج شده و سپس به صورت حدیث نمایان می شود، آمده است: سزای شخص مرتد مرگ است.

حدیثی بر گرفته از عثمان بن عفان بدین شرح منقول است، از محمد رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم که چنین گفت: « خون مسلمان را نریزید مگر به سه شرط: »

— کسی که « زنا » کند باید سنگسار شود!

— کسی که بدون سببی دیگری را کشته باشد!

— کسی که مرتد شده و از دین برگشته باشد ...

(سنن، نوشته حافظ بن عبدالله محمد بن یزید قزوینی مجاح، حدیث شماره ۲۵۳۳).

۳- تکفیر و تحریم خاکسپاری شخص منافق یا معاند

« دیگر هرگز به نماز میت آن منافق حاضر نشده و بر جنازه آنها به دعا نه ایست که آنها به خدا و رسولش کافر شدند. » (سوره ۹ التوبه آیه ۸۵).

تفسیر:

حتی بعد از مرگ شخص منافق یا معاند، آنها تکفیر و تخفیف شده و مسلمانان اجازه ندارند تا بر مزار شخص مخالف اسلام حاضر شده و برای او طبق سنت جوامع اسلامی فاتحه خوانده و مراسم برگزار کرده و عزاداری کنند، در غیر این صورت حضور در مراسم یک وظیفه اجتماعی فرد مسلمان است، علت این امر این بود که آنها خدا و رسول او را منکر شده و کفر ورزیده بودند.

۴- جهنم برای شخص نافرمان

« و هر که نافرمانی خدا و رسول او کند البته کیفر او آتش دوزخ است که در آن تا ابد عذاب خواهد کشید. » (سوره ۷۲ الجن آیه ۲۴).

تفسیر:

می بینیم که اطاعت نکردن از محمد خطرناک بوده و پی آمد مجازات قطعی دوزخ را در بر دارد، برای مزید اطلاع به سوره ۹ التوبه آیات ۸۱/۸۰ مراجعه فرمائید.

۵- هیچ امان و پناهی برای شخص مرتد وجود ندارد

« و اگر روی از خدا بر گردانند، خدا در دنیا و آخرت آنها را به عذاب دردناک معذب خواهد فرمود و دیگر در همه روی زمین یک نفر دوستدار و یاری نخواهند یافت. »
(سوره ۹ التوبه آیه ۷۴).

تفسیر:

ارتداد علاوه بر آنکه مجازات دوزخ در پی دارد، همچنین شخص مرتد میبایستی کاملاً از این موضوع مطمئن باشد که کسی در جامعه اسلامی به کمک و یاری او نخواهد آمد، یعنی در حقیقت شخص مرتد از همه سو مورد تحریم و بایکوت قرار می گیرد.

(هم مورد عذاب اخروی و هم در معرض تحریم دنیوی قرار گرفته و به قول معروف: «خسرالدنيا و الآخره خواهد شد. م.»)

۶- مشرکان و بت پرستان یا باید اسلام را بپذیرند یا مرگ را انتخاب کنند

« پس از آنکه ماههای حرام (ذیقعه، ذیحجه، محرم و رجب) در گذشت، آنگاه مشرکین را هر کجا یابید به قتل برسانید و آنها را دستگیر کرده و محاصره کنید و از هر سو در کمین آنها باشید چنانکه از شرک توبه کرده و نماز اسلام به پا داشتند و ذکات دادند پس از آنها دست بردارید که خدا آمرزنده و مهربان است. » (سوره ۹ التوبه آیه ۵).

تفسیر:

کسانی که به شرک ورزیدن و بت پرستی روی آورده و در آئین خود پافشاری می کردند محمد آنها را نمی بخشید بلکه دستور قتل آنها را صادر می کرد تنها شانس که برای آنها می ماند آن بود که از دین خود برگشته و مسلمان شوند. (در متن اصلی بت پرستی آمده ولی در سوره ۹ التوبه آیه ۵ از شرک سخن گفته شده که این جانب در ترجمه مراعات کرده ام. م.)

نتیجه گیری:

بر اساس سوره ۲ البقره آیات ۲۵۶/۲۵۷ هیچ اجباری برای مخالفان اسلام وجود ندارد تا مجبور شده و به اسلام ایمان آورند (لَا اِكْرَاهَ فِي الدِّينِ) به نظر می رسد که این قول می بایستی پا بر جا و استوار باشد اما پس از چندی محمد از قول و قرار خود عدول کرده و در مقابل مخالفان فکری اسلام تاب و تحمل را از دست می دهد! می بینیم بر خلاف آنچه که قبلاً گفته شد اسلام دین تسامح و مدارا نبوده و

عنان اختیار را در مقابل مخالفان عقیدتی خود که محمد و قرآن را رد می کنند از دست داده و آنها را به مجازات مرگ تهدید می کند.

متأسفانه تاریخ نشان می دهد که این گونه داوری و قضاوت های خشن طی زمان های طولانی در دنیای مسیحیت هم رواج داشته و مسیحیان در مقابل مخالفان خود بر خلاف گفته انجیل رحم و شفقتی نشان نمی دادند! اما تفاوت مشخص بین اسلام و مسیحیت در آن است که در انجیل مقدس (عهد جدید) می بینیم که عیسی مسیح دست یازیدن به خشونت علیه مخالفان فکری خود را هیچگاه توصیه نکرده، بلکه تأکید می کند که حتی با دشمنان خود که از شما متنفرند، خوشرفتاری کرده، به آنان محبت نموده و برکت نثار آنها کنید، چه آنها شما را لعنت کرده و شما را خوار و ذلیل می خواهند، شما مقابله بمثل نکرده بلکه برای آنها دعا کنید (انجیل لوقا: باب ۶ آیات ۲۷-۲۸).

* تساوی بین زن و مرد

در غرب اسلام چهره ای دگرگون از خود نشان می دهد، سیمائی متفاوت که دلالت بر آن دارد که در این مکتب تساوی بین زن و مرد بر قرار است، به طوری که زن در مکتب اسلام آزاد بوده و زیر دست و خوار مرد نیست، اما واقعیت متصور قرآن از زن کدام است؟ که در اینجا به آن خواهیم پرداخت.

۱- مرد قدری « درجه ای » بیشتر به زن برتری دارد

« لیکن مردان را بر زنان افزونی و برتری خواهد بود و خدا بر هر چیز توانا و به همه امور داناست. »
(سوره ۲ البقره آیه ۲۲۸).

تفسیر:

این آیه قرآن روشن و دقیق نمی گوید که در مواردی مردان بر زنان فضیلت و برتری دارند، اما در آیات دیگر، قرآن به روشنی معلوم می کند که کدام محاسن و امتیازاتی مردان بر زنان دارند. در اینجا کافی است بدانیم که در قرآن مردان بر زنان تفوق داشته و برترند.

۲- شهادت دو زن برابر یک مرد است

« و دو تن از مردان گواهی آرید و اگر دو مرد نیاید، یک تن مرد و دو زن هر که را طرفین راضی شود. » (سوره ۲ البقره آیه ۲۸۲).

تفسیر:

قرآن بسیار روشن و واضح دستورالعمل می دهد که شهادت دو زن در دادگاه برابر یک مرد است، این یکی از آیاتی است که تفوق و برتری مرد را به زن به وضوح نشان می دهد، مطابق این آیه است که قوانین قضائی اسلام که از شارع اصلی آن یعنی قرآن اتخاذ شده است به نام قوانین اسلامی یا شریعت پا به عرصه دادرسی گذاشته اند (و به این برتری مردانه صحه گذارده و حتی امروزه این اجحاف را مورد گواهی و تأیید قرار می دهند. م)، برای اطلاع بیشتر به: قوانین جزاء در اسلام، پژوهشی تطبیقی نوشته محمد S. El-Awa انتشارات آمریکائی اطمینان چاپ ۱۹۸۲ صفحه ۱۲۵ مراجعه کنید.

(Punishment in Islamic law: A Comparative study, Muhammed S. El-Awa, American Trust Publication, 1982, s 125)

۳- دو دختر به میزان یک پسر ارث می برند

زیرا خداوند به هر چیز دانا و به مصالح خلق آگاه است و سهم مردان از ترکه زنان نصف است. «
(سوره ۴ انشاء آیه ۱۱).

تفسیر:

توجیه و تبیین این آیه قرآنی علتی طبیعی دارد، از آنجائیکه پسران باعث دوام و قوام خاندان و خویشاوندان می شوند پس باید دو برابر سهم دختران به آنها ارث برسد، پسران به وقت سال خوردگی والدینشان بداد آنها رسیده و به دستگیری و مراقبت از آنها خواهند پرداخت در حالیکه دختران شوهر کرده و پی زندگی و خانواده خود هستند، این واقعیت در کشورهای اسلامی هنوز وجود داشته و به صورت قانون توارث اسلامی رعایت می شود به طوری که سهم فرزندان ذکور از ما ترکه دو برابر اولاد مؤنث در نظر گرفته میشود.

۴- تنبه زنان

« زمانیکه از مخالفت و نافرمانی آنها بپناکید باید نخست آنها را پند دهید و از خوابگاه شان دوری جوئید در صورت نافرمانی آنها را به زدن تنبیه کنید. « (سوره ۴ النساء آیه ۳۸).

تفسیر:

در این آیه، قرآن به وضوح نشان میدهد که چگونه مرد می تواند زن نافرمان و نامرتب را تنبیه کند! شگفت آور آن است که مرد می تواند قدرت خود را به کار گرفته و زن را مورد تنبیه بدنی قرار دهد، اصطلاح « اضْرَبُونِي » به معنی آنها را بزنید در قرآن آمده و چگونگی تنبیه یا زدن را نگفته است که مثلاً آنها را « به آرامی » بزنید، اصطلاح انگلیسی « Lightly » که مترادف « بی آرامی » در زبان

عربی است در این آیه ملحوظ نگردیده پس به بهانه این آیه مردها از حق زدن و تنبیه زنان مشروعاً برخوردار می شوند، برای اطلاع بیشتر به جزوه (دین اسلام نوشته احمد قالواش کتاب A استاندارد کنگره منعقد شده در سال ۱۹۵۷ صفحات ۱۱۲ و ۱۱۳ مراجعه فرمائید:

(The Religion of Islam: A Standard Book, Dr.Ahmed A. Galwash, Islamic Congress, 1957, s 112-113)

۵- زنان خدمتکار را می توان بزور تصاحب جنسی نمود

«... و کنیزکان خود که به عفت مایلند زنهار برای طمع مال دنیا جبراً بر ناروا وادار می کنید، که هر کس آنها را اگرآه به زنا کند، خداوند در حق آنها که مجبور بودند آمرزنده و مهربان است. » (سوره ۲۴ التور آیه ۳۳).

تفسیر:

آیه مزبور ابتدا نسبت به زنان خدمتکاری که به آنها ظلم شده و وادار به سوء استفاده جنسی شده اند ولی می خواهند عقیف و پاک بمانند با احتیاط بر خورد می کند! اما ادامه آیه در حقیقت برای اینگونه زنان شبه کابوس است زیرا قرآن می گوید خداوند بر این زنان بیچاره که مجبور به تمتع جنسی شده اند آمرزنده و مهربان است زیرا آنها مورد تجاوز به عنف واقع شده اند.

۶- مردها می توانند چهار زن داشته باشند

« ... پس آنکه زنان را به نکاح خود در آورید، که شما را نیکو و مناسب است دو یا سه و چهار ... » (سوره ۴ النساء آیه ۳).

تفسیر:

این امتیاز تعدد زوجات هنوز در بسیاری از کشورهای اسلامی که از اکثریت جمعیت مسلمانان برخوردارند به صورت قانون اسلامی قابل اجراست!

۷- مردها می توانند از زنان خود جدا شوند

« ای پیغمبر گرامی هر گاه می خواهی زنان را طلاق دهید... » (سوره ۶۵ الطلاق آیه ۱).
«... و نیز طلاق آنها دو مرد مسلمان عادل گواهی گیرید و برای خدا اقامه دعوی کنید...» (سوره ۶۵ الطلاق آیه ۲).

تفسیر:

گذشته از برخی استثناءها، قاعده کلی آن است که مرد مسلمان یک طرفه و به تنهایی قادر است زن خود را طبق قوانین شرعی طلاق دهد، رجوع کنید به جزوه (دکتر احمد قالواش کنگره منعقدۀ سال ۱۹۵۷ صفحه ۶۷).

(The Religion Of Islam: A Standard book, Dr.Ahmed A. Galwash, Islamic Congress, 1957 s 67)

مردی که قصد دارد زن خود را طلاق دهد در حضور دو شاهد عادل مرد (برابر آیه)، سه بار به زن خود روی کرده و می گوید: من تو را طلاق دادم!

(شاید اصطلاح عامیانه سه طلاقه از همینجا ناشی است. م) پس از این اظهارات، طلاق زن محرز بوده و قطعی است، جالب است، مردی که زن خود را طلاق می دهد دوباره نمی تواند همان زن را به عقد خود در آورد مگر آنکه * « مُحَلَّل » بگیرد یعنی زن مطلقه با مرد دیگری ازدواج کند! شایان ذکر است که زن مسلمان اجازه ندارد با مرد غیر مسلمان ازدواج کند در حالیکه مرد مسلمان این امکان را دارد که زن غیر مسلمان اهل کتاب را بعقد خود در آورد، برای اطلاع بیشتر به کتاب فوق الذکر نوشته احمد قالواش صفحه ۶۹ مراجعه فرمائید.

* اصطلاح مُحَلَّل در متن اصلی نیست. مترجم.

۸- در بهشت زنان باکره برای مردان وجود دارند

« در آن بهشت ها نیکو زنان با حسن و جمال بسیارند، الا جن وانس کدامین نعمتهای خدایتان را انکار می کنید، حورانی که در سراپرده خود مستورند، الا جن وانس کدامین نعمت خدایتان را انکار می کنید که پیش از شوهران دست هیچکس بدان زنان نرسیده است، الا جن وانس کدامین نعمتهای خدایتان را انکار می کنید در حالیکه حوران بر رف های سبز و زیبا تکیه زده اند، کدامین...؟ » (سوره ۵۵ الرحمن آیات ۷۰-۷۷).

تفسیر:

همانطور که می بینیم تعداد بشمار و غیر قابل باوری از زنان که زیبائیشان در تصور نمی گنجد در بهشت حضور دارند! طبق گفته محمد « قرآن » این زنان بر آن هستند تا حوائج و خواهش های جنسی مردها را بر آورده کنند، می بینیم حتی در بهشت تساوی حقوقی بین زن و مرد وجود ندارد!

نتیجه گیری:

مثالهایی که آوردیم به قدر کافی دلالت بر آن دارند که مساواتی بین زن و مرد از حیث قرآن وجود نداشته بلکه مردها از امتیازات و حقوقی بهره مندند که زنان را از آن بهره ای نسیت، قرآن در غایب امر بیان می دارد که مردان بر زنان قدری (درجه ای) مرجع بوده و برترند.

پایان

* منابع ادبی

* منابع و متونی که در این کتاب به آنها استناد شده است

قرآن Zetterland, Wahlström & Widstrand استکهلم چاپ ۱۹۷۹.

The Holy Quran. Ali, Corporation, Bentwood قرآن مقدس نوشته علی چاپ ۱۹۸۹.

تفاسیر بر حسب شماره و صفحه:

تفسیر ۸ ص

تفسیر ۳۲ ص

تفسیر ۱۴۱ ص

تفسیر ۲۸۴ ص

تفسیر ۷۳۸ و ۷۴۰ ص

تفسیر ۵۰۹۲ ص

تفسیر ۳۷۵۴ ص

تفسیر ۱۶۱۶ و ۱۶۱۷ ص

تفسیر ۹۲۹ ص

تفسیر ۳۲۷۴ ص

کتاب مقدس، (عهد قدیم ۱۹۱۷ و عهد جدید ۱۹۸۱) Libris/Efs. Örebro 1988

منابع اسلامی چاپ ۱۹۰۱

The Sources of Islam. St Clait_Tisdall, T&T Clark, Edinburg,1901

Pirke Rabbi Eliazer

افسانه های کاهن الیازر

Midrash Rabbah

میدارش ربا

II Targum of the Book of Esther

سرنوشت استر بزبان آرامی

داستان پدر مقدس ما، پیر نجارص History of our holy Father the Aged, the Carpenret

The Gospel of Infancy	تعالیم انجیل دربارۀ نوزاد
Story of Martyrs, Gregory of Tours	داستان شهدا
The Gospel of Thomas the Israelite	تعالیم انجیلی توماس
Miskat al Masabih	مشکلات المصباح
Balance Of Truth, Pfander, The Religious Tract Society, London	میزان ایمان
	1910
Al Baidawi, not 2 , s 129	البيضاوی تفسیر ۲، ص ۱۲۹
Al jalalan komentar av 33:37	الجلالان تفسیر سورة الاحزاب آیه ۳۷
Ibn Hisham, Vol 3	ابن هشام جلد سوم
Ibn Athir, vol 2	ابن اطهر، جلد دوم
Miskat al Masabih	مشکلات المصباح
Sirat Al Rasul, Part 2	سیرت الرسول، بخش دوم
	مدرک قاطع حقوقی در چهار چوب جهاد مسیح
Verdic.McDowell,Evidence That Demands A Campus Crusadefor Christ Inc,	
1979	
Bibelfakta I Färg. Libris.Örebro 1986	حقایق رنگارنگ انجیل
Fran Jesus Till Mother Theresa. Tergel. Verbum,	از عیسی مسیح به مادر ترزا
	1973
The Hans Wehr Dictionary Of Modern Written Arabic	لغتنامه مدرن ویر
Spoken Language Servince Inc, Inc.1976	

Nahjul Balagha, Reze, Tarike Tarsile Quran
Inc New York 1984

نهج البلاغه رضا تاريخ ترسيل قرآن

The Unseen Face Of Islam, Musk. Monarch Publication
Pasionate Believing, Musk Monarch
Publication. Turnbrige Wells. 1989

چهره نامرئی اسلام، موسک
اعتقاد خشم آلود، موسک

The Religion of Islam. Galwash. Islamic Congress, 1957

دين اسلام

سنن نوشته حافظ بن عبدالله محمد بن يزيد القزويني بن مجاء حديث شماره ۲۵۳۳

Susun, Hafith Ibn Abdallah Muhammad Bin Yazid Al-Qazwini Iba Maja
Hadith 2533

Punishment In Law. El-Awa American Trust
Publication, Indianapolis 1982.

قوانين جزاء در اسلام (تعزيرات)

* كتاب المقاضى واقدى صفحه مكتب اسلام و شيوه زندگى *

Islam lära och Livs Mönster, Härpe. Almqvist & Wiskeke. Stockholm 1972

آيات قرآنى

در اين فهرست آياتى به مناسبت موضوع آمده است. اعداد گويای شماره آيات هستند و چون در ترجمه از دو مرجع قرآنى استفاده شده الزاماً آيات اين منابع ذکر گردیده است. پراى آنها نمايانگر مأخذ قرآن و كتاب مقدس هستند که در تفاسير از آنها نامى برده نشده است.

شايان ذکر است علامت خط مورّب « | » که بين آيات آمده نشانگر استناد به دو مرجع قرآنى است.
م!

آيات به مثابه كلام جاودان خداوند

۱- سوره ۴۳ الزخرف آيات ۳ | ۴

۲- سوره ۱۳ الرعد آيات ۳۸-۳۹

۳- سورة ۵۶ الواقعة آيات ۷۶-۷۹ | ۷۶۱-۷۸

*دلائل اثبات الهی بودن قرآن

۱- سورة ۲۰ طه آیه ۱۳۳

۲- سورة ۴۶ الأحقاف آیه ۹ همین سوره آیه ۱۰

۳- سورة ۲۶ الشعرا آیه ۱۹۲ همین سوره آيات ۱۹۵-۱۹۹

۴- سورة ۵۲ الطور آيات ۳۳-۳۴ و سورة البقره آيات ۲۱ | ۲۳

۵- سورة ۲۹ العنكبوت آيات ۵۰-۵۱ و همین سوره آيات ۴۹-۵۰

*با مکشفه های پیش از خود مطابقت می کند

۱- سورة ۲ البقره آیه ۸۹ و همین سوره آیه ۸۳

۲- سورة ۲ البقره آیه ۹۵ همین سوره آیه ۱۰۱

۳- سورة ۲ البقره آیه ۱۱۳ همین سوره آیه ۱۰۷

۴- سورة ۳ آل عمران آیه همین سوره آیه ۷۳

۵- سورة ۵ المائده آیه ۶۸ همین سوره آیه ۷۲

۶- سورة ۱۰ یونس آیه ۹۴

*قرآن نظر مثبتی به اهل کتاب دارد

۱- سورة ۵ المائده آیه ۴۸ | ۴۴

۲- سورة ۷ الأعراف آیه ۱۶۹-۱۷۰ | ۱۶۸-۱۶۹

۳- سورة ۵ المائده آیه ۶۹ | ۷۳ (سورة ۲ البقره آيات ۴۰-۴۱ | ۳۸، سورة ۳ آل عمران آيات ۲۹ | ۳۱، سورة ۴ النساء آيات ۴ النساء آيات ۱۵۰-۱۵۱ و سورة ۷ الأعراف آيات ۱۵۶ | ۱۵۷، سورة ۳۳ الأحزاب آیه ۴۰، سورة ۶۱ الصّف آیه ۶)

۴- سورة ۵ المائده آیه ۱۱۱ (سورة ۳ آل عمران آیه ۵۲ | ۴۵)

۵- سورة ۳ آل عمران آیه ۵۵ | ۴۸

*قرآن از تعالیم کتاب مقدس منحرف می شود

- ۱- سورة ۵ المائدة آیه ۳۱ | ۳۴ (عهد عتیق، پیدایش باب ۴ آیات ۱-۱۶)
- ۲- سورة ۶۶ التحريم آیات ۱۰-۱۱
- ۳- سورة ۶ الأنعام آیه ۷۴ (عهد عتیق، پیدایش باب ۱۱ آیه ۲۶)
- ۴- سورة ۲۱ الأنبياء آیه ۵۲ | ۵۳ (سورة ۲۱ الأنبياء آیات ۵۱-۵۲ | ۷۴-۷۵)
- ۵- سورة ۳۷ الصافات آیه ۹۷ | ۹۵ (دانیال باب ۳)
- ۶- سورة الحج آیه ۲۶ | ۲۷ (سورة ۲ البقره آیات ۱۴۲-۱۴۳ | ۱۳۶-۱۳۹)
- ۷- سورة ۱۲ يوسف آیه ۳۱ (عهد عتیق، پیدایش باب ۳۹ آیات ۱-۲۰)
- ۸- سورة ۲۸ القصص آیه ۹ | ۸ (عهد عتیق، خروج باب ۲ آیه ۱۰)
- ۹- سورة ۱۸ الكهف آیات ۶۰ | ۵۹ (همین سوره آیات ۶۰-۸۲ | ۵۹-۸۱)
- ۱۰- سورة ۲۰ طه آیات ۷۱ | ۷۴ (عهد عتیق، خروج: و همچنين سورة ۵ المائدة آیات ۳۳ | ۳۵)
- ۱۱- سورة ۴۰ المؤمن « قفیر » آیات ۳۶-۳۷ | ۳۸-۳۹ (عهد عتیق: استر باب ۳ آیه ۱)
- ۱۲- سورة ۷ الأعراف آیات ۱۷۱ | ۱۷۰ (عهد عتیق، خروج باب ۱۹ آیات ۱۶-۱۹)
- ۱۳- سورة ۲۰ طه آیات ۸۷-۸۸ | ۹۰-۸۷ (عهد عتیق، خروج باب ۳۲ آیات ۱-۳۵)؛ سورة ۲۰ طه آیه ۹۷؛ و همچنين (عهد عتیق اول پادشاهان باب ۱۲ آیات ۲۵-۳۱)
- ۱۴- سورة ۶۶ التحريم آیه ۱۲ و سورة ۱۹ مريم آیات ۲۸ | ۲۹ (عهد عتیق، اول تواریخ باب ۶ آیه ۳ و همچنين خروج باب ۱۵ آیه ۲۰)
- ۱۵- سورة ۲ البقره آیات ۲۴۹ | ۲۵۰ (عهد عتیق، داوران باب ۷ آیات ۴-۶)
- ۱۶- سورة ۲۷ التمل آیات ۱۶-۱۹، ۳۸-۴۰ (اول پادشاهان باب ۱ آیات ۱-۱۱؛ وايضاً سورة ۲۷ التمل آیات ۱۶-۴۴)
- ۱۷- سورة ۱۸ الكهف آیات ۸۳ | ۸۲ (وايضاً آیات ۸۳-۱۰۱ | ۸۲-۱۰۱، و همین سوره آیات ۸۵، ۹۳، ۹۷ | ۸۶، ۹۵، ۹۸)

۱۸- سورة آل عمران آيات ۳۷ | ۳۲

۱۹- سورة آل عمران آيات ۴۱ | ۳۶ (عهد جديد انجيل لوقا باب ۱ آيات ۱۸-۲۰ و همين باب آيات ۵۹-۶۴)

۲۰- سورة ۱۹ مريم آيات ۲۲-۲۳ (عهد جديد انجيل متى باب ۱ ، همچنين انجيل لوقا باب های ۱-۲)

۲۱- سورة ۶۱ الصّٰف آية ۶ (عهد جديد انجيل يوحنا باب ۱۴ آيات ۱۵-۲۶ ؛ و باب ۱۵ آية ۲۶ ؛ و باب ۱۶ آيات ۵-۱۵ ؛ و اعمال رسولان باب ۱ آيات ۴-۸ ؛ و باب ۲ آيات ۱-۴)

۲۲- سورة ۵ المائدة آية ۷۵ و همين سوره آيات ۱۱۶ | ۷۹ ، ۱۱۶ : سورة ۴۳۲ الزخرف آية ۸۱ و سورة ۱۱۲ الاخلاص آيات ۲-۴)

۲۳- سورة ۴ النساء آيات ۱۵۷-۱۵۸ | ۱۵۶

۲۴- سورة ۱۸ الكهف آيات ۹ ، ۲۵ و ايضاً آيات ۸ و ۱۷ ، ۲۴

*مسيحيان و يهوديان كتاب مقدس را جعل کرده اند

۱- سورة ۱۱ هود آية ۱۱۰

۲- سورة آل عمران آيات ۷۸-۷۹ | ۷۲-۷۳

۳- سورة ۲ البقره آيات ۷۸-۷۹ | ۷۳

۴- سورة ۱۳ الرعد آية ۳۹ (عهد جديد انجيل لوقا باب ۱۶ آية ۱۷ ؛ همين انجيل باب ۲۱ آية ۳۳)

۵- سورة ۲ البقره آية ۱۰۶ | ۱۰۰ و سورة ۱۶ النحل آيات ۱۰۱ | ۱۰۳

*جاىگاه عيسى در قرآن

۱- سورة ۲۱ الأنبياء آية ۹۱

۲- سورة ۲۳ المؤمنون آيات ۵۰ | ۵۲

۳- سورة ۴ النساء آيات ۱۷۱ | ۱۶۹

۴- سورة ۳ آل عمران آيات ۵۹ | ۵۲

- ٥- سورة ٣ ال عمران آيات ٤٩ | ٤٣
- ٦- سورة ٥٧ الحديد آية ٢٧
- ٧- سورة ١١٢ الإخلاص آيات ١-٤
- ٨- سورة ٤٣ الزخرف آية ٨١
- ٩- سورة ٥ المائدة آية ١١٦ (عهد جديد انجيل متى باب ٢٨ آيات ١٩-٢٠ ؛ انجيل يوحنا باب ١ آيات ١٤ ، ١٤ ؛ باب ١ آية ١٨ و باب ١٤ آيات ٦-١١)
- ١٠- سورة ٤ النساء آيات ١٥٧-١٥٨ | ١٥٦ (عهد عتيق ، اشعيا باب ٥٣)
- ١١- سورة ٢ البقرة آيات ٢٤٠ | ٢٤١ ، سورة ٥ المائدة آية ١١٧ ، سورة ٣ ال عمران آيات ١٥٥ | ٤٨ ، سورة ١٩ مريم آيات ٣٣ | ٣٤ (سورة ٤ النساء آيات ١٥٧ | ١٥٦)
- ١٢- سورة ٦١ الصف آية ٦ (عهد جديد انجيل يوحنا باب ١٤ آيات ١٥-٢٦ ؛ همين انجيل باب آية ٢٦ ؛ باب ١٦ آيات ٥-١٥ ؛ اعمال رسولال باب ١ آيات ٤-٨ ؛ باب ٢ آيات ١-٤)

*جايكاه محمد در قرآن

- ١- سورة ٣٣ الحزاب آيات ٦٦ ، ٧١ (سورة النور آيات ٥١-٥٤ | ٥٠-٥٣)
- ٢- سورة ٣٣ الحزاب آية ٤٠
- ٣- سورة ٦ الأنعام آية ١٠٩
- ٤- سورة ٢٩ العنكبوت آيات ٥٠-٥١ | ٤٩-٥٠
- ٥- سورة ٥٣ النجم آيات ٩-٧ ، ١٣
- ٦- سورة ١٧ الإسراء آية ١
- ٧- سورة ٢١ الأنبياء آية ٥
- ٨- سورة ٥١ التّاريات آية ٥٢
- ٩- سورة ٣٣ الأحزاب آيات ٥٠ | ٤٩
- ١٠- سورة ٣٣ الأحزاب آية ٥٢

۱۱- سورة الأحزاب آیه ۵۱

۱۲- سورة ۶۶ التحريم آیات ۱-۲

۱۳- سورة ۳۳ الأحزاب آیه ۳۷

۱۴- سورة ۶۶ التحريم آیات ۳ ، ۵

۱۵- سورة ۴۹ الحجرات آیات ۲-۳

۱۶- سورة ۳۳ الأحزاب آیه ۵۳

۱۷- سورة ۵۹ الحشر آیات ۲-۴

۱۸- سورة ۵۹ الحشر آیه ۷

* پایه و اساس ايمان در اسلام

۱- سورة ۲ البقره آیات ۱۷۷ | ۱۷۲

۲- سورة ۱۱۲ الأُخْلاص آیات ۲-۴

۳- سورة ۱۷ الأُسْرآ آیه ۱۱۱

۴- سورة ۵۹ الحشر آیات ۲۲-۴۲

* پایه های پنجگانه در اسلام (ستونهای دين اسلام)

۱- سورة ۲ البقره آیه ۱۶۳

۲- سورة ۱۱ هود آیات ۱۱۴ | ۱۱۶. سورة ۴ النساء آیات ۴۳ | ۴۶ و سورة ۶۲ الجمعة آیه ۹

۳- سورة ۲ البقره آیات ۱۸۷ | ۱۸۳

۴- سورة ۲ البقره آیات ۴۳ | ۴۰. سورة ۹ التَّوْبَة آیه ۶۰

۵- سورة ۲ البقره آیات ۱۹۶ | ۱۹۲

* محكوميت و بخشش (محكوميت و عذاب، رحم و شفقت)

۱- سورة ۵۰ ق آیات ۱۷ | ۱۶

- ٢- سورة ٥٤ القمر آية ٥٢-٥٣
- ٣- سورة ١٧ الأَسْرَآ آيات ١٣ | ١٤
- ٤- سورة ١٠١ القارعه آيات ٦-١٠ | ٥-٨
- ٥- سورة ١٦ النحل آيات ٦١ | ٦٣ (سورة ٤ النساء آيات ٢٧-٢٨ | ٣٢)
- ٦- سورة ٦ الأنعام آيات ١٦٠ | ١٦١ (عهد جديد، رسالة دوم قرنتيان باب ٥ آيات ١٧-٢١)
- ٧- سورة ٤٠ المؤمن آيات ٧-٨ (انجيل لوقا باب ٥ آيات ١١-٢٣)
- ٨- سورة ٣٢ السجده آية ١٣
- ٩- سورة ٤١ فصلت آيات ٢٤ | ٢٣
- نتيجه گيرى: (عهد جديد: رسالة روميان باب ٦ آية ٢٣)

* بهشت و دوزخ

- ١- سورة ٤٠ المؤمن آية ٧
- ٢- سورة ٤٣ الزخرف آية ٧٠
- ٣- سورة ٤٣ الزخرف آية ٧١ (سورة ٣٧ الصافات آيات ٤٢-٤٩ | ٤١-٤٧ و سورة ٥٦ الواقعة آيات ١١-٣٨ | ١١-٣٩)
- ٤- سورة ٥٥ الرحمن آيات ٥٦-٥٧، ٧٠-٧٧ (انجيل متى باب ٢٢ آية ٣٠)
- ٥- سورة ٨٣ المطففين آيات ٢٥-٢٦
- ٦- سورة ٧٨ النبأ آيات ٢١-٢٥ (سورة ٧٢ الجن آيات ٢٣ | ٢٤)
- ٧- سورة ٤٤ الدخان آيات ٤٣-٤٦
- ٨- سورة ٤٤ الدخان آيات ٤٧-٤٨
- ٩- سورة ٣٣ الأحزاب آية ٦٦
- نتيجه گيرى: (رسالة افسسيان باب ٢ آية ١٣)

* جن ها، فرشتگان و ابهامات

- ١- سورة ١٥ الحجر آية ٢٧
- ٢- سورة ٧٢ الجن آية ١١
- ٣- سورة ٤٦ الأحقاف آيات ٢٩-٣١ | ٢٨-٣٠
- ٤- سورة ٧٢ الجن آية ١
- ٥- سورة ٧٢ الجن آية ١٥ (سورة ٣٢ السجده آية ١٣)
- ٦- سورة ٢٠ طه آيات ١١٦ | ١١٥ (سورة ٢ البقره آيات ٩٨ | ٩٢)
- ٧- سورة ٢ البقره آيات ١٠٢ | ٩٦
- ٨- سورة ٣٧ الصافات آيات ٦-١٠
- ٩- سورة ٣٨ ص آيات ٣٦-٣٧ | ٣٥-٣٦ (سورة ٢٧ التمل آية ١٧ ، سورة ٣٤ السبأ آيات ١٢-١٣ | ١١-١٢ ، سورة ٢٧ التمل آية ٣٩)
- ١٠- سورة ٩٧ القدر آيات ٣-٤

نتيجة كبرى: سورة ١١٣ الفلق و سورة ١١٤ الناس

جهاد

- ١- سورة ٩ التوبة آية ٢٠
- ٢- سورة ٢ البقره آيات ١٩٠-١٩١ | ١٨٦-١٨٧
- ٣- سورة ٩ التوبة آية ٥
- ٤- سورة ٩ التوبة آية ٢٩
- ٥- سورة ٣ عمران آيات ١٥٧-١٥٨ | ١٥١-١٥٢
- ٦- سورة ٨ الأنفال آية ١٦
- ٧- سورة ٨ الأنفال آيات ٦٩ | ٧٠ (سورة ٣٣ الأحزاب آية ٥٠)
- ٨- الأنفال آيات ٤١ | ٤٢

مخالفان اسلام

مقدمه ! سورة ٢ البقره آيات ٢٥٦ | ٢٥٧

١- سورة ٥ المائده آيات ٣٣ | ٣٧ (سورة ٥٩ الحشر آيات ٢-٤)

٢- سورة ٢ البقره آيات ٢١٧ | ٢١٤

٣- سورة ٩ التوبه آيات ٨٤ | ٨٥

٤- سورة ٧٢ الجن آيات ٢٣ | ٢٤ (سورة ٩ التوبه آيات ٨٠ | ٨١)

٥- سورة ٩ التوبه آيات ٧٤ | ٧٥

٦- سورة ٩ التوبه آية ٥

نتيجه گيرى: (سورة ٢ البقره آيات ٢٥٦ | ٢٥٧ : انجيل لوقا باب ٦ آيات ٢٧-٢٨)

تساوى بين زن و مرد

١- سورة ٢ البقره آية ٢٢٨

٢- سورة ٢ البقره آية ٢٨٢

٣- سورة ٤ النساء آيات ١١ | ١٢

٤- سورة ٤ النساء آيات ٣٤ | ٣٨

٥- سورة ٢٤ التور آية ٣٣

٦- سورة ٤ النساء آية ٣

٧- سورة ٦٥ الطلاق آيات ١-٢

٨- سورة ٥٥ الرحمن آيات ٧٠-٧٧

سوره های قرآنی بر اساس تقسیم بندی قرآن!

اینجا بخشی از اسامی سوره های قرآن بر حسب موضوع آورده شده است! این لیست به پیروی از تقسیم بندی خود قرآن و شماره های سور آن سوره به سوره نوشته شده چنانچه می دانیم ما از دو ترجمه منابع قرآنی استفاده کرده ایم و شماره آیه هائی که در این دو ترجمه به آنها مراجعه شده در لیست به آنها استناد گردیده، چنانچه شماره آیه ها در دو قرآن با هم مطابقت داشته باشند، به منظور عدم تکرار از یک ترجمه استفاده می شود در غیر این صورت دو ترجمه در لیست به کار رفته است، شماره هائی که در پرانتز قرار گرفته اند اولی به صفحه کتاب بر حسب موضوع و شماره دوم به عنوان مطلب عنایت دارند.

سوره ۲ البقره آیات ۲۳ | ۲۱ (ص - ۴)، البقره ۴۰-۴۱ | ۳۸ (ص - ۳)، البقره ۴۳ | ۴۰ (ص - ۴)، البقره ۷۸-۷۹ | ۷۳ (ص - ۳)، البقره ۸۹ | ۸۳ (ص - ۱)، البقره ۹۸ | ۹۲ (ص - ۶)، البقره ۱۰۱ | ۹۵ (ص - ۲)، البقره ۱۰۲ | ۹۶ (ص - ۷)، البقره ۱۰۶ | ۱۰۰ (ص - ۵)، البقره ۱۱۳ | ۱۰۷ (ص - ۳)، البقره ۱۴۲-۱۴۳ | ۱۳۶-۱۳۹ (ص - ۶)، البقره ۱۶۳ | ۱۵۸ (ص - ۱)، البقره ۱۷۷ | ۱۷۲ (ص - ۱)، البقره ۱۸۷ | ۱۸۳ (ص - ۳)، البقره ۱۹۰-۱۹۱ | ۱۸۶-۱۸۷ (ص - ۲)، البقره ۱۹۶ | ۱۹۲ (ص - ۵)، البقره ۲۱۷ | ۲۱۴ (ص - ۲)، البقره ۲۲۸ (ص - ۱)، البقره ۲۴۰ | ۲۴۱ (ص - ۱۱)، البقره ۲۴۹ | ۲۵۰ (ص - ۱۵)، البقره ۲۵۶ | ۲۵۷ (ص - مقدمه، ص - نتیجه گیری)، البقره ۲۸۲ (ص - ۲).

سوره ۳ ال عمران آیات ۳۱ | ۲۹ (ص - ۳)، ال عمران ۳۷ | ۳۲ (ص - ۱۸)، ال عمران ۴۱ | ۳۶ (ص - ۱۹)، ال عمران ۴۹ | ۴۳ (ص - ۵)، ال عمران ۵۲ | ۴۵ (ص - ۴)، ال عمران ۵۵ | ۴۸ (ص - ۵ - ص - ۱۱)، ال عمران ۵۹ | ۵۲ (ص - ۴)، ال عمران ۷۸-۷۹ | ۷۲-۷۳ (ص - ۲)، ال عمران ۷۹ | ۷۳ (ص - ۴)، ال عمران ۱۵۷-۱۵۸ | ۱۵۲-۱۵۳ (ص - ۵).

سوره ۴ النساء آیه ۳ (ص - ۶)، النساء ۱۱ | ۱۲ (ص - ۳)، النساء ۲۷ | ۲۸ (ص - ۵)، النساء ۳۴ | ۳۸ (ص - ۴)، النساء ۴۳ | ۴۶ (ص - ۲)، النساء ۱۵۰-۱۴۹ | ۱۵۱-۱۵۰ (ص - ۳)، النساء ۱۵۷ | ۱۵۶ (ص - ۱۱)، النساء ۱۵۸-۱۵۷ | ۱۵۶ و ۲۳ و ۱۰ (ص - ۳)، النساء ۱۷۱ | ۱۶۹ (ص - ۳).

سورة 5 المائدة آيات 31 \ 34 (ص - 1)، المائدة 37 \ 33 (ص - 10 و ص - 1)، المائدة 44 \ 48 (ص - 1)، المائدة 68 \ 72 (ص - 5)، المائدة 69 \ 73 (ص - 3)، المائدة 75 \ 79 (ص - 22 -)، المائدة 111 (ص - 4)، المائدة 116 (ص - 22 و ص - 9)، المائدة 117 (ص - 11) .

سورة الأنعام 6 آية 74 (ص - 3)، الأنعام 109 (ص - 3)، الأنعام 160 \ 161 (ص - 6) .

سورة 7 الأعراف آيات 157 \ 156 (ص - 3)، الأعراف 169-170 \ 168-169 (ص - 2)، الأعراف 170 \ 171 (ص - 12) .

سورة 8 الأنفال آية 16 (ص - 6)، الأنفال 41 \ 42 (ص - 8)، الأنفال 69 \ 70 (ص - 7) .

سورة 9 التوبة آية 5 (ص - 3 و ص - 6)، التوبة 20 (ص - 1) التوبة 29 (ص - 4)، التوبة 60 (ص - 4)، التوبة 84-85 (ص - 3)، التوبة 74 \ 75 (ص - 5)، التوبة 80 \ 81 (ص - 5) .

سورة 10 يونس 10 آية 94 (ص - 6) .

سورة 11 هود آية 110 \ 112 (ص - 1)، هود 114 \ 116 (ص - 2) .

سورة 12 ال يوسف آية 31 (ص - 7) .

سورة 13 الزّعد آيات 38-39 (ص - 2)، الزّعد 39 (ص - 4) .

سورة 15 الحجر آية 27 (ص - 1) .

سورة 16 النحل آيات 61 \ 63 (ص - 5)، النحل 101 \ 103 (ص - 5) .

سورة 17 الأسراء آية 1 (ص - 6)، الأسراء 13 \ 14 (ص - 3)، الأسراء 111 (ص - 3) .

سورة 18 الكهف آية 9 ، 18 ، 25 \ 8 ، 17 ، 24 (ص - 24)، الكهف 60 \ 59 (ص - 9)، الكهف 60-82 \ 59-81 (ص - 9)، الكهف 83 \ 82 (ص - 17)، الكهف 83-101 \ 82-101 (ص - 17)، الكهف 86 ، 95 ، 98 \ 85 ، 93 ، 97 (ص - 17) .

سورة 19 مريم آيات 22-23 (ص - 20)، مريم 28 \ 29 (ص - 14)، مريم 33 \ 34 (ص - 1) .

- سورة 20 طه آيات 71 \ 74 (ص - 10)، طه 85 ، 87-88 \ 87 ، 90 (ص - 13)، طه 97 (ص - 13)، طه 116 \ 115 (ص - 6)، طه 133 (ص - 1) .
- سورة 21 الانبياء آية 5 (ص - 7)، الانبياء 51-75 \ 52-74 (ص - 4)، الانبياء 52 \ 53 (ص - 4)، الانبياء 91 (ص - 1) .
- سورة 22 الحج آية 26 \ 27 (ص - 6) .
- سورة 23 المؤمنون آيات 50 \ 52 (ص - 2) .
- سورة 24 التور آية 33 (ص - 5)، التور 51-54 \ 50-53 (ص - 1) .
- سورة 26 الشعراء آيات 192 ، 195-199 (ص - 3) .
- سورة 27 التمل آيات 16-19 ، 38-40 ، 44 (ص - 16)، التمل 16-44 (ص - 16)، التمل 17 (ص - 9)، التمل 39 (ص - 9) .
- سورة 28 القصص آية 9 \ 8 (ص - 8) .
- سورة 29 العنكبوت آية 50-51 \ 49-50 (ص - 5 ، ص - 5) .
- سورة 32 السجده آية 13 (ص - 8 ، ص - 5) .
- سورة 33 الاحزاب آية 37 (ص - 13)، الاحزاب 40 (ص - 3 ، ص - 2)، الاحزاب 50 \ 49 (ص - 9 ، ص - 7)، الاحزاب 51 (ص - 11)، الاحزاب 52 (ص - 10)، الاحزاب 53 (ص - 16)، الاحزاب 66 (ص - 1 ، ص - 9)، الاحزاب 71 (ص - 1) .
- سورة 34 النساء آيات 12-13 \ 11-13 (ص - 9) .
- سورة 37 الصافات آيات 6-10 (ص - 8)، الصافات 42-49 \ 41-47 (ص - 3)، الصافات 97 \ 95 (ص - 5) .
- سورة 38 ص آيات 36-37 \ 35-36 (ص - 9) .
- سورة 40 المؤمن آية 7 (ص - 1)، المؤمن 7-8 (ص - 7)، المؤمن 36-37 \ 38-39 (ص - 11) .
- سورة 41 فصلت آيات 24 \ 23 (ص - 9) .

- سورة 43 الزخرف آية 4 \ 3 (ص - 1)، الزخرف 70 (ص - 2)، الزخرف 71 (ص - 3)،
الزخرف 81 (ص - 22 ، ص - 8) .
- سورة 44 الدخان آيات 43-46 (ص - 7)، الدخان 47-48 (ص - 8) .
- سورة 46 الاحقاف آيات 10-9 (ص - 2)، الاحقاف 29-31 \ 28-30 (ص - 3) .
- سورة 49 الحجرات آيات 2-3 (ص - 15) .
- سورة 50 ق آيات 17-16 (ص - 1) .
- سورة 51 الناريات آية 52 (ص - 8) .
- سورة 52 الطور آيات 33-34 (ص - 4) .
- سورة 53 النجم آيات 7-9 ، 13 (ص - 5) .
- سورة 54 القمر آيات 52-53 (ص - 2) .
- سورة 55 الرحمن آيات 56-57 (ص - 4)، الرحمن 70-77 (ص - 4 ، ص - 8) .
- سورة 56 الواقعة آيات 11-38 \ 11-39 (ص - 3)، الواقعة 77-79 \ 76-78 (ص - 3) .
- سورة 57 الحديد آية 27 (ص - 6) .
- سورة 59 الحشر آيات 2-4 (ص - 17 ، ص - 1)، الحشر 7 (ص - 18)، الحشر 22-24 (ص -
4) .
- سورة 61 الصّف آية 6 (ص - 3 ، ص - 21 ، ص - 12) .
- سورة 62 الجمعة آية 9 (ص - 2) .
- سورة 65 الطلاق آيات 1-2 (ص - 7) .
- سورة 66 التحريم آيات 1-2 (ص - 12)، التحريم 3-5 (ص - 14)، التحريم 10-11 (ص - 2)،
التحريم 12 (ص - 14) .
- سورة 72 الجن آية 1 (ص - 4)، الجن 11 (ص - 2)، الجن 15 (ص - 5)، الجن 23-24 (ص -
9 - 9 ، ص - 6 ، ص - 4) .
- سورة النبأ آيات 21-25 (ص - 6) .

سوره 83 المطففين آیات 25-26 (ص - 5) .

سوره 97 القدر آیات 3-4 (ص - 10) .

سوره 101 القارعه آیات 6-11 \ 5-8 (ص - 4) .

سوره 111 الاخلاص آیات 1-4 (ص - 7 ، ص - 2) ، الاخلاص 2-4 (ص - 22) .

سوره 113 الفلق (ص - نتیجه گیری) .

سوره 114 الناس (ص - نتیجه گیری) .

*آیات کتاب مقدس

آیاتی که در این فهرست آمده، همان آیه هائی هستند که در تفسیر مطالب مراجعه شده است، عدد اول موجود در پرانتزها از شماره صفحه بر حسب دارد، در حالیکه عدد دوم شماره عنوان مطلب را نشان می دهد.

عهد عتیق

پیدایش (ص - 1) ، پیدایش باب 4 آیات 1-16 (ص - 1) ، پیدایش باب 11 آیه 26 (ص - 3) ، پیدایش باب 39 آیات 1-20 (ص - 7) .

خروج (ص - 1 ، ص - 10) ، خروج باب 2 آیه 10 (ص - 8) ، خروج باب 15 آیه 20 (ص - 14) ، خروج باب 19 آیات 16-19 (ص - 12) ، خروج باب 32 آیات 1-35 (ص - 13) .

داوران باب 7 آیات 4-6 (ص - 15) .

اول پادشاهان باب های 1-11 (ص - 16) ، اول پادشاهان باب 12 آیات 25 (ص - 13) .

اول تواریخ باب 6 آیه 3 (ص - 14) .

استر باب 3 آیه 1 (ص - 11) .

اشهیا باب 53 (ص - 10) .

دانیال باب 3 (ص - 5) .

عهد جدید

انجیل متی باب 1 (ص - 20)، متی باب 22 آیه 30 (ص - 4)، متی باب 28 آیات 19-20 (ص - 9).

انجیل لوقا بابهای 1-2 (ص - 20)، لوقا باب 1 آیات 18-20، 59-64 (ص - 19)، لوقا باب 6 آیات 27-28 (ص - نتیجه گیری)، لوقا باب 15 آیات 11-32 (ص - 5)، لوقا باب 16 آیه 17 (ص - 4)، لوقا باب 21 آیه 33 (ص - 4).

انجیل یوحنا باب 1 آیات 1، 14، 18 (ص - 9)، یوحنا باب 14 آیات 6-11 (ص - 9)، یوحنا باب 14 آیات 15-26 (ص - 21، ص - 12)، یوحنا باب 16 آیات 5-15 (ص - 21، ص - 12).

اعمال رسولان باب 1 آیات 4-8 (ص - 21، ص - 12)، اعمال رسولان باب 2 آیات 1-4 (ص - 21، ص - 12).

رساله رومیان باب 6 آیه 23 (ص - نتیجه گیری).

رساله دوم قرنتیان باب 5 آیات 17-21 (ص - 4).

رساله افسسیان باب 2 آیه 13 (ص - نتیجه گیری).